

وزارت معارف

تعلیمات مدنی

صنف ۱۲





تعلیمات مدنی - صنف دوازدهم

۱۳۹۸ هـ. ش.



سرود ملی

دا وطن افغانستـان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولـو کور دی
د پښـتون او هـزاره وو
ورسـره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېـواد به تل ځلیږي
په سینـه کې د آسیـا به
نوم د حق مـو دی رهبـر

دا عـزت د هـر افغان دی
هر بچی یې قهرمـان دی
د بـلـوڅـــو د ازبکــو
د تـرکمنـــو د تـاجکـو
پـامیـریـان، نورسـتانیـان
هـم ایمـاق، هم پشه یان
لکه لمر پر شـنه آسـمان
لکـه زړه وي جـاویــدان
وایـو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



تعلیمات مدنی

صنف دوازدهم

۱۳۹۸

هـ.ش

مشخصات کتاب

مضمون: تعلیمات مدنی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیمات مدنی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دوازدهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

تعلیمات مدنی

فصل اول

دولت

در این فصل درس‌های زیر را می‌آموزیم:

- ضرورت به دولت
- اقسام دولت
- ساختار دولت
- قانون
- قانون اساسی

اهداف فصل

بعد از خواندان این فصل به اهداف دانشی و مهارتی زیر دست می‌یابید:

- مفهوم دولت را می‌دانید.
- ضرورت وجود دولت را درک می‌کنید.
- با وظایف دولت آشنا می‌شوید.
- ساختار دولت افغانستان را می‌دانید
- با مفهوم قوای سه‌گانه آشنا می‌شوید.
- قوه مجریه را می‌شناسید.
- قوه مقننه را می‌شناسید.
- قوه قضاییه را می‌شناسید.
- مفهوم قانون را می‌دانید.

از شاگردان انتظار می‌رود که به اهداف مهارتی ذیل برسند:

- مفهوم دولت را توضیح داده می‌توانید.
- ضرورت وجود دولت را تشخیص و بیان نموده می‌توانید.
- انو اع دولت را نام برده می‌توانید.
- وظایف دولت را تشخیص و فهرست کرده می‌توانید.
- ساختار دولت افغانستان را توضیح داده می‌توانید.
- قوای سه‌گانه دولت را تفکیک کرده می‌توانید.
- وظایف قوه اجراییه را توضیح داده می‌توانید.
- وظایف ولسی جرگه و مشرانو جرگه را فهرست کرده می‌توانید.
- قانون را تعریف نموده می‌توانید.
- انواع قانون را فهرست نموده می‌توانید.
- وظایف خود را در قانون اساسی توضیح داده می‌توانید.
- قانون اساسی و قوانین عادی را تفکیک کرده می‌توانید.
- مفهوم انتخابات را بیان نموده می‌توانید.
- اهمیت انتخابات را تشریح کرده می‌توانید.
- سیستم‌های انتخاباتی را توضیح داده می‌توانید.

ضرورت به دولت

سال گذشته در مورد نظم، تغییرات، نا برابری و مشکلات اجتماعی آشنایی حاصل نمودید، از اینکه دولت با هر کدام این‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد؛ نخستین درس را با همین عنوان آغاز می‌کنیم.

مباحثه نمایید

• دولت چیست؟

• چرا به دولت ضرورت داریم؟

اگر در یک گردش دسته جمعی با دوستان خود، جهت میله به یک منطقهٔ زیبا به تفریح بروید، خواهید دید که اجرای این برنامه، بدون رعایت یک سلسله ضوابط و مقررات ممکن نخواهد بود؛ به این معنا که:

هدف دوستان باید آشکار باشد، راه رسیدن به آن مشخص شده و همهٔ افراد باید به طور منظم و هماهنگ با همدیگر کار نمایند و از خود سری پرهیز نمانید. افزون بر این برنامهٔ ساده گردش به شما آشکار خواهد کرد که نه تنها مقررات و قوانین لازم است؛ بلکه باید اشخاصی در گروه شما باشند که مراقب اجرای قوانین بوده مسؤولیت رهبری و قیادت گروه را به عهده داشته باشند تا از بروز سرپیچی‌ها و هرج و مرج جلوگیری نمایند. وقتی گردش سادهٔ بدون مقررات و قوانین و بدون سر پرست و رهبری، نظم نداشته باشد، چگونه امکان دارد جامعه، با همه گسترش و پیچیده‌گی بتواند، بدون قانون و رهبری نظم و دوام داشته باشد؟ اینجاست که جامعه به دولت نیازدارد و از همین جهت است که از دیرزمان اجتماعات انسانی متوجه این ضرورت مهم شده اند و به تشکیل دولت‌های کوچک و بزرگ اقدام کرده‌اند . اگر در جامعه دولت نباشد، کارهمهٔ بخش‌ها مختل می‌شود و مردم قادر نخواهند بود نیازمندی‌های روز مره خود را مرفوع سازند. اکنون که دانستیم جامعه به دولت نیاز دارد پس لازم است بدانیم که **دولت چیست**؟ در مفهوم عمومی، دولت به معنای مجموعهٔ سازمان اجرایی که قدرت ادارهٔ جامعه به آن داده شده است می‌باشد.

کلمهٔ **دولت** دو گونه استعمال دارد.

اول- مجموعهٔ سه عنصر (سرزمین، مردم و حکومت) را دولت گویند. که در این استعمال با کلمهٔ کشور مترادف است. و حکومت یک جزء آن شمرده می‌شود.

دوم- مجموعهٔ ارگان‌ها و ادارات حاکمهٔ یک کشور (قوهٔ مقننه، قوهٔ مجریه و قوهٔ قضاییه) که کلمهٔ **دولت** در این استعمال با کلمهٔ **حکومت** مترادف می‌باشد. البته مراد این کلمه در هر جا از محتوای کلام فهمیده می‌شود.

عناصر متشکله دولت عبارت است از:

۱- مردم یا جمعیت(نفوس): یکی از عناصر اساسی برای تشکیل یک دولت، وجود جمعیتی از انسان‌ها است که دولت را می‌سازند و بدون آن‌ها دولت معنا پیدا نمی‌کند.

۲- سر زمین یا قلمرو: ساحهٔ خاک یا قلمرو، یکی دیگر از عناصر اساسی تشکیل دهندهٔ دولت پنداشته می‌شود، سرزمین یک کشور عبارت از محدودهٔ جغرافیایی معینی است که جمعیتی از افراد در آن مسکن‌گزین بوده و در آن تشکیل حکومت می‌دهد.

۳- حکومت: در علم سیاست،حکومت وسیله‌یی تلقی می‌شود که برای بر قراری نظم، ایجاد امنیت داخلی و خارجی و تأمین رفاه و خیر مردم از طرف دولت ایجاد شده است.

فرمانروایی: فرمانروایی، عالی‌ترین قدرت دولت اجرا کنندهٔ قانون است. قلمرو حاکمیت برای اعمال قدرت تا آن جاست که با حقوق دیگر دولت‌ها تداخل نداشته باشد. امروز این اصل پذیرفته شده که فرمانروایی دولت، برخاسته از خواست و ارادهٔ مردم است. به این دلیل، رژیم‌های سیاسی خود را نماینده مردم می‌دانند.

فعالیت: با گروه خود راجع به عمده‌ترین عنصر دربرگیرندهٔ دولت که به دولت ماهیت حقوقی و سیاسی می‌بخشد، بحث نمایید و نتیجهٔ بحث خود را به دیگران بیان کنید.

هرگاه در یک جامعه حکومت نباشد، جامعه به کدام مشکلات مواجه می‌گردد؟

طوری‌که خواندید حکومت برای برقراری نظم، ایجاد امنیت داخلی و خارجی و تأمین رفاه و

خیر مردم در دولت ایجاد گردیده است، بنابراین، در هر جامعه شعبات و ارگان‌هایی باید باشد که کار همهٔ نهادها را نظارت کند و به آن‌ها هدایت دهد تا کارهای خود را به موقع اجرا و انجام دهد و نیازهای گوناگون مردم را به وجه احسن مرفوع نمایند.

در واقع حکومت وابسته به مردم است که مردم را رهبری، اداره و هدایت می‌کند و آن‌ها را از آسیب‌ها و خطرهای داخلی و خارجی در امان نگه می‌دارد. هرگاه در جامعه حکومت وجود نداشته باشد، در همه امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اختلال و بی نظمی‌به وجود می‌آید و جامعه، به جهت هرج و مرج، مطلق‌العنانی، بی‌قانونی، بی‌فرهنگی، ظلم، خودسری و خودکامه‌گی می‌رود، جان، مال و ناموس مردم به خطر می‌افتد و آنارشیزم (هرج و مرج) جای آن را می‌گیرد.

در مورد وظایف دولت چه می‌دانید؟

اگر چه دولت‌ها در جوامع مختلف به یک شکل نیست؛ امّا وظایف مشابه بر عهده دارند که در این قسمت برخی از آن‌ها ارائه می‌گردد:

- وضع قانون و مقررات برای ادارهٔ دولت؛
- تعیین مسؤولان برای اجرای قوانین؛
- نظارت برای اجرای قانون و جلوگیری از قانون شکنی؛
- حراست از ارزش‌های دینی و ملی از راه‌های مختلف؛ مانند: مکتب‌ها، پوهنتون‌ها و رسانه‌های جمعی؛
- تأمین امنیت داخلی؛
- تطبیق احکام قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، طوری‌که پیش‌از این گفتیم دولت‌ها وظایف متعدد دارند، امکان دارد برخی از دولت‌ها به خوبی از عهدهٔ وظایف برآمده نتوانند، برخی از دولت‌ها که ادارهٔ سالم و نظارت

دقیق دارند و خود را نزد مردم مسؤول می‌دانند، وظایف شان را در قبال مردم به حیث یک خدمت‌گزار به طور شایسته انجام می‌دهند و خود را از مردم جدا نمی‌دانند.

فعالیت: درگروه خود راجع به تفاوت و تشابه وظایف دولت‌های نو با دولت‌های کهنه بحث نمایید.

مروری بر درس

- ---
- ---
- ---
- ---
- ---

پاسخ دهید

۱- ضرورت ایجاد دولت را در چند سطر بنگارید.

۲- دولت را تعریف نمایید.

۳- اگر در یک جامعه دولت وجود نداشته باشد، جامعه به کدام مشکلات مواجه می‌شود؟

۴- در مورد اهمیت سرزمین معلومات دهید.

۵- وظایف اصلی دولت‌ها را کدام موضوعات تشکیل می‌دهد؟ بیان دارید.

کارخانه‌گی

به همکاری دوستان خویش راجع به علل افزایش وظایف دولت چند سطر بنویسید.

اقسام دولت

پیش از این آموختید که دولت عبارت است از اجتماع دایمیو منظم گروهی از افراد بشر که در زمین معین و مشخص به طور ثابت مسکن‌گزین اند و مطیع یک قدرت سیاسی مستقل باشند. در درس کنونی با گونه‌ها و اقسام دولت آشنا می‌شوید.

بحث نمایید

مردم جهان، برای زنده‌گی کردن شیوه‌های خاصی دارند. امکان دارد در بعضی موارد عقیدۀ مشترک داشته باشند و در بعضی از موارد متفاوت باشند. یکی از این تفاوت‌ها این است که مردمان جهان دولت‌های گوناگون را تجربه می‌کنند و در جهان انواعی از دولت‌ها وجود دارد.

کدام عوامل اند که باعث انواع مختلف دولت گردیده اند؟ در صنف مباحثه کنید.

از زمانه‌های گذشته تا به حال دولت‌ها شکل واحد نداشته و از لحاظ سازمان، درجۀ استقلال و طرز اداره یک‌سان نبوده، باید دانست که این اختلاف به اثر وقایع تاریخی، موقعیت جغرافیایی، عوامل نژاد و مذهب، درجۀ تمدن، اوضاع اقتصادی و عوامل دیگر حاصل شده است؛ ولی با وجود اختلاف، دولت‌ها را می‌توان از سه جهت طبقه بندی نمود.

از حیث درجۀ استقلال؛ از نظر ترکیب؛ از نظر شکل حکومت.

تقسیم دولت از نظر استقلال: دولت ممکن است مستقل یا مناقض استقلال باشد:

دولت مستقل

دولتی است که از حیث روابط بین‌المللی و از لحاظ امور داخلی تابع دولت دیگری نبوده طوری‌که می‌خواهد قدرت و حاکمیت خود را در امور داخلی و خارجی اعمال می‌نماید.

دولت مناقض‌الاستقلال

معمولاً دولت ضعیف است که به موجب پیمان و یا بدون پیمان تابع یک دولت قوی می‌شود. گرچه حدود و حاکمیتی که دولت نیرومند در کشور مناقض الاستقلال اجرا می‌نماید در عهد نامۀ بسته شده در میان تعیین می‌شود و یا بدون عقد قرارداد عملی می‌گردد. باید افزود که دولت مناقض‌الاستقلال از داشتن روابط بین‌المللی به طورکل محروم می‌باشد. علاوه بر استقلال خارجی استقلال داخلی دولت‌های مناقض‌الاستقلال نیز از حیث نگهداری نیروی مسلح، حزب، نشر سکه‌های فلزی و پول کاغذی، نشر بانکنوت، معاملات قرضه، اعطای امتیاز در موارد مهم دیگر نیز محدود می‌گردد.

فعالیت: دولت مناقض الاستقلال به کدام دولت اطلاق می گردد؟

در مورد تقسیم بندی دولت‌ها از حیث ترکیب چه می‌دانید؟

دومین طبقه بندی که برای دولت‌ها می‌توان قایل شد، تقسیم دولت‌ها به بسیط و مرکب می‌باشد.

۱- دولت بسیط یا مرکزی: به دولت‌هایی اطلاق می‌شود که دارای یک مرکز واحد عمل‌کرد سیاسی استند. دولت بسیط ممکن است از بخش‌های متعددی تشکیل شده باشد؛ لیکن این بخش ها به هیچ صورت به نام دولت و یا پخش قدرت پنداشته نمی‌شود.

بنابراین در دولت‌های بسیط اوامر، صلاحیت‌ها و پخش و تطبیق قدرت برتر وظیفه و مسؤولیت دولت مرکزی بوده و سایر بخش‌های دربرگیرندۀ دولت، به پیروی از دولت مرکزی ملزم می‌باشد. دولت‌های بسیط ؛ مانند: افغانستان، ایران، ترکیه و غیره.

فعالیت: با گروه خود بحث نموده نام پنج دولت بسیط را فهرست نمایید.

۲- دولت‌های مرکب Composite States

دولت‌های مرکب، یعنی تجمع ارادی چندین دولت حاکم، به دور یک محور قدرت مرکزی و سپردن قسمتی از اختیارات سیاسی به شخص یا نهادی است که در درجۀ بالاتر از دولت‌های عضو قرار گرفته باشد.

مهمترین انواع دولت‌ها عبارت‌اند از: کانفدراسیون و کشورهای فدرال است که به طور مختصر معرفی می گردد:

۱- کانفدراسیون Confederation

دولت‌های مستقل است که با حفظ استقلال داخلی و خارجی خود و با حفظ نهادهای سیاسی و حقوقی به وسیلۀ یک پیمان به هم متحد می‌شوند. مطابق به پیمان اتفاق بعضی از صلاحیت‌های حاکمه خود را به یک نهاد مشترک و مرکزی تفویض می‌دارند. این نهاد مرکزی به نام دیت Diete یاد می گردد. که حیثیت یک نهاد اجراییوی را دارد و به نماینده‌گی از دولت‌های عضو در مواردی که منافع آن‌ها ایجاب کند، تصمیم اتخاذ می‌نماید.

هدف‌های عمده در چنین دولت‌ها، تأمین صلح و برقراریِ امنیت و دفاع مشترک از دولت عضو کانفدراسیون می‌باشد. دولت‌های کانفدراسیون معمولاً به حیث اتحاد غیر ثابت و ناپایدار به شمار می‌رود؛ زیرا به انحلال سوق می‌شود و یا شکل دولت فدرال را به خود می‌گیرند؛ مانند: دولت کانفدراسیون سویس که بعد از انحلال شکل دولت فدرال را به خود گرفت.

۲- در مورد دولت فدرال چه می‌دانید؟: اصطلاح فدرال از کلمه لاتین Foedus مشتق و به معنای قرارداد یا موافقت نامه به کار گرفته شده است. در اصطلاح حقوق اساسی به آن دولت‌های مرکب اطلاق می‌گردد که تعدادی از کشورها، ایالات و یا مناطق خود مختار را در بر گرفته و این دولت‌ها به وسیلهٔ یک قانون اساسی فدرال با هم پیوند خورده و یک دولت واحد را تشکیل می‌دهند. دولت فدرال به منظور به دست آوردن هدف‌های سیاسی، اقتصادی و دفاعی به وجود آمده تا وظایف عمده‌یی؛ مانند: امور سیاست خارجی، تنظیم و نگهداری قوای نظامی، مسایل مالی و امثال آن از طرف دولت مرکزی طرح و کنترول شود و بقیه مسایل به کشورهای عضو واگذار گردد.

مثال‌هایی از دولت فدرال عبارت‌اند از: ایالات متحده امریکا، سویس، آلمان و غیره.

فعالیت: افزون بر مثال‌های یاد شدهٔ متن، نام سه کشور فدرال را با همکاری هم‌صنفان خود فهرست کنید.

در مورد اقسام دولت از نظر شکل چه می‌دانید؟

دولت از نظر شکل به دولت سلطنتی و جُمهوری تقسیم می‌شود.

۱- دولت سلطنتی یا پادشاهی

دولت سلطنتی که در رأس آن سلطان یا پادشاه قرار داشته باشد. اختِارش زیاد بوده و بیشتر سلطنت به طور میراثی از یکی به دیگری منتقل می‌شود. دولت سلطنتی دارای اشکال متفاوت می‌باشد که عبارت‌اند از: سلطنت مطلقه و سلطنت مشروط.

الف: سلطنت مطلقه: که در رأس آن پادشاه یا سلطان قرار دارد. در این نوع دولت سلطنت از پدر به پسر میراث می‌ماند. پادشاه یا سلطان صاحب فرمان بوده می‌تواند خود را به جای قوای مقننه، مجریه، و قضاییه قرار دهد؛ سلطنت‌های گذشته در جهان بیشتر مطلقه بودند.

ب: دولت شاهی مشروط: دولت سلطنتی با بودن پارلمان و بر مبنای قانون اساسی است. دراین نوع دولت، اختیارات پادشاه بر خلاف شاهی مطلقه، طبق قانون محدود گردیده و تصمیم‌ها از طرف نماینده‌گان مردم گرفته می‌شود. در این سیستم در واقع شاه حیثیت نمادین داشته و قدرت عملی در دست صدراعظم می‌باشد.

فعالیت: با گروه خود راجع به تفاوت‌های بین شاهی مطلقه و شاهی مشروطه بحث نموده و نتیجه را توسط یکی از نماینده‌های خود در صنف ارائه نمایید.

۲- دولت جُمهوری

دولت‌هایی که زمامداران آن‌ها به صورت میراثی نه، بلکه از طرف مردم تعیین می‌گردد، دولت‌های جمهوری گفته می‌شود.دولت‌های جمهوری نیز به دوگونه اند. ریاستی و صدارتی

الف: جُمهوریت ریاستی: به دولتی گفته می‌شود که صلاحیت اجرایی آن نزد رئیس جُمهور می‌باشد که در رأس قوای سه‌گانه (اجراییه، مقننه و قضاییه) قرار دار؛ مثال دولت جمهوری افغانستان.

ب: جمهوریت صدارتی: به دولتی گفته می‌شود که صلاحیت اجرایی آن نزد صدارعظم می‌باشد. اختیارات رئیس جمهور در آن کم بوده و حیثیت نمادین می‌داشته باشد. مثل دولت جمهوری پاکستان.

فعالیت: نام ده دولت جُمهوری را با همکاری گروه خود فهرست نموده به همصنفی‌های تان بیان دارید.

مروری بر درس

- ---
- ---
- ---
- ---

پاسخ دهید

۱- انواع دولت را در چند سطر بیان دارید.

۲-دولت مرکب را تعریف نمایید.

۳-گونه‌های از دولت‌های مرکب را صرف نام ببرید.

۴-دولت فدارال را تعریف نمایید.

۵-از جملات زیر یکی از آن در مورد انتخاب رئیس جُمهور صحت است. آن را با گذاشتن(√) نشانی کنید.

الف: انتخاب رئیس جُمهور با مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت می‌گیرد.

ب: انتخاب رئیس جُمهور با مراجعه غیر مستقیم به آرای مردم صورت می‌گیرد.

ج: انتخاب رئیس جُمهور با خرید آرای مردم صورت می‌گیرد.

د: انتخاب رئیس جُمهور به مراجعه مستقیم یا غیر مستقیم به آرای مردم صورت می‌گیرد.

کارخانه‌گی

دولت شاهی مطلقه را با دولت شاهی مشروط مقایسه نمایید.

ساختار دولت ما

در درس گذشته با گونه‌های دولت حاصل نمودید، در این درس به ساختار دولت افغانستان که یکی از جملهٔ دول جهان است، معلومات حاصل می‌نمایید.

بایک‌دیگر مباحثه نمایید

دولت افغانستان از نظر حقوقی دارای نظام ریاستی است و از نظر ساختمان، متشکل از قوای اجراییه(حکومت)، مقننه (شورای ملی) و قضاییه است. در رأس دولت رئیس جُمهور که برای مدت پنج سال تعیین می‌گردد در موقعیت رهبری نظام قرار داشته و نسبت به تمام نهادها و ارگان‌های سیاسی و اداری، حیثیت ناظر و رهبری کننده را اجرا می‌کند.

بعضی از صلاحیت‌ها و وظایف رئیس جُمهور عبارت‌اند از:

مراقبت از اجرای قانون اساسی، تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی، قیادت اعلای قوای مسلح افغانستان؛ اعلان حرب و متارکه به تأیید شورای ملی؛ تعیین وزرا، لوی څارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تأیید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفای آن‌ها، قبول اعتماد نامه‌های نماینده‌گان سیاسی خارجی در افغانستان، تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون.

فعالیت: رئیس جُمهور افزون بر صلاحیت‌های یادشده، دیگر دارای کدام صلاحیت‌ها و وظایف است؟ نمایندهٔ یکی از گروه‌ها موضوع را به شاگردان بیان دارد.

با قوهٔ اجراییه (حکومت) آشنا شوید

رئیس جُمهور ریاست حکومت را به عهده دارد و وزرا همکاران سیاسی و اداری وی محسوب می‌شوند. حکومت به نام قوهٔ اجراییه نیز یاد می‌گردد و عبارت از قوه‌یی است که اجرای قوانین و تصمیم‌های قوهٔ مقننه و ادارهٔ امور دولت و اجرای سیاست داخلی و خارجی را به عهده دارد. حکومت مهمترین و پرکارترین قوه است؛ به این ترتیب رشد ترقی و شکوفایی یک دولت پیش از این که به قوای دیگر مربوط باشد به این قوه بسته‌گی دارد، زیرا شروع و ختم طرح‌های توسعه، پلان‌های انکشافی همه مربوط به این قوه است. بهترین قانون مصوب پارلمان و عادلانه‌ترین حکم فیصله قضایی محکمه اگر از طریق این قوه به اجرا گذارده نشود، هیچ اثر و ثمری نخواهد داشت.

آیا می‌دانید حکومت‌دارای کدام وظایف است؟

بعضی از وظایف مهم حکومت:

تعمیل احکام قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله‌های قطعی محاکم، حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعهٔ بین‌المللی، تأمین

نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری، ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه، طرح و تطبیق پروگرام‌های انکشافی صحی، فرهنگی، تعلیمی، اقتصادی و تکنالوژیکی.

فعالیت: بعضی از وظایف حکومت را به همکاری گروه خود فهرست نمایید.

شورای ملی

مباحثه نمایید

قبل ازاین گفتیم که دولت ما از سه قوهٔ اجراییه (حکومت)، شورای ملی (پارلمان) و قضاییه تشکیل شده که هر یک این سه قوا وظایف مشخص و جداگانه دارد.

آیا می‌دانید شورای ملی چیست؟

مجموعه‌یی از افرادی‌که در هر کشور برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آن‌ها که با رأی مستقیم، مخفی و همه‌گانی مردم انتخاب می‌گردد. کشورهایی که از اصل تفکیک قوا پیروی می‌کنند، پارلمان (قوه مقننه)را تشکیل می‌دهند.که در افغانستان به نام « شورای ملی» در ایران « مجلس» در ایالات متحده امریکا «کانگره» یاد می‌شود. شورای ملی افغانستان یکی از نهادهای مهم سیاسی ملی است که بعد از مدت‌ها در تابستان ۱۳۸۳ هـ . ش. بار دیگر به حیات سیاسی به عنوان مظهر حاکمیت ملی و ارادهٔ عمومی‌مردم افغانستان بر مسند قانون‌گذاری کشور تکیه زد. شورای ملی جُمهوری اسلامی‌افغانستان به حیث عالی‌ترین ارگان تقنینی مظهر ارادهٔ مردم است که آن را پارلمان نیز می‌گویند و از همهٔ ملت نماینده‌گی می‌کند. شورای ملی متشکل از دو مجلس و لسی جرگه و مشرانو جرگه می‌باشد. نماینده‌گان مجلس ولسی جرگه و مشرانو جرگه برای این که بتوانند در مسایل کشور بهتر تصمیم بگیرند، از میان خود یک نفر را به عنوان رئیس برای یک دورهٔ تقنینیه و دو نفر را به حیث نایب اول و دوم و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یک سال انتخاب می‌کنند.

شورای ملی دارای کدام صلاحیت‌ها است؟

برخی از صلاحیت‌های شواری ملی عبارت‌اند از:

- تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی[1]

---

(۱) قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شواری ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد. و فرامین تقنینی عبارت است از قواعد الزام آوری که از سوی حکومت در زمان تعطیل ولسی جرگه پیشنهاد می‌گردد و رئیس جمهور آن را توشیح نموده باشد. فرمان‌های تقنینی باید در خلال سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود و در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود از اعتبار ساقط می‌گردد.

• تصویب پروگرام‌های انکشافی اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و تکنالوژیکی؛
• تصویب بودجۀ دولتی و اجازه اخذیا اعطای قرضه؛
• ایجاد واحدهای اداری، تعدیل یا الغای آن؛
• تصدیق معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن.

وظایف اساسی شورای ملی: وظایف اساسی شورای ملی را می‌توان در سه بخش دسته‌بندی نمود که مشتمل است بر: قانون‌گذاری، نظارت از عملکرد قوۀ اجراییه و نماینده‌گی از مردم.

قانون‌گذاری: قوۀ مقننه، نهاد قانون‌گذاری می‌باشد. چون قوانین بر زنده‌گی جمع کثیری از مردم تاثیرگذار است، اعضای شورای ملی منحیث نماینده‌گان مردم مطابق به احکام قانون اساسی دارای صلاحیت‌های تصویب، تعدیل، رد یا الغای طرح‌های پیشنهادی قوانین و ارائه طرح قانونی اعضا با درنظرداشت ضرورت‌ها و علایق عامه می‌باشد.

نظارت از قوۀ مجریه: نظارت پارلمان از قوۀ اجراییه هستۀ اساسی وظایف این نهاد تقنینی مردمی‌را تشکیل می‌دهد. وظیفۀ نظارت، اساساً با استفاده از شیوه‌های مشخص و احکام مشرح که در قانون اساسی و اصول وظایف داخلی جرگه فراهم گردیده است، صورت می‌گیرد؛ مانند: استماع، استجواب، استیضاح، جلسات عمومی، نظارت مالی، کمیسیون خاص به منظور بررسی موضوعات، بررسی حسابات عامه نظارت تقنینی، تایید یا رد مقرری‌ها.

نماینده‌گی از مردم: اعضای شورای ملی منحیث نماینده‌گان مردم افغانستان وظیفه دارند تا از خواست‌ها و نیازمندی‌های موکلین خویش درتمام مجالس و نشست‌ها نماینده‌گی کنند، به شکایات آن‌ها توجه مبذول داشته، در رفع آن و تأمین رفاه آن‌ها سعی و تلاشٍ نمایند.

طوری‌که قبلاً تذکرداده شد، شورای ملی متشکل از دو جرگه: مشرانو جرگه و ولسی جرگه است.

مشرانو جرگه: مرکب از ۱۰۲ عضو می‌باشد. اعضای مشرانو جرگه به ترتیب زیر انتخاب و تعیین می‌شوند:
• از جمله اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت چهار سال؛
• از جمله اعضای شوراهای ولسوالی‌های هر ولایت، یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال؛
•یک ثلث باقی مانده از جمله شخصیت‌های خبیر و با تجربه به شمول دو نفر از نماینده‌گان معلولین و دو نفر از نماینده‌گان کوچی‌ها به تعیین رئیس جُمهور برای مدت پنج سال؛

رئیس جُمهور تعداد پنجاه فیصد از این اشخاص انتصابی را از بین زنان برای این کار توظیف و تعیین می‌کند.

ولسی جرگه: اعضای ولسی جرگه از ۳۴ ولایت کشورتوسط رأی مستقیم، آزاد، سری و عمومی مردم انتخاب می‌شوند. ولسی جرگه دارای حداکثر ۲۵۰ عضو می‌باشد که ۶۸ کرسی آن مختص به زنان است، صلاحیت‌های اختصاصی ولسی جرگه؛ عبارت‌اند از: اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هر یک از وزیران، اتخاذ تصمیم راجع به پروگرام‌های انکشافی و بودجۀ دولتی، تایید و یا رد مقرری‌ها.

فعالیت: هر گروه با اعضای خود در مورد استیضاح بحث نموده و نمایندۀ هر گروه نتیجه را به شاگردان بیان دارند.

در نتیجه می‌توان گفت که اهمیت شورای ملی در این است که مظهر ارادۀ ملت ما بوده و دارای صلاحیت‌ها و وظایف قانون‌گذاری می‌باشد؛ و نماینده‌گی از مردم و نظارت بر عملکردها و اجراآت قوۀ مجریه را دارا است و وسیلۀ بسیار مهمی‌برای محدود ساختن قدرت حکومت به شمار می‌رود؛ در صورت اعمال درست و به موقع صلاحیت‌ها و اجرای مؤثر و با کیفیت وظایف مطروحه توسط شورای ملی، حاکمیت واقعی مردم بر امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جامعه برقرار می‌گردد.

قوۀ قضاییه

در جامعه، افرادی وجود دارند که حقوق اتباع کشور را مورد تجاوز قرار می‌دهند. به نظر شما اگر افرادی در جامعه به حقوق مردم تجاوز نمایند چه حالت پیش می‌آید؟ اعادۀ این حقوق از طرف کدام ارگان صورت می‌گیرد؟ دولتی که می‌خواهد کشوری را اداره نماید و مردم جامعه را به سعادت، خوش بختی و رفاه همه‌گانی برساند، اگر ارگان پرقدرتی برای اجرای تأمین عدالت و مبارزه با قانون شکنی نداشته باشد نه تنها ناقص خواهد بو؛ بلکه دوام نخواهد داشت. مسؤولیت اجرای عدالت در هر دولتی به عهدۀ قوۀ قضاییه است. موجودیت این قوه ضامن اجرای قوانین است. قوۀ قضاییه رکن سوم دولت است که وظیفۀ آن تفسیر و تطبیق قوانین در مسایل متنازع فیه، به منظور تأمین عدالت در جامعه است. یعنی هرگاه حقوق اتباع کشور مورد تجاوز قرار می‌گیرد، اعادۀ این حقوق از طریق طرزتطبیق قانون به وسیلۀ قوۀ قضاییه صورت می‌گیرد. هدف تطبیق قانون در چنین حالات تثبیت حق و تأمین عدالت به بهترین وجه می‌باشد. به عبارت دیگر، قوۀ قضاییه و محاکم محافظ عدالت و وسیلۀ تشخیص حق از باطل در یک سیستم خاص در جامعه پنداشته می‌شود. به اتکای قوۀ قضاییه و تطبیق عادلانه قوانین است که حقوق اتباع یک دولت از تطبیق قوانین و مقررات که برای حفظ نظم جامعه تدوین شده است، مطمئن شده به سیستم سیاسی و مردم سالاری اعتماد خاص می‌کنند. اگر در جامعۀ عدل و داد و امنیت

قضایی حاکم نباشد اجرای هیچ یک از برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی درجامعه کامیاب نخواهد شد.

فعالیت: وظیفهٔ قوهٔ قضاییه را به همکاری اعضای گروه خلاصه نموده و نمایندهٔ یکی از گروه‌ها به شاگردان بیان نماید.

با ارگان قوهٔ قضاییه کشور آشنا شوید

قوهٔ قضاییه رکن مستقل دولت جُمهوری اسلامی‌افغانستان است. که مرکب از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدایی می‌باشد. ستره محکمه به حیث عالی ترین ارگان قضایی در رأس قوهٔ قضاییه جُمهوری اسلامی افغانستان قرارداشته و می‌کوشد تا عدالت در جامعه حکم فرما شود و هیچ‌کسی نتواند حقوق دیگران را زیر پا کند. ستره محکمه مرکب است از نه عضو که از طرف رئیس جُمهور با تایید ولسی جرگه تعیین می‌گردد. رئیس جُمهور یکی از جمله نه عضو ستره محکمه را به حیث رئیس ستره محکمه مقرر می‌کند.



فعالیت: اگر در یک کشور قوهٔ قضاییه وجود نداشته باشد، مردم به کدام مشکلات مواجه می‌گردند؟

ستره محکمه متشکل از دیوان‌های زیر می‌باشد؟

۱- دیوان جزای عمومی؛
۲- دیوان امنیت عامه؛
۳- دیوان مدنی و حقوق عامه؛
۴- دیوان تجارتی؛

آیا می‌دانید ستره‌محکمه دارای کدام وظایف و صلاحیت‌ها می‌باشد؟

ستره محکمه در ساحهٔ تفسیر قوانین و امور قضایی دارای وظایف صلاحیت‌های زیرمی‌باشد

۱- بررسی قوانین، فرامین تقنینی و معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی با قانون اساسی و تفسیر آن‌ها بر اساس تقاضای حکومت یا محاکم و مطابق به احکام قانون؛
۲- پیشنهاد طرح قانون در ساحهٔ تنظیم امور قضایی به شورای ملی از طریق حکومت؛
۳- تأمین وحدت رویه قضایی؛ [1]

-(۱) رویه قضایی: عبارت از مجموعهٔ رای است که از جانب هیأت عمومی ستره محکمه صادر شده و محاکم در بعضی از موارد آن‌را معیار عملی خود قرار می‌دهد.

فعالیت: افزون بر موضوع های یاد شده دیگر کدام مطالب شامل وظایف و صلاحیت‌های ستره محکمه می‌شود؟ درمور بحث نمایید.

اهمیت قوۀ قضاییه: قضاوت و دادرسی به منظور رفع نزاع و حل دشمنی، مستلزم تصرف در اموال و حتا جان‌های مردم است از این جهت قضاوت در دین مقدس اسلام اهمیت زیاد دارد. به این اساس قوۀ قضاییه رسالت خطیر و وظایف سنگینی دارد؛ چنان پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی مستلزم تلاش بی وقفۀ این ارگان و سایر نهادهای دولتی در شناسایی عوامل تجاوز به حقوق افراد و حقوق عامه و محاکمه و مجازات مجرمان و متجاوزین خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که قوۀ قضایی در امر ادارۀ اجتماع و تثبیت پایه‌های حکومت و اقتدار سیاسی و ایجاد نظم و امنیت اهمیت کم نظیر و موقعیت تعیین کننده دارد؛ از این رو باید دولت عطف توجه به امنیت قضات و تأمین معاش قضات داشته و احتیاجات مادی و معنوی آن‌ها را مرفوع نماید. چِرا که تنگدستی زمینه را برای انحراف پدید می‌آورد و مانع عدالت قضات می‌گردد. در صورتی که این قوه از بافت و انسجام سالم برخوردار نباشد یا امور آن به افراد نا سالم و غیر مسلکی واگذار شود در جامعه ظلم و فساد رایج و حقوق حقۀ مردم تلف می‌گردد و در نتیجه دولت در جهت ضعف می‌رود.

فعالیت: نظر تان را در مورد قوۀ قضاییه کشور بیان نمایید.



مروری بر درس

- --
- --
- --



پاسخ دهید

۱- قوه قضاییه چیست؟
۲- ستره محکمه مرکب از چند عضو است.
۳- دیوان‌های ستره محکمه کدام‌ها اند؟
۴- پنج مورد از صلاحیت‌های قوۀ قضاییه را نام بگیرید.
۵- اگر در جامعه امنیت قضایی حاکم نباشد، جامعه به چه مشکلات مواجه می‌گردد؟



کارخانه‌گی

درمورد اهمیت و ضرورت قوۀ قضاییه چند سطر بنگارید.

قانون

پیش از این گفتیم که جامعه، نیاز به دولت دارد. ساختار دولت ما جُمهوری اسلامی افغانستان، شامل سه قوهٔ اجراییه، مقننه و قضاییه است. در درس کنونی با قانون که تنظیم کنندهٔ روابط میان نهادهای دولتی است، آشنا می‌شوید.



مباحثه نمایید

دولت هماهنگی لازم در میان ارگان‌های دولتی و نهادها به وجود می‌آورد و حقوق افراد ملت را تأمین می‌سازد. این همآهنگی و تأمین حقوق باعث می‌گردد که ارگان‌های دولتی و نهادها وظایف خود را به وجه بهترانجام دهند و افراد در یک حالت مصون به سربرند. در این بخش پرسش به میان می‌آید که دولت این هماهنگی و تأمین حقوق را به کدام وسیله اجرا می‌کند؟ در این مورد در صنف، با گروه خود مباحثه کنید.

در مکتب شما افرادی‌اند که هرکدام وظیفهٔ خاصی را انجام می‌دهند؛ مثلاً: معلم با مقررات خاصی درس می‌دهد، مدیر لیسه، معاونین و معلمان به اساس لوایح، وظایف شان را مرعی می‌دارند. اگر از مدیر، معاونان و سرمعلمان مکتب بپرسید همه جواب می‌دهند که ما مطابق قوانین، مقررات و لوایح که از طرف وزرات معارف وضع شده است، این هماهنگی را به وجود می‌آوریم. دولت برای هماهنگ کردن کارهای مختلف ارگان‌های دولتی و نهادها، قوانینی را ایجاد نموده و به وسیلهٔ این قوانین، روابط میان دولت و افراد و همچنان روابط افراد را در میان ایشان انتظام می‌بخشد.

پرسش به میان می‌آید که قانون چیست؟

قانون یکی از تاریخی ترین، ورایج ترین مفاهیم است که در همه جا به کار برده می‌شود. افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، بسته به موقعیت و پایگاه اجتماعی شان این مفهوم را برای حفظ و نگهداری ارزش‌ها و عقاید و نظریات خود به کار می‌گیرند.

شما در زنده‌گی روزمره بر اساس دستورات دینی، اخلاقی و اجتماعی خود که چه کارها را

باید انجام دهید و چه کارها را نباید انجام دهید، عمل می‌کنید که به نام « قواعد» یاد می‌شود بعضی از قواعد، دستورات اسلامی‌است؛ مثلا: رشوت حرام است، نباید فرد مسلمان رشوت اخذ کند، یا بر هر مرد و زن مسلمان طلب علم فرض است. باید همه مسلمانان علم بیاموزند،جامعۀ اسلامی‌باید نظافت را مراعات نماید. بعضی از قواعد آهسته آهسته در زنده‌گی اجتماعی انسان‌ها به وجود می‌آید و تثبیت می‌شود؛ به گونه مثال: طرز کالا پوشیدن، غذا خوردن، احوال پرسی و صحبت نمودن و غیره، نوعی دیگر از این قواعد توسط دولت به وجود می‌آید که از طریق قوه مقننه و از راه‌های دیگر تعیین می‌شود که رعایت و اجرای آن به افراد جامعه و ارگان‌های دولتی ابلاغ می‌گردد و به این‌ها « قانون» گفته می‌شود. قانون، کلمه‌یی است یونانی از لغت Canon اشتقاق یافته که به معنای قاعده است که از یونانی به زبان عربی وارد شده و معرب گردیده سپس از عربی به دری آمده که جمع آن قوانین است. **قانون عبارت از مجموعۀ حقوقی است که ازجانب عضو با صلاحیت کشور وضع و به صورت مداوم به همه قابل تطبیق می‌باشد.**

قانون اساسی کشور ما قانون را چنین تعریف کرده است: قانون عبارت از مصوب هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جُمهور رسیده باشد.

بنابر این گفته می‌توانیم که قانون او امر صریح و الزامی‌است که به صورت مکتوب توسط مقامات ذیصلاح وضع و تدوین شده باشد. منظور از آن رهنمایی حیات آیندۀ جامعه می‌باشد. قوانینی که در کشور ما نافذ است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: قانون مدنی، قانون تجارت، قانون انسداد قاچاق، قانون ترافیک، قانون مبارزه علیه مواد مخدر، قانون اصول محاکمات مدنی، قانون اصول محاکمات تجارتی، قانون گمرک، قانون سلاح ناریه، قانون جزا، قانون مبارزه با جرایم دهشت افگنی، قانون نظامی و غیره.

هدف قانون چیست؟

هدف قانون تأمین سعادت ، تضمین آسایش مردم به وسیلۀ ایجاد نظم، و حفظ جامعه از خطر هرج و مرج، حراست حقوق افراد و جلوگیری از ظلم، پاسداری از حدود آزادی‌ها جلوگیری از مداخله خود سرانۀ افراد و طبقات و دولت‌ها و حفظ نظم اجتماعی است.

فکر کنید و پاسخ دهید

تصور کنید که در جامعه هیچ قانونی حکم‌فرما نیست، در چنین وضعی ممکن است، شما با

پیش‌آمدهای ناخوش‌آیند مواجه شوید، مثلاً:

• به ساعت ۷ شب دزدان خانهٔ همسایه تان را غارت نموده و چند نفر آن‌ها را زخمی‌سازند.

• در وقت خرید نان به نانوایی به صف ایستاده اید، شخص بدون این که به صف ایستاد شود، بی نوبتی می‌کند، وقتی به وی می‌گویید که نوبت را مراعات نماید، شما را اهانت و لت و کوب می‌کند. آیا می‌توانید در جامعه‌یی که قانون وجود نداشته باشد، زنده‌گی کنید؟

آیا از فردای خود مطمئن هستید؟

با نبودن قانون و نظارت نکردن به آن، جامعه به مشکلات زیادی مواجه می‌گردد. جامعه از نظم و هماهنگی و امنیت محروم می‌شود؛ بنا بر این گفته می‌توانیم که جامعه به قانون ضرورت دارد، هر جامعه که بخواهد استحکام و دوام داشته باشد باید قوانین داشته باشد که همه افراد آن خود را ملزم به اطاعت و اجرای آن قوانین بدانند و نیز باید اشخاصی باشند که مسؤولیت وضع اجرای قوانین را به عهده داشته باشند. تعمیل این موارد فوق از وظایف دولت است.

در طول تاریخ، جامعه‌یی یافت نشده که بدون قانون باشد. به همین سبب مردم از ابتدا برای رفتار و اعمال خود در جامعه قوانین و مقرراتی وضع کرده اند و مطابق آن عمل نموده اند؛ پس بر همه افراد جامعه لازم است که قوانین را بدانند و بر آن عمل نمایند و بی خبری از قانون عذر پنداشته نمی‌شود.

فعالیت: به نظر شما برای این که مردم از قانون آگاهی حاصل کنند، باید چه کارهایی در جامعه صورت‌گیرد؟

با اقسام قانون آشنا شوید

قوانین را به عام و خاص و داخلی و خارجی تقسیم نموده اند: قوانین روابط میان دولت‌ها و افراد عادی را تنظیم می‌کند.

قانون عام: مجموعهٔ قواعد قانونی که یک طرف یا هر دوطرف آن دولت باشد، آن را قانون عام گویند؛ مانند: قانون اساسی، قانون جزا، قانون مالی، قانون بین‌المللی عمومی‌و غیره.

قانون خاص: مجموعۀ قواعد قانونی که روابط میان افراد را تنظیم می‌کند. این‌ها را قوانین خاص می‌نامند؛ مانند: قانون مدنی، قانون تجارت و قانون بین‌المللی خصوصی.
این تقسیم قوانین به اعتبار اطراف آن بوده و قوانین به اعتبار ساحۀ تطبیق آن نیز تقسیم می‌شود. قوانینی که در یک اقلیم مشخص تطبیق شود، آن‌را قوانین داخلی گویند؛ مانند: قانون اساسی و قانون مدنی.

قوانینی که به قلمرو معین یک کشور مربوط نبوده، بلکه از قلمرو و سرحدات یک کشور فراتر تطبیق گردد، آن را قوانین خارجی بین‌المللی گویند؛ مانند: قانون بین‌المللی عمومی و خصوصی.

فعالیت: به همکاری همصنفان خود دو مثال از قانون عام و دو مثال از قانون خاص را بیان دارید.

مروری بر درس

• --

• --

• --

• --

• --

پاسخ دهید

۱- قانون را تعریف نمایید.
۲- هدف قانون چیست؟
۳- اقسام قانون را نام بگیرید؟
۴- قانون عام را تعریف نموده با مثال واضح سازید.
۵- قانون خاص را تعریف نمایید.

کارخانه‌گی

در مورد اهمیت قانون در جامعه چند سطر بنگارید.

قانون اساسی Constitution

از این پیش آموختید که دولت برای همآهنگ کردن کارهای مختلف ارگان‌های دولتی قوانین را ایجاد می‌کند تا به وسیلهٔ این قوانین حقوق و مکلفیت‌های افراد را تعیین و روابط میان نهادهای دولتی را تنظیم می‌نماید. هدف از ساختن قوانین بر قراری نظم، ایجاد اطمینان در جامعه و تضمین منافع افراد است که دراین مورد قانون اساسی نقش عمده دارد. روی این ملحوظ در این درس با قانون اساسی کشور نیز آشنا می شوید.

مباحثه نمایید

قانون نوشته شده در رأس منابع حقوق قرار دارد که قواعد حقوقی را ایجاد می‌کند، در بین قوانین نیز یک سلسله مراتب از نظر اهمیت و ارزش آن به ملاحظه می‌رسد؛ مانند: قانون اساسی و قوانین عادی. در این جا سؤال مطرح می‌گردد که:

قانون اساسی چیست؟

قانون اساسی، معرف ساختار نظام سیاسی و حقوقی هرکشور است که به حیث قانون مادر، الهام بخش همه قوانین در جامعه می‌باشد. قانون اساسی به قانونی اطلاق می‌شود که چگونه‌گی حکومت و حدود اختیارات آن و حقوق و وظایف عمدهٔ افراد را معین می‌سازد. موضوع و محتویات مهم قانون اساسی، مطالعهٔ روابط میان حکومت ومردم بوده و حقوق، امتیازات، صلاحیت‌ها و حدود اختیارات این دو گروه را مشخص می‌سازد. در گذشته قانون اساسی به صورت مقررات پراگنده یا مدون یا عرفی یا مختلط از انواع آن در جوامع بزرگ؛ نظیر مصرقدیم، آریانای کبیر و چین وجود داشته است؛لیکن از قرن هجدهم شکل جدید یافته و به صورت سندی در آمده است که اساسی‌ترین اصول و قواعد حاکم را به خود گرد آورده است. محتوای قانون اساسی هر کشوری فرق می‌کند. به این دلیل که هر دولت به مقتضای شرایط سیاسی خود، حجم موضوعات مندرج در قانون اساسی خود را تعیین می‌کند. از این رو بعضی از قوانین اساسی مختصر استند و بعضی دیگر مفصل؛ قوانین اساسی بنابر متن، شکل و ماهیت آن به انواع مختلفی تقسیم می‌گردد؛ مانند: قانون اساسی مدون (مکتوب) و قانون اساسی غیر مدون یا تعاملی.

فعالیت: محتویات قانون اساسی را کدام مطالب تشکیل می‌دهد؟ بعد از مشوره با اعضای گروه بیان نمایید.

قانون اساسی مدون (مکتوب)

مجموعه‌یی از دساتیر و مقرراتی است که در یک متن تحریری گنجانیده شده و با تشریفات و طرز العمل خاص از طرف یک ارگان مشخص؛ مانند: لویه جرگه به تصویب می‌رسد. بیشتر کشورهای جهان دارندهٔ یک سند یا وثیقهٔ نوشته شده می‌باشند که به نام قانون اساسی مدون یاد می‌شود؛ مانند: قوانین اساسی افغانستان، ایالات متحده امریکا، سویس، ناروی، بلجیم، و غیره.

قانون اساسی غیر مدون یا غیر مکتوب

این قانون طوری که از نامش پیداست به صورت غیر مکتوب بوده، بدون آن‌که در یک مجموعه‌یی تدوین و گنجانیده شود، شامل قواعد، دستورها، قوانین، رویهٔ قضایی، فرمان‌های ریاست دولت و بالاخره عرف و عادات جامعه می‌باشد. بعضی از کشورها دارای این وثیقهٔ ملی یا قانون اساسی غیر مدون می‌باشد؛ مانند: کشورهای بهوتان و انگلستان.

فعالیت: قانون اساسی مدون و غیر مدون را مقایسه نموده، نماینده یکی از گروه نتیجه را به همصنفان خود بیان دارد.

قانون عادی: در واقع عبارت از آن قواعد و احکامی‌اند که از قانون اساسی الهام می‌گیرد.

تاریخچهٔ مختصر قانون اساسی در افغانستان

نخستین قانون اساسی افغانستان به نام نظام نامه (نظامنامهٔ اساسی) به همت شاه امان الله خان در سال ۱۳۰۳هـ . ش. در لویه جرگه پغمان که در آن ۱۵۰۴ نفر نماینده اشتراک داشتند، تدوین و تصویب شد. بعضی از حقوق و آزادی‌های این نظامنامه؛ عبارت‌اند از: حق تابعیت مساوی برای همه اتباع کشور،آزادی حقوق شخصی، مصونیت شخصی، لغو برده‌گی و منع استخدام افراد به حیث اسیر یا برده، حق تعلیم و تربیت و آزادی مکتب‌ها و مدرسه‌های خصوصی و اجباری بودن تعلیمات ابتدایی، مصونیت ملکیت، منع شکنجه وغیره.

اصولنامهٔ اساسی دولت افغانستان سال ۱۳۰۹هـ.ش. زمان محمد نادر .

دومین قانون اساسی در زمان سلطنت محمد نادر تدوین گردید و با تدویر لویهٔ جرگه سال ۱۳۰۹ هـ. ش. به اشتراک ۵۲۵ نفر نماینده به نام اصول نامهٔ افغانستان تصویب گردید.

فقط یک موضوع دراین اصولنامه جدید است که به آن جنبهٔ مردمی می‌دهد و آن عبارت از: تأسیس اولین پارلمان افغانستان است که دارای دو مجلس (شورای ملی و اعیان) می‌باشد طبق این اصولنامه کابینه نزد پارلمان مسؤول است.

قانون اساسی عهد محمد ظاهر شاه مصوب. (۱۳۴۳ هـ .ش. برابربه (۱۹۶۴م.)

سومین قانون اساسی در زمان محمد ظاهر شاه بعد از مناقشه متن جدید قانون اساسی توسط ۴۵۹ نفر نماینده به امضا رسید و با توشیح محمدظاهر شاه به مرحلهٔ تطبیق در آمد. این قانون تغییرات مهمی‌در زنده‌گی سیاسی، اداری، فرهنگی و عدلی افغانستان وعده داد.

قانون اساسی دوران جُمهوری محمد داوود مصوب سال ۱۳۵۵ هـ . ش.

چهارمین قانون اساسی در زمان جُمهوری سردار محمد داوود تدوین گردید. در آغاز تأسیس جُمهوریت، محمد داوود در بیانیهٔ خود در ۲۶ سرطان سال۱۳۵۲هـ.ش. تصویب قانون اساسی جدید را بر مبنای دموکراسی حقیقی وعده داده بود. این وعده برای مدت کمتر از چهار سال بدون تذکر دلیل معطل ماند، بالاخره در سال ۱۹۷۷ م. مسودهٔ قانون اساسی در جراید انتشار یافت. از نکات مثبت این قانون، انتخابی بودن رئیس جُمهور توسط لویه جرگه برای اولین بار در تاریخ افغانستان، مسؤول بودن رئیس دولت در صورت ارتکاب جرم، خیانت ملی، متهم شدن از طرف ولسی جرگه و محاکمهٔ آن توسط لویه جرگه می‌باشد.

اصول اساسی جُمهوری دموکراتیک افغانستان اول ثور ۱۳۵۹ هـ . ش.

پنجمین قانون اساسی افغانستان به نام اصول اساسی جُمهوری دموکراتیک افغانستان در سال ۱۳۵۹ هـ .ش. توسط شورای انقلابی جُمهوری دموکراتیک افغانستان در ۱۰ فصل و ۶۸ ماده به طور موقت تصویب و به اجرا گذاشته شد.

ششمین قانون اساسی در زمان ریاست جُمهوری دکتور نجیب الله وضع گردید: در لویه جرگه سال ۱۳۶۶هـ. ش. در ۱۳ فصل و ۱۴۹ ماده تصویب و به توشیح دکتور نجیب الله رسید.

هفتمین قانون اساسی افغانستان؛ هرگز به تصویب و توشیح نرسید. متن پیشنهاد شده اصول اساسی جدید افغانستان در دوران ریاست استاد برهان الدین ربانی بود که در ۱۱۴ ماده توسط کمیسیون مرکب از ۵۰ نفر تدوین گردید؛ ولی نظر به انتقاد احزاب جهادی و اقشار مختلف ملت که روی متن مسوده داشتند، به توشیح نرسید.



قانون اساسی فعلی کشور ما

مسوده هشتمین قانون اساسی در لویه جرگه قانون اساسی منعقده۲۳ قوس ۱۳۸۲ هـ .ش. برابر به ۱۴ دسامبر ۲۰۰۳ م. مورد بحث قرار گرفت و به تاریخ ۱۴ جدی ۱۳۸۲ هــ.ش. قانون اساسی را به تصویب رسانید و بعد از توشیح رئیس جُمهور نافذ شد.

محتویات عمدۀ قانون اساسی

قانون اساسی کشور ما مشتمل بر یک مقدمه دوازده فصل و ۱۶۲ ماده می‌باشد. فصل اول، در مورد دولت، فصل دوم، حقوق اساسی و وجایب اتباع، فصل سوم رئیس جُمهور، فصل چهارم حکومت، فصل پنجم شورای ملی، فصل ششم، لویه جرگه، فصل هفتم قضا، فصل هشتم، اداره، فصل نهم، حالت اضطرار، فصل دهم، تعدیل، فصل یازدهم، احکام متفرقه فصل دوازدهم احکام انتقالی.

آیا می‌دانید موقف قانون اساسی فعلی در مورد دین مقدس اسلام چه است؟

مردم شریف افغانستان در قرن اول هـ.ق. زمانی که به دین مقدس اسلام مشرف شدند و آخرین آیین الهی را به رضا و رغبت قبول کردند، نه تنها این که تا حال به صفت یک ملت از احکام آن سرپیچی نکرده اند، بلکه خدمات شایانی را در مورد نشر و نهادینه ساختن مفاهیم این دین مقدس در طول تاریخ انجام داده اند، قانون اساسی فعلی کشور ما نیز با در نظرداشت

این حقیقت نام کشور را جمهوری اسلامی‌افغانستان و دین دولت را دین مقدس اسلام قرار داده و همچنان در مادۀ سوم آن تصریح شده: **در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد**. که با تصریح فوق، اسلامی‌بودن نظام قانونی کشور را در عرصه‌های مختلف حقوقی تأمین نموده و خواست همیشه‌گی این ملت را لبیک گفته است.

آیا می‌دانید اتباع کشور ما در پرتو قانون اساسی چه حقوقی دارند؟

روابط زنده‌گی اجتماعی نیاز به نظم و قوانین و مقررات دارد اگر در جامعه نظم و قانون وجود نداشته باشد، جامعه دچار هرج و مرج شده و از هم می‌پاشد؛ بنابراین بر قراری قانون و ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج در جامعه است که دولت به وجود می‌آید. یکی از مسایل مهم، توجه به روابط میان دولت و مردم و میزان آزادی‌های اتباع کشور است. به همین دلیل قانون اساسی جُمهوری اسلامی‌به این موضوع توجه زیادی نموده است.

الف: حقوق سیاسی مردم

مقدم‌ترین حقوق سیاسی ملت افغانستان حاکمیت بر سر نوشت اجتماعی است. بعضی از حقوق سیاسی ملت؛ عبارت‌اند از: حق تابعیت، حق شرکت در مشاغل عمومی‌کشور، حق شرکت در انتخابات عمومی و حق انتخاب کردن، حق تشکیل احزاب و جمعیت‌ها، حق اجتماع و تظاهرات بدون حمل سلاح و غیره....

ب: حقوق و آزادی‌های مدنی مردم

مقصد از حقوق مدنی، حقوقی است که هر فرد، ازآن جهت که عضوی از اعضای اجتماع است. از آن مستفید می‌شود. بعضی از حقوق و آزادی‌های مدنی؛ عبارت‌اند از: حق زنده‌گی آزاد و امنیت شخصی، مساوات در برابر قانون، حق داد خواهی و انتخاب وکیل، مصونیت، محل اقامت حق ازدواج و تشکیل خانواده، حق دسترسی به خدمات صحی، حق حمایت از اطفال، رعایت حقوق دیگران و غیره.

ج: حقوق و آزادی‌های فرهنگی مردم

بعضی از آزادی‌های فرهنگی؛ عبارت‌اند از: حق تعلیم زن و مرد تا درجۀ لیسانس در نهادهای دولتی به صورت رایگان، تأمین تعلیمات متوسط اجباری، طرح پروگرام‌های موثر و تطبیق آن در زمینۀ تدریس زبان‌های مادری، دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بیسوادی در کشور، نصاب واحد تعلیمی، طرح و آن را تطبیق نماید.

د: حقوق اقتصادی مردم

بعضی از حقوق اقتصادی؛ عبارت‌اند از: هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه نماید، حق مالکیت از تعرض مصون است، هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است حق انتخاب شغل و حرفه، حق آزدای کار، حق دست‌مزد مساوی در مقابل کار مساوی و غیره. وظیفهٔ شهروندان در پرتو قانون اساسی به ویژه حقوق اساسی و وجایب اتباع این است که قانون اساسی را به صورت درست بدانند و مطابق احکام آن عمل نمایند و نگذارند که افراد از مواد آن تخطی نمایند.

فعالیت: به نظر شما دیگر کدام موضوعات شامل حقوق سیاسی، مدنی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود؟ فهرست کنید.



مروری بر درس

• --

• --

• --

• --



پاسخ دهید

۱- قانون اساسی را تعریف نمایید.

۲- قانون اساسی مدون چیست؟

۳- جنبه‌های مردمی‌اصولنامهٔ اساسی افغانستان ۱۳۰۹ هـ ش. را بیان دارید.

۴- قانون اساسی فعلی کشور ما شامل چند فصل و چند ماده می‌باشد و به کدام تاریخ نافذ گردید؟

۵- دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی سوادی در کشور، پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق نماید موضوع یادشده درکدام ماده قانون اساسی درج گردیده، پاسخ صحیح را (√) نمایید.

الف: ۴۳ **ب:** ۴۴ **ج:** ۴۵ **د:** ۴۶



کارخانه‌گی

چند سطر در مورد حقوق سیاسی اتباع افغانستان بنویسید.

خلاصهٔ فصل اول

• دولت در حقیقت قدرت سیاسی و رهبری کننده است که از لحاظ حقوقی در برگیرندهٔ ارگان‌های سه‌گانه قدرت؛ یعنی قوهٔ اجراییه (حکومت)، قوهٔ مقننه (پارلمان) و قوه قضاییه (ستره محکمه) می‌باشد؛

• دولت‌ها از لحاظ شکل به سه قسمت تقسیم شده اند: ۱- از حیث درجه استقلال، ۲- از نظر ترکیب ، ۳- از نظر شکل حکومت؛

• دولت افغانستان از نظر ساختار حقوقی دارای نظام ریاستی است که به نام دولت جُمهوری اسلامی‌افغانستان یاد می‌شود. رئیس جُمهور در رأس دولت جُمهوری اسلامی‌قرار دارد و دارای دو معاون می‌باشد.

• قانون، سیستمی‌از قواعد یک‌سان برای نظم بخشیدن به رفتارهای انسان است، به عبارت دیگر قانون را محور تنظیم روابط میان افراد جامعه تعریف می‌کنند؛ بعضی از قوانین کشور ما؛ عبارت‌انداز: قانون جزا، قانون مدنی، قانون تجارت، و قانون ترافیک و غیره؛

• قانون اساسی به قانونی اطلاق می‌شود که چگونه‌گی حکومت و حدود اختیارات آن و حقوق و وظایف افراد را معین می‌سازد؛ مثلاً: شکل دولت (جُمهوری یا سلطنتی، حدود قدرت شاه یا رئیس جُمهور و غیره...). نخستین قانون اساسی افغانستان به نام نظامنامه(نظامنامه اساسی دولت عالیهٔ افغانستان)توسط شاه امان الله خان در سال ۱۳۰۳ هـ. ش. تدوین و تصویب شد. و آخرین قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی‌افغانستان در سال ۱۳۸۲ هـ. ش. بعد از توشیح رئیس جمهور حامدکرزی نافذ گردید.

• چون کشور ما یک کشور اسلامی‌است. قانون اساسی فعلی کشور ما نیز بادرنظر داشت این حقیقت نام کشور را جمهوری اسلامی‌افغانستان و دین دولت را دین مقدس اسلام قرار داده و در ماده سوم قانون اساسی تصریح شده است که: « درافغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.»

فصل دوم

مشارکت سیاسی

در این فصل می‌خوانید:

مشارکت سیاسی چیست؟

- **شیوه‌های مشارکت سیاسی**
- **مشارکت زنان**

اهداف فصل

بعد از خواندان این فصل شما به اهداف دانشی و مهارتی زیر دست می‌یابید:

- تعریف مشارکت سیاسی را می‌دانید؛
- با اهمیت مشارکت سیاسی آشنا می‌شوید؛
- طرق و راه‌های مشارکت سیاسی را می‌شناسید؛
- می‌دانید که انتخابات یکی از راه‌های مهم مشارکت سیاسی است؛
- می‌دانید که تظاهرات مسالمت آمیز یکی از طرق مشارکت سیاسی است؛
- می‌دانید که اظهار نظر در باره مسایل سیاسی نوعی از مشارکت سیاسی است؛
- در باره اهمیت مشارکت سیاسی زنان اطلاع حاصل می‌کنید؛
- راه‌ها و شیوه‌های مشارکت سیاسی زنان را می‌دانید؛
- نقش مشارکت سیاسی در سلامتی نظام را توضیح داده می‌توانید؛

بعد از خواندن این فصل به اهداف مهارتی زیر می‌رسید:

- مشارکت سیاسی را تحلیل کرده می‌توانید؛
- اهمیت مشارکت سیاسی را بیان کرده می‌توانید؛
- راه‌های گوناگون مشارکت سیاسی را توضیح می‌دهید؛
- نقش مردم سالاری را در مشارکت سیاسی بیان کرده می‌توانید؛
- از رسانه‌ها برای ابراز نظرهای سیاسی خود استفاده می‌توانید؛
- اهمیت مشارکت سیاسی زنان را توضیح داده می‌توانید؛
- در مسایل سیاسی از راه‌های مشروع استفاده کرده می‌توانید؛
- نقش مشارکت سیاسی را در سلامتی نظام سیاسی بیان کرده می‌توانید؛

مشارکت سیاسی چیست؟

در درس گذشته آموختید اصول و مقرراتی را که نظام حکومتی اساس قوای اداره کنندۀ کشور تعیین نموده، به نام قانون اساسی یاد می‌شود. قانون اساسی دربرگیرندۀ از مجموعه و مقررات کلی است که شکل دولت و سازمان عالی قوای سه‌گانۀ کشور و ارتباط آن‌ها را با یک دیگر و حقوق و آزادی‌های افراد را در مقابل دولت مشخص می‌سازد. در این فصل به مشارکت سیاسی، شیوه‌های مشارکت؛ و مشارکت زنان آشنا می‌شوید.

مباحثه کنید

مردم از راه‌های گوناگون می‌توانند دست به فعالیت‌های سیاسی بزنند و در امور سیاسی مشارکت کنند. دراینجا پرسش به میان می‌آید.

- چرا ما حق دخالت در تعیین سرنوشت خود و کشور خود را داریم؟

انسان‌ها در مسیرتکامل و بهبود زنده‌گی مادی و معنوی خود به یک‌دیگر نیاز مندند، تنها از طریق مشارکت است که نیازهای شان مرفوع می‌گردد. مشارکت محدود به قشر طبقه خاص نبوده، کلیه افراد جامعه را در بر می‌گیرد. از این جاست که جلب مشارکت مردم از گذشته‌های دور در جوامع مختلف مورد توجه قرار داشته است.

معنای لغوی مشارکت: یک دیگر را یاری رسانیدن، همکاری، یاری و یاوری و شرکت کردن است، شما در زنده‌گی روز مره تان در بسیاری کارها مشارکت نموده اید؛ به گونه؛ مثال: با پدر و مادر در کار خانه، در صنف با هم‌صنفان، در درس‌ها و تمرین کتاب و در تیم ورزشی مکتب تان مشارکت نموده اید. تا این قسمت شما به معنای لغوی مشارکت آشنا شدید. حال بازهم پرسش به میان می‌آید، که فعالیت سیاسی چیست؟ مجموعۀ فعالیت‌های که به سرنوشت همه‌گان ارتباط دارد و روند حاکمیت در جامعه را شکل می‌دهد، مردم بر اساس مصالح دنیوی و اخروی خویش نماینده‌گان و حاکمان خویش را انتخاب، مراقبت و برکنار نمایند، هر کس بر اساس شایسته‌گی و ایمانداری به پُست‌های مهم ارگان‌های دولتی دسترسی پیدا کند، فعالیت سیاسی گفته می‌شود. ساده‌ترین شکل

مشارکت سیاسی رأی دادن مردم به احزاب، افراد و سیاست‌ها است.

گونه‌های دیگری مشارکت سیاسی؛ عبارت‌اند از: مبارزات انتخاباتی، اعمال نفوذ بر سیاست‌مداران، تشکیل گروه‌های فشار و احزاب سیاسی و غیره.

باسلسلهٔ مراتب مشارکت سیاسی آشنا شوید

سلسلهٔ مراتب مشارکت سیاسی عبارت اند از:

- داشتن مقام سیاسی یا اداری؛
- جستجوی مقام سیاسی یا اداری؛
- عضویت فعال در یک سازمان سیاسی؛
- مشارکت در اجتماعات عمومی؛ تظاهرات و غیره.
- عضویت اثرگذار در یک سازمان سیاسی؛
- عضویت اثرگذار در بخش‌های سیاسی غیر رسمی؛
- مشارکت در بخش‌های سیاسی غیر رسمی؛
- رأی دادن.



میزان مشارکت و نفوذ سیاسی در جوامع مختلف، متفاوت است. جامعه شناسان و روان شناسان در بررسی‌های مربوط به چگونه‌گی مشارکت و یا مشارکت نکردن مردم در پروسه سیاسی به عوامل متفاوتی؛ چون: خانواده، وضعیت اقتصادی اجتماعی، مکتب‌ها، رسانه‌های همه‌گانی، هویت سازمانی، گروهی، فرهنگ سیاسی، مدنی و نظایر آن‌ها اشاره کرده اند. چون مسایل سیاسی بر بخش‌های مختلف زنده‌گی انسانی مانند: نظام اجتماعی، ارزشی، اقتصادی و انکشاف و توسعه تأثیر مستقیم دارد، و سرنوشت همه‌گان به آن وابسته است، به همین سبب به همهٔ افراد ملت باید سهم برابر در آن داده شود. به طور کلی می‌توان گفت مشارکت سیاسی، عبارت از دخالت انسان در سر نوشت خویش، مشارکت و اقعی در کلیه مراحل زنده‌گی از تصمیم‌گیری تا عمل و از عمل تا ارزیابی و اصلاح مجدد را شامل می‌شود.

مشارکت سیاسی دارای ارزش و اهمیت زیر است:

- محول نمودن نقش بیشتر به مردم؛
- گسترش مراکز قدرت تصمیم‌گیری؛
- کاهش بار بوروکراسی؛
- کسب همبسته‌گی بیشتر.

هدایت دین مقدس اسلام در مورد مشارکت سیاسی: خداوند جَلَّ جَلاَلُه در مورد صفات مؤمنان واقعی می‌فرماید: (**وَ اَمرُهُمۡ شورٰی بَینَهُم**) (الشوری:۳۸) و کار ایشان با مشوره در میان ایشان است، پس سرنوشت مسلمانان در امور سیاسی و مصلحتی به دست خود ایشان است، و هیچکس نمی‌تواند کارهای ایشان را بدون رضایت آن‌ها و با اعمال زور و استبداد در دست خویش بگیرد، و اگر این کار را انجام دهد، با احکام اسلام مخالفت نموده است.

فعالیت: آیا در زنده‌گی و سیرت رسول الله ﷺ مثالی را که نمایانگر مشوره ایشان با اصحاب گرامی‌باشد، بیان کرده می‌توانید؟

دلیل بیاورید

چرا بعضی از کشورها نمی‌گذارند که اتباع آن‌ها در اداره کشور مشارکت کنند؟

در بسیاری از دولت‌ها نه تنها شرکت توده‌های مردم در سیاست مورد تشویق قرار نمی‌گیرد؛ بلکه به آن‌ها اجازه مداخله در سیاست هم داده نمی‌شود، این موضوع دو علت اساسی دارد:

۱- حکومت، قدرت محدود کردن دخالت در سیاست را دارد. تا زمانی که بیسوادی، بی خبری عمومی، ضعف و عدم تشکیل و نا آگاهی مردم و ناتوانایی آن‌ها در درک مسایل سیاسی وجود داشته باشد، برای حکومت کار نسبتاً آسانی است که دخالت در سیاست را محدود سازد.

۲- نخبه‌گان و فرمانرویان بیشتر می‌ترسند که مبادا ارزش‌ها، منافع وعلایق آن‌ها از میان برود.

به طور کلی، دولت‌های مستبد به شیوه‌های مختلفی می‌کوشند تا مردم را از دخالت در سیاست، باز دارند. به این معنا که به افراد سیاسی در پروسه سیاسی چانس کم داده می‌شود.



مروری بر درس

• ---

• ---

• ---

• ---

• ---



پاسخ دهید

۱- معنای لغوی مشارکت چیست؟

۲- چند مثال از مشارکت خود را در مکتب بیان دارید؟

۳- مشارکت سیاسی شامل کدام فعالیت‌ها می‌گردد؟

۴- به نظر شما، میزان مشارکت چرا در جوامع مختلف، متفاوت است؟

۵- رژیم‌های غیر مردمی‌به کدام شیوه‌ها می‌خواهند مردم را از دخالت کردن در سیاست باز دارند؟ در زمینه ابراز نظر نمایید.



کارخانه‌گی

در مورد مزایای مشارکت چند سطر بنویسید.

شیوه‌های مشارکت سیاسی

در درس گذشته آموختید که امور سیاسی تأثیر مستقیم بر زنده‌گی همهٔ افراد یک جامعه دارد، پس باید به هر فرد جامعه فرصت برابر با دیگران در فعالیت‌های سیاسی و تعیین سرنوشت داده شود، تا مردم بتوانند با روش‌های مختلف در تعیین، مراقبت و برکناری نماینده‌گان و فرمانرویان‌سهیم باشند.

با هم مباحثه کنید

•آیا شما تا اکنون در انتخابات شرکت نموده اید؟

•در دولت، مردم از کدام شیوه‌ها می‌توانند در انتخابات مشارکت کنند؟

افراد جامعه از شیوه‌های زیر می‌توانند به فعالیت‌های سیاسی اشتراک و در امور سیاسی کشور شان مشارکت نمایند.

۱- انتخابات

آیا می‌دانید انتخابات چیست؟ انتخابات حق مشروع مردم است. مردم با ارادهٔ خود زعیم خویش را بر می‌گزینند، فشار، جبر و اکراه نمی‌تواند ارادهٔ قاطع مردم را سلب نماید. انتخابات یکی از مهمترین وسیلهٔ اشتراک مردم در ادارهٔ امور کشور و سهم‌گیری فعال آن‌ها در تعیین سر نوشت سیاسی آن‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر انتخابات جریان رسمی‌انتخاب اشخاص برای احراز مقام و منصب و مسؤولیتی در جامعه از طریق آرای عمومی‌است، انتخابات درکشورهای مختلف به مثابهٔ جزءلاینفک پروسه دموکراسی، دارای معیارهای قبول شده بین‌المللی بوده که بدون رعایت آن نمی‌توان به رژیم مشروعیت بخشید و یا ادعای مردم سالاری نمود.

در حال حاضر در چهار چوب این مبحث، دوگونه انتخابات از اهمیت خاصی برخوردارند. یکی انتخاب رئیس دولت در رژیم جُمهوری و دیگر انتخاب نماینده‌گان مجلس مقننه (پارلمان). اهمیت این دو نوع انتخابات در این است که هر فرد به عنوان یک تبعه، ضمن رأی دادن در واقع در سرنوشت کشور شان سهیم می‌گردد.

مهمترین اصول انتخابات به شرح ذیل است:

•تمام اتباع کشور اعم از زن و مرد که به سن قانونی رسیده باشند، حق دارند در انتخابات شرکت کنند.

•انتخابات از طریق رأی آزاد، عمومی، سری و مستقیم صورت می‌گیرد.

•رأی دهنده‌گان در انتخابات با برخورداری از حق تساوی اشتراک می‌کنند.

•رأی دهنده در انتخابات دارای حق یک رأی بوده و تنها از جانب خود رأی می‌دهد.

•رأی دهنده‌گان در انتخابات با ارادهٔ آزاد اشتراک می‌کنند. اعمال هر نوع محدویت

مستقیم یا غیر مستقیم به رأی دهنده‌گان و نامزدان به ارتباط زبان،مذهب، قوم، جنس، قبیله، سکونت و مقام اجتماعی ممنوع است؛ اگر در جریان انتخابات یکی از اصول فوق الذکر نقض گردد، انتخابات تقلبی و غیر قانونی به حساب می‌آید.

فعالیت: نظر تان را در مورد انتخابات تقلبی با مشوره اعضای گروه بیان نمایید.

در این مرحله، شیوه‌های مختلفی برای شناسایی کاندیدا وجود دارد:

نخستین راه شناسایی، بررسی نکاتی است که نامزد مورد نظر به طور واضح در سخن رانی و پیام‌های‌خود بیان می‌دارد. دومین راه، بررسی موضوعاتی است که مخالفان وی در روزنامه‌ها، مجله‌ها و سخن رانی‌ها و محافل مختلف بیان می‌کنند.

سومین راه شناخت هواداران وی این است، که کدام اشخاص و گروه‌هایی باچه خصوصیاتی از او پشتیبانی و برایش تبلیغ می‌کنند، پوستر چاپ می‌نمایند و به جاهای که دولت اجازه می‌دهد، نصب می‌نمایند.

• چهارمین راه این است که برای کاندیدا گفتگوهای تلویزیونی یا رادیویی مساعد ساخته شود تا از این طریق برنامه‌های کاری خود را به مردم بیان کنند. مردم باید از نامزدهای خود شناسایی دقیق داشته باشند و اگر آگاهی نداشته باشند به تشویق دیگران به پای صندوق‌های رأی بروند، انتخاب شان انتخاب کورخواهد بود.

فعالیت: غیر از موارد یاده شده دیگر کدام راه‌های شناسایی کاندیدا وجود دارد؟ با اعضای گروه گفتگو نموده موضوع را نمایندۀ یکی از گروه‌ها به شاگردان بیان دارد.

نحوۀ انتخابات

در زمان انتخابات اشخاص متعددی نامزدا (داوطلب) ریاست جُمهوری و یا ولسی جرگه می‌شوند. صلاحیت آن‌ها از نظر داشتن شرایط لازم برای نماینده‌گی بررسی می‌شود، بعد همه یا تعدادی از آن‌ها تایید و به مردم معرفی می‌گردند، از این زمان به بعد:

•کاندیدا به معرفی خود و پلان کاری در مقام رئیس جُمهور و یا پارلمان (ولسی جرگه) می‌پردازند؛

• سوابق خود را معرفی می‌کنند؛

• خود را نمایندۀ مستقل یا به گروه خاص و یا حزبی که تعلق دارند، معرفی می‌نمایند؛

• می‌گویند که اگر رئیس جُمهور انتخاب شوم و یا به پارلمان راه یابم کارهای زیر را انجام خواهم داد؛ به طور نمونه:

- از دین مقدس اسلام دفاع می‌نمایم؛

- در پُست‌های دولتی اشخاص متقی، پرهیزگار، تحصیل کرده، وطن دوست و با تجربه را مطابق مسلک شان توظیف و مقرر می‌کنم؛
-توجه جدی به معارف کشور، بهبود وضع معیشتی و معاش معلمان می‌نمایم؛ زیرا ترقی و تعالی یک جامعه مربوط و منوط به معارف یک کشور است؛
- سعی می‌نمایم فابریکه‌ها را فعال نمایم و برای مردم بیکار، کار ایجاد نمایم، در قسمت معاش کارمندان دولت توجه می‌نمایم تا کارمندان در رفاه زنده‌گی کنند و دست به رشوت و فساد اداری نزنند.

اخلاق انتخاباتی

نامزدهای انتخاباتی باید اخلاق انتخاباتی داشته باشند؛ به گونۀ مثال: در معرفی خود اغراق نکنند، به مردم وعده‌های دروغ ندهند؛ از نامزدهای دیگر بدگویی نکنند و از تحقیر، تهمت و توهین بپرهیزند، برای جمع آوری رأی زیاد برای نامزد مورد نظر خود دست به کارهای خلاف نزنند. بنابر این گفته می‌توانیم که انتخابات خوب و سالم زمانی برگزار می‌شود که مردم نماینده‌گان مورد علاقه خود را آزادانه انتخاب و نظریات مخالف خود را تحمل و بدان احترام گزارند و به رقیب انتخاباتی خود احساس دشمنی نداشته با یک‌دیگر به اخلاق حمیده رفتار کنند.

فعالیت: اعضای گروه با هم مشوره نمایند و اخلاق خوب و بد انتخاباتی را فهرست نموده از طریق نماینده‌گان گروه به دیگران بیان دارند.

۲- رفراندوم یا مراجعه به آرای مردم(Referendum)

کلمۀ رفراندوم به معنای **مراجعه به آرای مردم** و یکی از شیوه‌های مشارکت سیاسی است. رفراندوم شیوه‌یی است که به وسیلۀ آن مراجعۀ مستقیم به مردم و نظریات عمومی‌را می‌توان معلوم کرد. به عبارت دیگر: راجع ساختن یک مسألۀ خاص سیاسی به منظور تصمیم‌گیری مستقیم در بارۀ رأی دهنده‌گان کشور می‌باشد. در بعضی از کشورها مانند: استرالیا تغییر قانون اساسی فقط از راه مراجعه به آرای عمومی‌امکان دارد. رفراندوم برای نخستین بار در سدۀ شانزد هم در کشور سویس برای معلوم کردن نظر مردم ایجاد شد. در تاریخ اسلام اولین رفراندوم در زمان حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه رخ داد. زمانی که حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه زخم برداشت و بعد از خود شش تن از یاران سابقۀ حضرت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به حیث جانشین پیشنهاد نمود که یکی از آن‌ها خلیفه شود و بعد از آن عبدالرحمن بن عوف رضی‌الله‌عنه وظیفه گرفت تا در میان مردم مدینه رفراندوم نماید و معلوم کند که اکثریت

مردم به خلافت کدام شخص قناعت دارند. پس می‌توان گفت که اولین رفراندوم در تاریخ سیاسی بشر همین رفراندوم بوده است.

مادۀ شصت و پنجم قانون اساسی کشور ما به رئیس جُمهور حق داده است:

« رئیس جُمهور می‌تواند در موضوعات مهم ملی، سیاسی، اجتماعی، و یا اقتصادی به آرای عمومی‌مردم افغانستان مراجعه نماید.

مراجعه به آرای عمومی‌نباید مناقض احکام قانون اساسی و یا مستلزم تعدیل آن باشد.»

فعالیت: نظر تان را در مورد جنبه‌های مثبت و منفی رفراندوم در چند سطر بنگارید؟

۳- مظاهرات و یا راه پیمایی‌ها Demonstration چیست؟ و از آن برای کدام مقاصد استفاده می‌شود؟

یکی از شیوه‌های مشارکت سیاسی آن است که مردم به وسیلۀ تجمع و راه پیمایی در سرک‌ها، میدان‌ها و راه‌های عمومی‌خو است‌های خود را توسط شعارهای کتبی و شفاهی جهت اعتراض به یک اقدام، تصمیم و سیاست هیئت حاکمه مطرح می‌نمایند و این عمل را تظاهرات می‌نامند. مادۀ ۳۶ قانون اساسی به اتباع افغانستان حق داده است که برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند.

فعالیت: یکی از شاگردان چند مثال از تظاهراتی را که در تلویزیون مشاهده نموده است به دیگران بیان کند؟

۴-همکاری احزاب و انجمن‌ها

در یک جامعه، مردم با دلبسته‌گی‌ها مفاهیم و عقاید مختلف و متفاوت زنده‌گی می‌کنند. جامعه باید راه‌هایی را تشخیص کند تا آن‌ها بتوانند عقاید شان را بیان و از آن دفاع و در حدود قانون آن را تحقق بخشند. یکی از راه‌هایی که جامعه برای این منظور پیش بینی کرده، تشکیل احزاب و انجمن‌هاست.

آیا می‌دانید حزب چیست؟

حزب سیاسی به تشکیلاتی گفته می‌شود که اعضای آن خواهان بازرسی و رهبری ساختار قدرت جامعه و یا تاثیر گذاشتن بر آن، برای برآورده کردن خواسته‌ها و همانا برای برآوردن خواسته‌های کل جامعه می‌باشند. در مادۀ سی وپنج قانون اساسی کشور در مورد تشکیل جمعیت‌ها و احزاب سیاسی چنین آمده است:« اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی مطابق به احکام قانون جمعیت‌ها تأسیس نمایند. اتباع افغانستان حق دارند، مطابق قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند مشروط به این که:

۱- مرام‌نامه و اساس نامۀ حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج قانون اساسی نباشد؛
۲- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛
۳- اهداف و تشکیلات نظامی‌و شبه نظامی‌نداشته باشد؛
۴- وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد.
تأسیس و فعالیت حزب برمبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب جواز ند ارد. جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌شود؛ بدون موجبات قانونی و حکم محکمۀ باصلاحیت منحل نمی‌شود.» احزاب مهمترین سازمان‌های سیاسی در دموکراسی دوران معاصر است. به نظر بسیاری از صاحب نظران دموکراسی در نهایت چیزی جز رقابت حزبی نیست. و جود احزاب و انجمن‌ها در یک جامعه تأثیر و نتایج زیاد دارد؛ مانند:
•خواست‌ها و دلبسته‌گی ها مردم مطرح می‌گردد و برای مشکلات، راه حل‌هایی جستجو می‌شود؛



•سیاست گذاران از آن چه در جامعه رخ می‌دهد، آگاهی حاصل می‌نمایند.
•احزاب و انجمن‌ها با اطلاعاتی که در مورد کارکرد سیاست گذاران در اختیار مردم قرار می‌دهند؛ به انتخاب فرد شایسته و مستحق کمک می‌کنند.
فعالیت: با گروه خود بحث نموده اسم پنج حزب را که می‌شناسید، بیان کنید.

۵- رسانه‌ها

رسانه‌ها به عنوان با اهمیت ترین عامل تبلیغات از یک‌سو و مهمترین عامل تأثیرگذار بر افکار عمومی‌از سوی دیگر است که در جامعه از اهمیت و قدرت فوق العادۀ برخوردارا‌ند. امروز با توجه به پیشرفت‌هایی که در زمینۀ تکنالوژی ارتباطات به وجود آمده است، رسانه‌ها بیش از هر دوره دیگر اهمیت یافته اند؛ زیرا مردم برای ابلاغ پیام‌ها، بیان افکار و انتقال مفاهیم ازرسانه‌ها استفاده می‌کنند؛ هم‌چنان افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی و انجمن‌ها به منظور:

•آگاه نمودن مردم از طریق اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی.

•ایجاد فرصت تفکر و اندیشه برای مردم از طریق تفسیر و تحلیل مسایل سیاسی و اجتماعی.

•آموزش به مردم.

•رشد آگاهی جامعه از اهداف و برنامه‌های سیاسی.

از رسانه‌ها استفاده می‌نمایند.

فعالیت: با گروه خود در بارۀ تأثیرات مطلوب و نامطلوب رسانه‌ها برمشارکت سیاسی بحث نموده فشردۀ مطالب را نمایندۀ یکی از گروه‌ها به شاگردان بیان دارد.



مروری بر درس

• --

• --

• --

• --



پاسخ دهید

۱- در مورد انتخابات خوب معلومات دهید.

۲- رفراندوم را تعریف نمایید.

۳- از مظاهرات به کدام مقاصد استفاده به عمل می‌آید؟ آیا قانون اساسی کشور ما مظاهرات را اجازه داده است یا خیر؟

۴- از رسانه‌ها به کدام هدف استفاده به عمل می‌آید؟

۵- شیوه‌های مشارکت سیاسی را نام بگیرید.



کارخانه‌گی

نظرتان را در چند سطر در مورد حزب‌هایی که در کشورما اجازه فعالیت دارند، بنویسید.

مشارکت زنان

پیش از این گفتیم که مشارکت به گونه‌های مختلف؛ مانند: مشارکت در انتخابات رأی دهی، همه پرسی یا رفراندوم، حزب‌ها و انجمن‌ها، تظاهرات و غیره صورت می‌گیرد، دراین درس حاضر با مشارکت زنان در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آشنا می‌شوید.





مباحثه نمایید

زنان به مثابهٔ نیمی‌از پیکر جامعهٔ انسانی، رکن اساسی جوامع بشری را تشکیل داده که درطول قرن‌های متمادی در ساختار اجتماعی هر جامعه نقش برازنده و شایسته داشته و امروز نیز در تمام جهان نقش سازندهٔ خود را ایفا می‌نمایند. در این بخش پرسش‌های به میان می‌آید که:

- محروم ساختن زنان از مشارکت در امور اداری،سیاسی و فرهنگی چه نتایجی را در پی دارد؟
- مشارکت زنان در سازمان‌ها، حزب‌های سیاسی، کدام حقوق زنان را بر آورده می‌سازد؟
- زنان چطور حق رأی و مشارکت سیاسی را در جهان به دست آورده می‌توانند؟
- رأی کدام معنا را افاده می‌کند؟ زنان در طول تاریخ بشریت در زمانه‌های مختلف و مراحل متعدد از حقوق حقهٔ خود محروم شده اند، قبل از بِعثت حضرت پیامبر بزرگ اسلام در جامعهٔ عرب و حتا در دیگر نقاط جهان آن روزگار به زن‌ها حقوَق مناسب قایل نبودند، با آن‌ها به مثابه مال معامله صورت می‌گرفت، ولی با نشر دین مقدس اسلام ، در پرتو هدایات قرآن کریم و سنت نبوی از جایگاه با عزت و حرمت برخوردارشدند، در تمام بخش‌های زنده‌گی حقوق ایشان داده شد و دوشا دوش مردان در سیاست، اقتصاد، تعلیم و غیره سهیم شدند.

در اروپا بعد ازقرون وسطی و با آغاز رنسانس سابقهٔ جنبش سیاسی زنان و اندیشه‌های مربوط به آن در جریان انقلاب کبیر فرانسه به وجود آمد. طی انقلاب کبیرفرانسه زنان به تشکیل اقامت‌گاه‌های انقلابی پرداختند. مبارزهٔ زنان برای به دست آوردن حق رأی همه‌گانی، در جهان زمان طولانی را در برداشت. اعضای جنبش‌های اولیه زنان حق رأی را نشانهٔ آزادی سیاسی و دست‌یابی به برابری اقتصادی و اجتماعی می‌دانستند. در بریتانیا و ایالات متحدهٔ امریکا کوشش‌های زنان برای به دست آوردن حق

رأی جدی تر بوده و نسبت به کشورها دیگر خشونت بیشتری را برانگیخته، رهبران زنان برای رسیدن به این هدف متحمل مشکلات زیادی گردیدند.

آیا می‌دانید رأی چیست؟

رأی در لغت به معنای ابرازنظر و عقیده است، امّا در اصطلاح به معنای انتخاب یک شخص یا سیستم می‌باشد. و در سیستم سیاسی معاصر رأی بیشتر ورقهٔ چاپ شده‌یی می‌باشد که دربردارندهٔ نامزدهای یک مقام و یا یک جمله پیشنهادی است که از رأی دهنده انتظار می‌رود، آن را قبول یا رد کند. ازبنیاد، جهان غرب مسأله حق مشارکت سیاسی زنان را از تعالیم اسلام فراگرفته است؛ زیرا در تاریخ اسلام ثابت است که زنان در فعالیت‌های سیاسی، نظامیو اجتماعی اشتراک ورزیده اند؛ مثلاً: حضرت عایشه رضی الله عنها یکی از چهره‌های علمی‌بزرگ و سیاستمدار محترم دوران صحابه کرام بوده است. اما در غرب حق رأی سیاسی زنان در اوایل قرن بیستم در بیشتر کشورهای اروپایی مورد شناسایی قرار گرفت (در انگلستان در سال ۱۹۱۸م. در امریکا در سال ۱۹۲۰م. در ایتالیا در سال ۱۹۲۵م. و در فرانسه در سال۱۹۴۴م.) وکشور سویس بیش از هر کشور دیگر در اعطای حق رأی به زنان اقدام کرد. سر انجام در سال ۱۹۷۱ م. حق رأی زنان در انتخابات دولت فدرال در یک رأی‌گیری عمومی‌تصویب شد. از این تاریخ به بعد کشورهای معاصر جهان به نسبت پیشرفت‌های شان در امر دستیابی به تمدن بشری تسلیم این واقعیت شدند که زنان نیز از حقوق و شخصیت مساوی با مردان برخور دارند. هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد؛ مگر به تقوا. در قرن بیستم بارها زنان به حیث رئیس حکومت بودند و آن‌ها جامعهٔ شان را رهبری می کردند از آن جمله می‌توان از «ایندراگاندی» درهند و «مارگرت تاچر» در انگلستان نام برد. عضویت زنان در سازمان‌های سیاسی در اروپا محدود بود؛ همچنان وظایف زنان در داخل حزب‌های به مسایل فرهنگی یا روابط عمومی‌محدود می گردید. نماینده‌گی زنان در پارلمان‌ها نیز محدود بود. در حکومت کارتر در آمریکا فقط دو زن در کابینه ۱۱ نفری حضور داشتند. کشورهای اسکاندنیاوی تنها کشورهای اند که نقش زن در آن برجسته بوده است، کابینهٔ سویدن، فنلند و ناروی دارای اعضای بیشتر زن بوده اند. در تاریخ اسلام نیز زنانی وجود داشته اند که در عرصه سیاسی نقش عمده داشته اند.از جمله می‌توان از «زبیده» همسرهارون الرشید و «گوهر شاد بیگم» همسر شاهرخ میرزا نام برد.

فعالیت: در کابینه کشور ما چند وزیر زن وجود دارد، معلومات دهید؟

عدم مشارکت زنان کدام پیامدها را برای جامعه خواهد داشت؟

به طور کلی عدم مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی جامعه پیامدهای مهمی‌را به دنبال دارد، مانند:

- زنان را در شناختن حقوق و مسؤولیت‌های مهم شان محروم می کند؛

• نظریات آنان را در ساختن خط مشی‌ها و قوانین کنار می گذارد؛
•جامعه را از مهارت‌ها؛ علم و نظریات آنان محروم می‌سازد؛
• آنان را از داشتن سهم‌گیری در تصویب بودجه‌های ملی و تخصیص منابع، بی نصیب می کند.

فعایت: به نظر شما افزون بر موضوع های یادشده در عدم مشارکت زنان، دیگر کدام پیامدها را بر جامعه خواهد داشت؟

مشارکت زنان در کشور ما

مشارکت زنان در روند سیاسی کشور ما از دیر باز به این سو آغاز یافته است. زنان در دورۀ سلطنت امان الله خان، وارد فعالیت‌های سیاسی گردیده و در دورۀ محمد ظاهرشاه و دورۀ صدارت شاه محمود خان، تعدادی از زنان به شورای ملی راه یافتند. پس از دورۀ محمدظاهر نقش زنان بیشتر گردیده در حکومت‌های بعدی زنانی وجود داشتند که پُست‌های وزارت و سفارت را احراز کرده اند؛ اما پس از موافقتنامۀ «بُن» زمینۀ مشارکت زنان در همه امور فراهم آمد. زنان به اساس قانون اساسی کشور حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند.هم اکنون زنان می‌توانند که در فعالیت‌های سیاسی کشور نقش قابل ملاحظ پیدا نمایند. هم اکنون در کشور ما زنان نقش فعال داشته و در تمام زمینه‌ها حضور دارند. وزیران و وکیلانی از میان زنان در روند سیاسی کشور مان ایفای نقش می کنند. امروز زنان کشور ما در برگزاری کنفرانس‌ها، سیمینارها و کارگاه‌های مشورتی، بحث‌های سیاسی اجتماعی، راه انداختن تظاهرات مسالمت آمیز و راهپیمایی‌ها و بزرگداشت از روزهای مهم، چون: روز جهانی مادر، روز زن و نظارت از عمل کرد دولت سهم بارزی را ایفا نموده اند.

در سیستم سیاسی کشور نهاد ملی و بزرگی به نام وزارت امور زنان به مثابۀ پیشتیبان و مدافع حقوق زنان در کشور عرض وجود نموده است و به موازات آن زنان در ارگان‌ها و نهادهای دیگری در این راستا مسؤولیت‌پذیرشدند، هم اکنون زنان افغانستان در اعمار و بازسازی جامعه سیاسی، مدنی نظام حقوقی و قضایی کشور با رعایت مسؤولیت‌ها وارزش‌های‌دینی شان فعالانه مشارکت دارند و خواهان آن هستند که در مراحل مختلف برنامه ریزی و تصمیم‌گیری‌های استراتیژیک و بزرگ ملی حضور جدی و فعال داشته باشند؛ زیرا حضور زن در جامعه و افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی او یک ضرورت مسلم است و حضور و آزادی اندیشه وی مطابق به قانون نشان دهنده رشد جوامع و عقلانیت آن است.



مروری بر درس

• ---

• ---

• ---

• ---

• ---



پرسش‌ها

۱- دست آوردهای اسلام برای زنان چیست؟
۲- در اروپا برای نخستین بار، ازچه زمانی زنان در صدد به دست آوردن حقوق خود شدند؟
۳-رأی و رأی دهی چیست؟
۴- آیا در تاریخ اسلام زنان نقش سیاسی داشته اند؟ برای اثبات مطلب دو نفر را نام بگیرید.
۵- هم اکنون مشارکت زنان را در روند سیاسی کشور چگونه می‌بینید؟



کارخانه‌گی

راجع به نقش زن در زنده‌گی فردی و اجتماعی چند سطر بنویسید.

خلاصهٔ فصل دوم

• مشارکت در اصطلاح مورد مشوره قراردادن قبل از تصمیم را گویند، به نحوی که اظهار شخص و اعمال مراقبت در اجرای این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد.

• انتخاب حق مشروع مردم است. مردم با ارادهٔ خود زعیم خویش را بر می‌گزینند. فشار، جبر و اکراه نمی‌تواند ارادهٔ قاطع مردم را سلب نماید. انتخابات یکی از مهمترین وسایل اشتراک مردم در ادارهٔ امور کشور و سهم‌گیری فعال آن‌ها در تعیین سر نوشت سیاسی آن‌ها می‌باشد.

• انتخابات خوب و سالم زمانی برگزار می‌شود که مردم نماینده‌گان مورد علاقه خود را آزادانه انتخاب کنند، به نظرات مخالف خود احترام و آن را تحمل کنند و نسبت به هم احساس دشمنی نداشته باشند و با یک دیگر به اخلاق خوب رفتار نمایند.

• زنان به عنوان نیمی‌از پیکر جامعه، در صورت حضور فعال در عرصه‌های سیاسی نقش مهمی‌در پیشرفت اجتماعی دارند، اگر زمینه‌های لازم و مطلوب برای مشارکت آن‌ها در امر توسعه فراهم نشود جامعه نیمی از منابع خود را از دست خواهد داد.

• با نشر دین مقدس اسلام، در پرتو هدایات قرآن کریم و سنت نبوی زنان از مقام با عزت و حرمت برخوردارشدند و در تمام بخش‌های زنده‌گی حقوق آن‌ها داده شد و دوشادوش مردان در سیاست ، اقتصاد، تعلیم و تربیه به فعالیت پرداختند.

فصل سوم

روابط بین‌المللی

در این فصل درس‌های زیر را می‌آموزیم:

- وسایل روابط بین‌المللی
- روابط اقتصادی
- روابط سیاسی
- روابط فرهنگی
- جهانی شدن

اهداف فصل

با خواندن این فصل به اهداف دانشی و مهارتی زیر دست می‌یابید:

- مفهوم روابط بین‌المللی را می‌دانید؛
- ضرورت و اهمیت روابط بین‌المللی را می‌دانید؛
- اصول روابط سیاسی بین‌المللی را می‌فهمید؛
- اصول روابط اقتصادی بین‌المللی را می‌شناسید؛
- اصول روابط فرهنگی بین‌المللی را می‌شناسید؛
- جهانی شدن را تعریف کرده می‌توانید.

شاگردان عزیز شما به اهداف مهارتی زیرمی‌رسید:

- مفهوم روابط بین‌المللی را تعریف کرده می‌توانید؛
- ضرورت و اهمیت روابط بین‌المللی را تشریح کرده می‌توانید؛
- بعضی از مهمترین اصول روابط سیاسی بین‌المللی را توضیح داده می‌توانید؛
- اهمیت و زیان روابط فرهنگی را توضیح داده می‌توانید؛
- جهانی شدن را تحلیل کرده می‌توانید.

وسایل روابط بین‌المللی

در درس گذشته آموختید که زنان به عنوان نیمی‌از پیکر اجتماع، نقش مهمی‌در پیشرفت اجتماعی دارند، مشارکت سیاسی زنان و حضور آنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و حکومتی می‌تواند پشتوانه برای عرصه‌های دیگر فعالیت‌ها باشد. امروز شما شاهد فعالیت‌های زنان کشور در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استید. در این درس وسایل روابط بین‌المللی آشنا می‌شوید.

بحث کنید

اگر به تاریخ گذشتهٔ جوامع بشری برگردیم، در گذشته‌های دور روابط میان جوامع وجود داشت ولی نه به شکل امروز؛ بنابراین، پرسشی به میان می‌آید که:

•روابط بین‌المللی چه طور به وجود آمد؟

در مطالعهٔ تاریخ سیاسی یونان قدیم با قراردادها و اتحادیه‌هایی بر می‌خوریم که دلالت به وجود نوعی تقسیم بین‌المللی ساده و همکاری منظم بین واحدهای سیاسی روزگاران قدیم دارند؛ بعد از آن در قرن‌های اولی روابط بین‌المللی میان چهار امپراتوری مطرح آن زمان، روم، فارس، هند وچین بر اساس تبادلات تجارتی وگاهی بر روابط صلح و جنگ بود، بعد از قرن هشتم میلادی زمانی که کشور وسیع اسلامی‌در متن و محور جهان مطرح آن روزگار بروز کرد، تاریخ روابط بین‌المللی را ورق زد. و در ملاقات میان کشورها علاوه بر تجارت و منازعات ارضی، باب جدیدی مبتنی بر عقاید، ارزش‌ها و اخلاق گشوده شد، مسلمانان روابط خود را با جهانیان بر اساس برابری و برادری و آزاد نمودن ملت‌ها ازیوغ برده‌گی بنا نهادند. پیامبر بزرگ اسلام با ارسال نامه‌های دعوتی به ملوک و فرمانروایان جهان نخستین کسی بود که سنگ بنای روابط بین‌المللی را در اسلام گذاشت و در عهد خلفای اموی و عباسی به اوج خود رسید، به گونه‌یی که در عهدهارون الرشید و مامون الرشید میان خلافت اسلامی و امپراطوری فرانسه و انگلستان سفراء تبادله می‌شود. نخستین کسی که کتاب بزرگی را در احکام روابط بین‌المللی نوشته کرده و تا حال به دسترس محققان قرار دارد، امام محمد بن حسن شیبانی شاگرد امام ابوحنیفه (رح) است که دو عنوان کتاب را به نام‌های «السیرالصغیر و السیرالکبیر» به رشتهٔ تحریر در آورده است. ولی پایه‌های اساسی روابط بین‌المللی بعد ازپیدایش سیستم جدید دولت‌ها به وسیلهٔ دولت‌های امروزی در قرن هفدهم و بعد از قرارداد ۱۶۴۸م. (وستفالی) پی ریزی شد. با انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹م. و کنگرهٔ وین ۱۸۱۵م. تکامل یافت؛ زیرا نظم روابط بین‌المللی امروزی که بنا یافته، بر دو اصل اساسی؛ وجود کشورهای مختلف مستقل

و قبول اصل تساوی کشورها در صحنه بین‌الملل استوار بوده که بعد از قرارداد وستفالی و انقلاب کبیر فرانسه مورد قبول دولت‌ها قرار گرفت. بعد از جنگ جهانی دوم تحقیق در بارۀ عوامل و پدیده‌های مؤثر در روابط بین‌الملل و همچنان مطالعۀ علمی‌در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی آغاز و به صورت امروزی متداول گردید. روابط بین‌المللی به معنای عام در برگیرندۀ همه گونه روابطی است که در عرصۀ بین‌المللی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و دیگر بازیگران با یک‌دیگر دارند. در حال حاضر ۱۹۵ کشور وجود دارد که با یک‌دیگر و نیز با سازمان‌های بین‌المللی و دیگر بازیگران متنوع و مختلف روابط دو جانبه و چند جانبۀ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تجارتی دارند.

به طور مثال: کشور ما افغانستان به جُمهوریت‌های تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان، در شمال و با کشور جُمهوری اسلامی‌ایران در غرب، و در شمال شرق به جُمهوری خلق چین و در جنوب و جنوب شرق با جُمهوری اسلامی‌پاکستان هم سرحد و روابط اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی دارد. همچنان افغانستان، در فاصله‌های دور در قاره‌های آسیا، افریقا آمریکا و آسترالیا روابط دارد. روابط میان کشورها و دوام آن، روابط پایدار را در بین کشورها به وجود می‌آورد که به نام روابط بین‌المللی یاد می‌شود. این روابط را به این جهت بین‌المللی می‌گویند که جوامع تشکیل دهندۀ آن دولت‌ها هستند.

آیا می‌دانید تا پایان جنگ جهانی دوم روابط بین‌المللی چطور بررسی می‌گردید؟

تا پیش از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹م.) مطالعات روابط بین‌المللی، در قالب اندیشه‌ها و تفکرات سیاسی و همچنین تجزیه و تحلیل رویدادهای بین‌المللی بر اساس بررسی روزنامه و تاریخ نگاری صورت می‌گرفت و جریان منظم نداشت و هریک از محققان و دانشمندان بر مبنای زمینه‌های ذهنی و مطالعاتی خویش به بررسی و تحقیق پیرامون موضوعات مربوط به سیاست بین‌المللی می‌پرداختند.

نکتۀ قابل توجه این است که محققان تحت تأثیر رویدادها و تحولاتی که در صحنه روابط بین‌المللی به وقوع می‌پیوست، به گونۀ اثرگذار به اظهار نظر می‌پرداختند. به عبارت دیگر، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های محققان روابط بین‌المللی، متأثر از رخدادهای سیاسی بود.

بعد از جنگ جهانی دوم، محققان روابط بین‌المللی، بر آن شدند تا به یک سلسله نمونه‌های رفتاری پایدار تکرار شونده، دست یابند تا در پرتو قوانین و اصول کلی بتوانند رفتار واحدهای سیاسی را بیان و پیش بینی کنند. به این ترتیب (اساس مطالعات علمی) در روابط بین‌المللی

رونق گرفت و بسیاری از محققان روابط بین‌الملل، کوشیدند در مطالعات خود از روش‌های علمی‌استفاده کنند؛ بنابر این، گفته می‌توانیم روابط بین‌المللی از جمله رشته‌های علوم انسانی است که از زمانه‌های گذشته از سایر رشته‌ها متمایز شده و به صورت مستقل در آمده است تا آن جا که امروز بخش‌ها و مرکزهای علمیو تحقیقی در سراسر جهان برای مطالعه در این رشته به وجود آمده است. این بدان معنا نیست که این رشته از سایر علوم بی نیاز است؛ بلکه بر عکس بدون استفاده از دیگر رشته‌های علوم اجتماعی مطالعه و تحقیق پیرامون روابط و سیاست بین‌المللی شاید غیر ممکن باشد.

اصول روابط بین‌المللی چیست؟

اصول روابط بین‌المللی را می‌توان چنین تعریف کرد: رشته‌یی از علوم اجتماعی است که به مطالعه و شناخت بازیگران بین‌المللی می‌پردازد و یا اصول روابط بین‌المللی رشتهٔ علمی‌یی است که بررسی و شناخت جامعه و مسایل بین‌المللی را به عهده دارد.

مسایل کنونی روابط بین‌المللی را کدام موضوعات تشکیل می‌دهد؟

امروز مسایل بی شماری در روابط بین‌المللی وجود دارد که بدون شک آیندهٔ جهان در گرو حل صحیح این مسایل قرار دارد. عمده ترین این مسایل؛ عبارت‌اند از: برقراری آرامش در نقاط جنگ زده و به طور کلی مسألهٔ صلح جهانی، روابط بین ابرقدرت‌ها، تشنج زدایی، استعمار جهان سوم، انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی بخش، اختلافات محلی، مقابله‌های سیاسی، جنگ افزارهای هسته‌یی، روابط بین‌المللی در فضا و غیره.

فعالیت: کدام موضوعات شامل روابط بین‌المللی می‌گردد؟ با اعضای گروه خود بحث نمایید.

بازیگران بین‌المللی

اصطلاح بازیگر را به معنای عام می‌توان در مورد کلیه مقامات، سازمان‌ها، گروه‌ها و حتا اشخاص به کار برد که مصدر اعمالی بوده و به ایفای نقشی پرداخته اند. در خصوص روابط بین‌المللی، مجموعه‌یی را می‌توان به عنوان بازیگر معرفی کرد که عمل آن‌ها از حد و مرزهای کشور فراتر رفته، فعالانه در امور بین‌المللی شرکت داشته باشند.

به این اساس کلیه بازیگران روابط بین‌المللی را می‌توان تحت عنوان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سایر بازیگران مطالعه کرد.

دولت دولت واحد اصلی جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌المللی است و روابط بین‌المللی دربرگیرندهٔ مجموعهٔ روابط سیاسی، حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، نظامیو سایر روابط میان این واحدهاست،گام نخست در مطالعه روابط بین‌المللی چگونه‌گی روابط میان دولت‌هاست. تا پیش از به میان آمدن سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی و دیگر بازی گران تنها بازیگر عرصه بین‌المللی دولت بودند. در حال حاضر هم با وجود دیگر بازیگران هنوز رکن اساسی روابط

بین‌المللی دولت‌ها هستند که در درس روابط سیاسی معلومات بیشتر حاصل خواهید نمود.
فعالیت: چرا دولت در اصول روابط بین‌المللی مهم است؟ با اعضای گروه در این مورد بحث و مذاکره نمایید.

در مورد بازیگران غیر دولتی چه می‌دانید؟

علاوه بر دولت‌ها، بازیگران دیگری نیز وجود دارند که در صحنه روابط خارجی، نقش مهمی‌ایفا می‌کنند. به گونه‌یی که امروز بیش از یک سوم فعالیت بین‌المللی را در کنار دولت‌ها مطرح ساخته اند. در شرایط کنونی نمی‌توان نقش بازیگران و اهمیت جنبش‌های استقلال طلبانه، سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی، اتحادیه‌ها و انجمن‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی و امثال آن‌ها را نادیده گرفت. چه بسا در بعضی از موارد تأثیر این بازیگران غیر دولتی در روابط بین‌المللی بیش از رفتار بازیگران رسمی (حکومتی) می‌باشد. در حالی که رفتارهای دولت‌ها را تا اندازه‌یی می‌توان بر اساس نمونهٔ حکومتی و ساختاری و همچنان در چهار چوب منافع ملی و مسایل حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، امّا چنین چهارچوب مشخصی را نمی‌توان برای بازیگران غیر حکومتی درنظر گرفت.

مروری بر درس

- --
- --
- --
- --

پاسخ دهید

۱- روابط بین‌المللی را تعریف نمایید.
۲- پایه‌های اساسی روابط بین‌المللی چطور گذاشته شده؟ معلومات دهید.
۳- امروز کدام موضوعات شامل بحث روابط بین‌المللی می‌گردد؟ فهرست کنید.
۴- روابط بین‌المللی در سابق چگونه بررسی می‌شد؟
۵- اصطلاح بازیگران بین‌المللی به کدام معنا است؟

کارخانه‌گی

در مورد پنج سازمان بین‌المللی مختصراً توضیح دهید.

روابط اقتصادی

در درس گذشته آموختید که وجود روابط میان جوامع و تداوم آن به تدریج شبکه‌یی از روابط پایدار را میان جوامع مختلف به وجود می‌آورد که به نام روابط بین‌المللی یاد می‌شود. اکنون به روابط اقتصادی آشنایی حاصل خواهید نمود.

بحث کنید

انسان‌ها به سبب خواسته‌های گونا گونی که دارند به برقراری ارتباط با یک دیگر نیاز دارند. ارتباط اقتصادی نیز بر اساس همین ضرورت شکل می‌گیرد. این ارتباط‌گاه به صورت ساده، در حد مبادله و زمانی به شکل پیچیده در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد.

دراین بخش پرسش به میان می‌آید که:

- **فعالیت اقتصادی چیست؟**



تولید نیازمندی‌های زنده‌گی، در کنار تولید نسل حتا مقدم بر آن، برای دوام نظام اجتماعی ضروری است؛ به همین علت، بخشی از فعالیت‌های انجام شده درهر نظام به تهیهٔ وسایل زنده‌گی خاص گردیده که از آن به فعالیت اقتصادی یاد می‌شود. این فعالیت‌ها در دو بخش صورت می‌گیرد:

۱- سعی و تلاش دهقانان در زمین‌های زراعتی؛

۲ - فعالیت کارگران و انجینران در فابریکه؛

مثال‌های اقتصادی است که در طی آن‌ها کالا تولید می‌گردد.

۱- فعالیت معلمان در صنف درسی؛



۲- کار و فعالیت کارمندان دولتی در ادارات دولتی.

مثال‌های دیگری از فعالیت اقتصادی است که طی آن‌ها چیزی به نام خدمات عرضه می‌شود.

روابط اقتصادی

فعالیت اقتصادی در محیط اجتماعی که در ارتباط با دیگران انجام می‌شود و موجب برقراری رابطه میان فرد و دیگران می‌گردد به عنوان روابط اقتصادی یاد می‌گردد، به طور مثال:

- رابطۀ کار گران با یک دیگر در میحط کار؛
- رابطۀ کارگران با انجنیران؛
- رابطۀ کارگران با صاحبان فابریکه؛

مثال‌هایی از روابط اقتصادی در فابریکه است.

فعالیت: با مشورۀ اعضای گروه خود سه مثال، از روابط اقتصادی را بیان کنید؟

نظام اقتصادی

مجموعۀ روابطی که پیرامون تولید و مبادلۀ کالا، خدمت و براساس قواعد تعیین‌شده توسط جامعه شکل می‌گیرد، نظام اقتصادی را به وجود می‌آورد.

تأثیر روابط سیاسی بر روابط اقتصادی

تجارت بیشتر در بین تاجران و شرکت‌های تجارتی و دولت‌ها بر اساس مقررات و قوانینی صورت می‌گیرد که دولت‌ها وضع می‌کنند یا بر اساس قرار دادهایی است که بین دولت‌ها

منعقد می‌شود. دولت‌ها نوع مواد و کالاهایی که صادر و وارد کردن آن بدون مانع است، میزان و طریق ورود و صدور آن‌ها را مشخص می‌کنند و تجارت در محدودهٔ این قواعد و مقررات، قانونی و مجاز شمرده می‌شود.

وضع این مقررات و قوانین تابع سیاست خارجی هر کشور است و دولت‌ها می‌کوشند معاهدات تجارتی را به گونه‌یی تنظیم کنند که بیش‌ترین منفعت را برای آن‌ها در برداشته و با سیاست خارجی آنان هم‌جهت باشد.

بنابر این دولت‌ها به تأسیس گمرکات در کشورهای خود اقدام می‌کنند تا از ورود و خروج کالاها بازرسی به عمل آید.

آیا می‌دانید کالای قاچاق چیست؟

کالاهایی که خارج از چارچوب این مقررات وارد و یا خارج شوند کالای قاچاق تلقی می‌گردد و عامل آن مجرم شناخته می‌شود.

روابط اقتصادی با جوامع دیگر به ساخت درونی جوامع اثر می‌گذارد و ممکن است تعادل نظام اجتماعی را به مشکل مواجه سازد. به همین دلیل تنظیم روابط اقتصادی در بین جوامع انجام می‌گیرد. به طور مثال: می‌توان از اجازهٔ صدور بعضی اقلام خوراکه در بعضی از دوره‌ها و جلوگیری آن در دوره‌های دیگر یاد کرد. اقلام خوراکه با هدف تأمین اسعار خارجی برای خرید کالاهای خارجی صادر می‌شوند، امّا هنگامی‌که صدور آن موجب کمبود در داخل جامعه و افزایش قیمت‌ها می‌شود. دولت برای حفظ تعادل در درون جامعه از صدور آن جلوگیری می‌کند. بنابر این، می‌توان گفت روابط اقتصادی میان جوامع، ابتدا از سیاست خارجی آن‌ها تأثیر می‌پذیرد.

در مورد روابط اقتصادی میان جوامع و نتایج ناخواستهٔ آن چه می‌دانید؟

روابط اقتصادی مانند سایر روابط بین افراد و جوامع تنها تابع هدف‌ها و خواسته‌های افراد و دولت نیست؛ بلکه بعد از شکل‌گیری، ممکن است آثار و نتایجی در قبال داشته باشد، به طور مثال: وقتی شخصی ضرورت به خانهٔ کرایی داشته باشد، جهت پیدا کردن به رهنمای معاملات مراجعه می‌کند. خواست این فرد آن است که کرایهٔ خانه، ارزان باشد، امّا مراجعه او به عنوان تقاضا کننده سبب افزایش میزان تقاضا و به صورت غیر مستقیم افزایش قیمت می‌شود. این نتیجه‌یی است که مورد نظر کرایه‌نشین نیست؛ امّا از عمل او حاصل می‌شود. در مورد روابط اقتصادی دربین جوامع هم مطلب یادشده صدق می‌کند در حالی که دولت‌ها و تجاران در هر کشور در فکر فایده استند و روابط اقتصادی شکل گرفته میان جوامع، نتایجی را در قبال دارد که ممکن است، مطلوب آن‌ها نباشد و در نهایت به ضرر آن‌ها تمام گردد. برای آشنا شدن به این جنبه از روابط اقتصادی، لازم است به توضیح چند مطلب ادامه دهیم.

ما زاد (ارزش اضافی) چیست؟

فامیلی را در نظرگیرید که اعضای آن در کارگاه خود مشغول بافتن قالین اند. سرپرست فامیل مواد لازم را برای بافتن یک تخته قالین آماده می‌نماید، بعد از چهار ماه قالین بافته شده برای فروش به بازار آماده می‌شود. بی‌گمان بین قیمت مواد اولیه قالین و قیمت فعلی آن تفاوت‌های وجود دارد. سرپرست خانه به محاسبه‌یی که با خود می‌کند. مخارج اعضای فامیل که به تولید مشغول بوده اند و قیمت مواد را از قیمت فروش قالین کم نموده و باقی پول که از وجه فروش قالین به دست آمده فایده به حساب می‌آید. این مقدار پول (مفاد) از فروش قالین به دست آمده است که بخشی از کار اعضای فامیل می‌باشد. امّا از جمله این درآمد برای تولید مجدد نیروی کار (غذا، پوشاک و سایر نیازمندی‌های اعضای خانواده) به کار نرفته، به این بخش درآمد که برای تولید مجدد نیروی کار صرف نمی‌شود ما زاد (ارزش اضافی) می‌گویند.

انتقال مازاد و مبادلهٔ نابرابر

حال سنجش کنید، همان فامیل قالین‌باف بعد از بافتن قالین، آن را به بازار غرض فروش می‌آورد، در حالی که بازار فروش بی رونق و بی خریدار است. خریداران قالین مذکور را به قیمت کم می‌خرند، فامیل مذکور به سبب نیاز به پول جهت تأمین نیازمندی‌های خود آن را می‌فروشد. بعد از فروش وضع تغییر می‌کند و خریدار، آن را به قیمت بیشتر از آن چه خریده می‌فروشد. بخشی از فایده حاصل از کار فروشنده و بخشی دیگر به ارزان خریدن فرش و گران‌فروختن آن مربوط می‌شود. در این قسمت بخشی از فایده که باید به تولید کننده اختصاص یابد، نصیب این فرد و مؤسسه می‌شود، این همان فایده است که در نتیجهٔ تغییر قیمت‌ها و نوسان بازار بوده است. در این جریان بخشی از مازاد، از تولید کننده‌گان به اشخاصی که به خرید و فروش مشغول‌اند، انتقال یافته است.

این امر در مورد همه کالاها می‌تواند صدق کند. در صورتی که رابطهٔ داد و ستد موجب انتقال ما زاد از فروشنده (تولیدکننده) به خریدار نگردد، به آن **مبادلهٔ برابر** می‌گویند. اگر در داد و ستد بخشی از مازادها متعلق به تولیدکننده (فروشنده) به دلیل تفاوت قیمت‌ها به خریدار منتقل شود، رابطه به نام **مبادلهٔ نا برابر** یاد می‌گردد.

وضعیتی که طی آن تفاوت قیمت‌ها سبب به دست آمدن فایدهٔ زیاد برای افراد و شرکت‌ها می‌شود، امکان دارد برای همهٔ اشخاص که به کار خرید و فروش مشغول اند، پیش آید. معمولاً از چنین وضع تحت نام **شکار** یاد می‌شود.

فعالیت: با گروه خود پیرامون مبادلهٔ نا برابر بحث نموده، چند مثال از مبادلهٔ نابرابر را بیان کنید.

اگر مبادلهٔ نابرابر برای مدتی طولانی بین دو جانب ادامه یابد، به تدریج یکی از طرف‌های مبادله ثروتمند و دیگری فقیر می‌شود.

در مورد مبادلهٔ نابرابر در بین جوامع، می‌توان از برخورد دولت انگلیس با دولت ایران در جریان ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ هـ . ش. یاد کرد. اقدامات دولت انگلیس علیه ایران که با انگیزهٔ حفظ قراردادهای نفتی صورت می‌گرفت. نمونهٔ استفاده برای حفظ مبادلهٔ نابرابر است. تحریم اقتصادی ایران و کیوبا از جانب آمریکا از تلاش قدرت‌های بزرگ برای حفظ مبادلهٔ نا برابر میان جوامع است.



مروری بر درس

- ---
- ---
- ---
- ---
- ---



پاسخ دهید

۱- فعالیت اقتصادی چیست؟

۲- روابط اقتصادی چیست؟

۳- نظام اقتصادی را تعریف نمایید.

۴- در مورد انواع روابط اقتصادی مختصراً معلومات دهید.

۵- در مورد انتقال مازاد و مبادلهٔ نابرابر چند سطر بنویسید.



کارخانه‌گی

در مورد مازاد (ارزش اضافی) چند سطر بنگارید.

روابط سیاسی

در درس گذشته پیرامون روابط اقتصادی بین دولت‌ها معلومات حاصل نمودید، اکنون با روابط سیاسی بین دولت‌ها آشنا می‌شوید.



مباحثه نمایید

در مطالعهٔ روابط بین‌المللی، عنصر اصلی دولت است. برحسب تعریف، دولت تشکل یا سازمانی است محصول زنده‌گی باهمی‌و مشترک یک جمعیت در یک ساحهٔ معین جغرافیایی و دارندهٔ یک قدرت حاکمهٔ مستقل پرسشی به میان می‌آید که سیاست خارجی چیست؟

سیاست خارجی Foreign polisy

سیاست خارجی عبارت است از سیاست یک دولت در عمل متقابلش با دیگر دولت‌ها و ملت‌ها. به عبارت دیگر، سیاست خارجی، پاره‌یی از سیاست داخلی به ویژه پاره‌یی از نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور است. سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنهٔ بین‌المللی از سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد.

اهداف دولت‌ها در روابط بین‌المللی

در روابط بین‌المللی، دولت بخش اصلی نظام سیاسی هر جامعه به شمار می‌رود. نمایندهٔ جامعه و پاسدار منافع آن در مقابل جوامع دیگر می‌باشد. بنابر این، اهداف جوامع در روابط بین‌المللی هم توسط دولت‌ها دنبال می‌شود.

اهداف اساسی درجه اول

حفظ تمامیت ارضی: نگهبانی از جامعه در روابط بین‌المللی معناهای مختلف دارد. ابتدایی‌ترین شکل حراست از جامعه، حفاظت از سرحدات کشور در مقابل جوامع دیگر می‌باشد. دولت‌ها اجازه نمی‌دهند که کشورها وجوامع دیگر به سر زمین یا قلمرو آن‌ها تجاوز کنند. این نوعی از حفاظت از جامعه است که آن را به نام حفظ تمامیت ارضی ، یا

وحدت کشور Geographic unity یاد می کنند. نگهبانی از سرحدات شامل بحرها و حریم هوایی هر دولت می گردد. به همین علت ورود طیاره‌های یک کشور، بدون اجازه به حریم هوایی دولت دیگر تجاوز به قلمرو و سر زمین آن دولت تلقی می گردد که با اعتراض دولت مذکور مواجه می گردد که حتا بعضی اوقات باعث جنگ می‌شود.

منافع ملی National Interests

حراست دولت ازجامعه، به حفاظت از سرحدات سرزمین محدود نمی گردد؛ بلکه ابعاد وسیع دارد که آن را باید شناخت. در این مورد از مفهوم منافع حیاتی و منافع ملی استفاده شده است. هر جامعه اموری را که برای دوام و حفظ آن ضروری است، مشخص ساخته و از آن‌ها عنوان‌های چون **منافع حیاتی، منافع ملی** و **امنیت ملی** تعبیر می کند. هرگاه این منافع و امنیت به خطرمواجه گردد، دولت وظیفهٔ مقابله با آن را به عهده دارد.

فعالیت: با گروه خود بحث نموده مثالی دیگر از منافع حیاتی را بیان کنید.

اهداف درجه دوم: بعضی از اهداف درجه دوم را به طور فشرده در اینجا می‌آوریم.

کسب وجهه چیست؟

نوع دیگر از اهداف درجه دوم، کسب و افزایش وجهه (پرستیژ) در روابط سیاسی است. همهٔ دولت‌ها تلاش می کنند تا در روابط بین‌المللی احترام و منزلت به دست آرند. این امیدها و آرزوها با روش‌های گوناگون صورت می گیرد. در هر دولت، اجرای تشریفات (دیپلوماتیک) در برابرمقام‌های بلند رتبه دولتی کشورهای دیگر، یکی از جلوه‌های احترام و منزلت دولت‌ها، نزد یک‌دیگر است.

فعالیت: با درنظرداشت گزارش‌های تلویزیونی در زمینهٔ سفر رئیس جمهور دولت ما به کشور دیگر، مراسم رسمی‌این کشورها را مقایسه و اهمیت افغانستان را در جوامع مختلف ارزیابی کنید.

تشریفات سیاسی وسیع و با شکوه نشان دهندهٔ اهمیتی است که کشور میزبان برای رابطهٔ خود با کشور مهمان قایل است. افزایش قدرت نظامی‌و تظاهر به آن نمونهٔ دیگری از سعی برای به دست آوردن و افزایش وجههٔ ملی به شمار می‌آید.

ترویج عقاید: ترویج ارزش‌ها و عقاید خاص از اهداف درجه دوم به شمار می‌آید و دولت‌ها برای دستیابی به آن سعی می‌نمایند. همهٔ کشورها دولت‌های دیگر را به عقاید خود دعوت می کنند. آماده و تهیه و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی خارجی نمونهٔ برجستهٔ این خواهش و امید در زمان ما است. هر دولت سعی می کند تا ازطریق برنامه‌ها بر افکار و عقاید

مردمان کشورهای دیگر تأثیر بگذارند و آن‌ها را بر اساس مقاصد خود هدایت و رهنمایی کنند؛ زیرا هم‌رأی بودن مردمان جوامع دیگر با آرای منتشر شده ازطریق رسانه‌ها به تحقق اهداف یک دولت در روابط بین‌المللی کمک می‌رساند.

توسعه طلبی: یکی دیگر از هدف‌های است که در بعضی جوامع از نگاه اهمیت در درجهٔ دوم قرار دارد. بعضی از دولت‌ها چشم طمع به سرزمین‌های دولت‌های دیگر دوخته اند و به توسعهٔ طلبی در سر زمین دیگران دست می‌زنند. در این گونه دولت‌ها توسعه‌طلبی، هدف درجه دوم به حساب می‌آید؛ مانند: تجاوز شوروی سابق بر افغانستان و همچنین گرایش یهودی‌ها به توسعهٔ سرزمین و غصب زمین‌های مجاور نمونه‌هایی از توسعه‌طلبی است.

مباحثه کنید

وسایل دست‌یابی به هدف در روابط بین‌المللی کدام‌ها اند؟

در روابط بین‌المللی همهٔ دولت‌ها برای پیش برد سیاست خارجی خود از انواع وسایل استفاده می‌کنند. دولت‌ها گاهی تهدید می‌کنند، زمانی علیه دولت و جامعهٔ دیگر دست به تبلیغات می‌زنند،گاهی از ابزار **حقوق بشر** استفاده می‌نمایند. انواع وسایل و امکاناتی که دولت‌ها برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌نمایند، عبارت است از: اقتصاد، تبلیغات نظامی، فرهنگ و دیپلوماسی.

اقتصاد چیست؟ و در روابط بین‌الملل چه اهمیت دارد؟

امروز اقتصاد از مهم‌ترین وسایل سیاسی کشورها به شمار می‌رود. کشورها می‌توانند با ایجاد موانع در جریان مبادلهٔ کالا و تکنالوژی روند اقتصاد دولت‌های دیگر را مختل سازند. اختلال در اقتصاد، دولت‌ها را به مشکلاتی مواجه می‌سازد و آن‌ها برای رهایی از این مشکلات، ناچار به خواسته‌های دولت مقابل تن در دهند.

تبلیغات یا جوسازیPropaganda

توضیح ، بیان و ترویج افکار سیاسی، فلسفی، مذهبی و نظایر آن، در بین عده‌یی با استفاده از مجله‌ها، کتاب‌ها، رسالات علمیو تحقیقی و هر وسیلهٔ ارتباطی دیگر، برای تحت تاثیر قرار دادن افکار و عقاید عدهٔ دیگری را تبلیغ گویند. کشورها به منظور تحقق اهداف خود در عرصهٔ سیاست خارجی تلاش می‌کنند تا با استفاده از رسانه‌های گروهی؛ مانند: رادیو، تلویزیون، اقمار مصنوعی، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و مجلات، تصور رهبران و مردم جوامع مختلف را در مورد جوامع دیگر به گونهٔ مطلوب خود، شکل دهند.

فعالیت: چند سطر در مورد اثرا ت مثبت تبلیغات نگاشته؟نمایندهٔ یکی از گروه ها به شاگردان توضیح نماید.

وسایل نظامی

دولت‌ها برای تحقق اهداف خود از وسایل نظامی‌به دو صورت استفاده می‌نمایند.
وسایل نظامی‌را به صورت مستقیم به کار می‌برند. یا از آن، تنها به عنوان یک عامل بازدارنده و تهدید کننده کمک می گیرند.

در قرن حاضر سلاح‌های مخربی ساخته شده است، از قبیل موشک‌های قاره‌پیما با کلاهک‌های اتم، بمب‌های اتمی، بمب‌های میکروبی و کیمیاوی که استفاده از آن‌ها نه تنها نفعی ندارد؛ بلکه موجب نابودی دولت برنده و بازنده می‌شود؛ یعنی این‌که استفاده از این سلاح‌ها برنده و یا بازنده ندارد، هر دو نابود می‌شود. از این رو دولت‌ها از ورود به جنگ می‌پرهیزند و از این وسایل تا حد امکان برای باز داشتن رقیب از حمله یا ترساندن و تهدید طرف مقابل استفاده می‌کنند؛ به طور مثال: مسلح شدن اسراییل به سلاح اتومی، خرید تجهیزات نظامی‌از سوی کشورهای غربی و رقابت هند و پاکستان برای دست‌یابی به سلاح اتمی.

فعالیت: با گروه خود بحث نموده بر علاوۀ موضوع‌های یادشده، دیگر کدام موردهای است که شامل وسایل نظامی‌می‌شود؟

مروری بر درس

- ---
- ---
- ---
- ---
- ---

پاسخ دهید

۱- سیاست خارجی را تعریف کنید.
۲- حفظ تمامیت ارضی کدام معنا را افاده می‌نماید؟ در چند سطر تحریر دارید.
۳- منافع ملی چیست؟
۴- اهداف درجه دوم را نام بگیرید.
۵- وسایل دستیابی به هدف در روابط بین‌الملل کدام‌هااند؟ صرف نام بگیرید.

کارخانه‌گی

در مورد تبلیغ یا جوسازی و تأثیر آن بر دولت‌ها پنج سطر بنگارید.

روابط فرهنگی

در درس گذشته پیرامون روابط سیاسی آگاهی حاصل نمودید. در درس حاضر به روابط فرهنگی آشنایی حاصل می‌نمایید.

بحث کنید

در مکالمات روزمره بین مردم اصطلاح فرهنگ مورد استعمال زیاد دارد، آیا شماگاهی در بارۀ معنای این اصطلاح فکر کرده اید که فرهنگ چیست؟

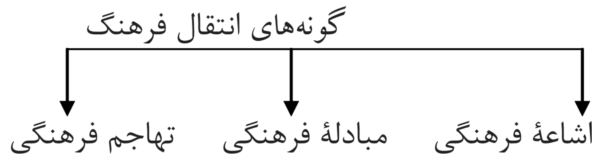
فرهنگ چیست؟

فرهنگ، عبارت از مجموعه‌یی از دانش‌ها، عقاید، مهارت‌ها و فنونی است که در بین افراد یک جامعه مشترک بوده و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود.

نظام فرهنگی چیست؟

در هر جامعه مجموعه‌یی از اعتقادات و ارزش‌های مشترک وجود دارد که اساس نظام اجتماعی آن جامعه را تشکیل داده و افراد جامعه بر مبنای آن عمل می‌نمایند و به نام نظام فرهنگی یاد می‌گردد.

به انواع انتقال فرهنگ میان جوامع آشنا شوید



اشاعۀ فرهنگ Culture diffusion

تاریخ جوامع بشری و نظام‌های فرهنگی بیان‌گر این واقعیت است که فرهنگ جوامع به صورت معمول با اولین برخورد میان افراد جوامع، در جنگ، تجارت و مهاجرت تغییر می‌یابد و عناصری از فرهنگ‌های دیگر به نظام فرهنگی جوامع وارد می‌شوند. معانی و سمبول‌ها واسطۀ هرگونه تعامل انسان‌ها با یک‌دیگر استند، بر این اساس معانی و معناها ونمادها در انواع روابط افراد در جوامع مختلف، مداخله دارند، و ممکن است معناها از یک جامعه به جامعۀ دیگر انتقال یابند. به طور مثال، یکی از اقارب شما جهت ادای فریضۀ حج بیت الله به کشور عربستان سعودی می‌روند. زمانی که از سفر حج بیت الله بر می‌گردند و شما به دیدن آن‌ها می‌روید بیشتر از آن چه دیده و شنیده اند، از برخورد خود با افراد ملل مختلف سخن می‌گویند. امروز، با وجود رسانه‌های جمعی که معناها را بیشتر ازسرحدات جغرافیایی جوامع انتقال می‌دهند، ورود عناصر فرهنگی از یک

جامعه به جامعه دیگر آسان شده و به صورت جریان روز مره آمده است. یافته‌های علمی، عقاید و نظریات تازه در مورد زنده‌گی موجودات و نوشته‌هایی که آرای جدید را ارائه می‌دهند، مطالبی است که هر روز از طریق رسانه‌ها منتقل می‌شود و نظام‌های فرهنگی مختلف را متأثر می‌سازد. همچنین افکار جدیدی که در قالب فیلم و نمایش عرضه می‌شوند، ممکن است عناصری از یک فرهنگ را به نظام فرهنگی دیگر منتقل سازند. علمای اجتماعی به جریان انتقال فرهنگ از یک جامعه به جامعه دیگر که به‌گونهٔ خود به خودی انجام می‌شود «اشاعهٔ فرهنگ» می‌گویند. اشاعهٔ فرهنگ یکی از عوامل عمدهٔ تغییر و تحول نظام فرهنگی جوامع است؛ زیرا با فرض وابسته‌گی متقابل معانی، عقاید جدید موجب تغییر معانی دیگر و تغییر نظام فرهنگی می‌شود، تغییر فرهنگ نیز به نوبهٔ خود نظام اجتماعی و ساحهٔ نظام‌های اقتصادی و سیاسی را تغییر می‌دهد. اشاعهٔ فرهنگ‌گاه موجب شکوفایی فرهنگ وگاه سبب جذب یک فرهنگ به نظام فرهنگی دیگرمی‌شود؛ به طور مثال: می‌توان از اشاعهٔ فرهنگ اسلامی‌در اروپا در دورهٔ جنگ‌های صلیبی و پس از آن یاد کرد. در جریان برخورد میان مسلمانان و اروپایی‌ها در تجارت، جنگ و مسافرت به اماکن مقدس فلسطین، همچنین اعزام محصلان به مراکز علمی‌مسلمانان، به ویژه در هسپانیا و شمال افریقا، اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی افرادی چون: ابن رشد، ابن خلدون، همچنین اندیشه‌های علمی‌ابن سینا و ذکریای رازی و شیوه‌های تعلیم و تربیهٔ مسلمانان در مکاتب چون: نظامیه به اروپا انتقال یافت و در ترکیب با فرهنگ مسیحی- اروپایی در رشد و شکوفایی این فرهنگ موثر واقع شد. بنابر این می‌توان گفت در ساحهٔ فرهنگ نیز همچون: سیاست و اقتصاد، فرهنگ‌های مختلف با هم برخورد می‌کنند؛ عناصری را از یک دیگر وام می‌گیرند، با یک دیگر درهم آمیخته می‌شوند، گونه‌های جدیدی از نظام‌های فرهنگی سر بر می‌آورد؛ یکی بر دیگری غالب می‌شود؛ بعضی از فرهنگ‌ها در طول زمان از بین می‌روند و بعضی تداوم می‌یابند.

فعالیت: با گروه خود بحث نموده تأثیر منفی سریال‌ها و فیلم‌ها را که از طریق تلویزیون‌ها پخش می‌گردد؟ بیان دارید.

مبادلهٔ فرهنگی Cultural exchange

جوامع درمقابل ورود عقاید که با معانی اصلی نظام فرهنگی آن‌ها مغایرت دارد، مقاومت می‌کنند، در حالی که مانع تغییر معانی دیگر نمی‌گردند و حتا در بعضی از ساحات اخذ معانی و عقاید را تشویق می‌کنند. در این حیطه از معانی و نظام‌های فرهنگی، جوامع همواره به طور ارادی وگاه با پلان‌گذاری، عناصری از فرهنگ‌های دیگر را می‌پذیرند. انتقال معانی، به صورت ارادی و با پلان گذاری در حیطه‌هایی که نظام فرهنگی آن را مجاز می‌داند، مبادلهٔ فرهنگی نام دارد. این نوع انتقال فرهنگی به طور معمول دو طرفه است؛ به این معنا که در آن معانی رد و بدل می‌شوند. ممکن است مبادلهٔ فرهنگی مبادلهٔ نا برابر

باشد و از یک نظام فرهنگی معناهایی بیشتری به نظام فرهنگی دیگر منتقل گردد؛ به طور مثال: حضرت پیامبر بزرگ اسلام ارشاد فرمود: (**اُطْلُبو العِلْمَ وَ لَوْ بِالصِیْن**.) ترجمه: (درجستجوی علم باشید، اگر چه در چین باشد). اخذ فرهنگ از جوامع دیگر را مجاز می‌شمارد؛ اما این به معنای آن نیست که افراد، عقاید مغایر با توحید و معناهای اصلی نظام فرهنگی اسلام را از جوامع دیگر اخذ کنند.

فعالیت: چند مثال؛ از مبادلهٔ فرهنگی را با مشورهٔ اعضای گروه خود بیان کنید.

آیا می‌دانید تهاجم فرهنگی چیست؟ و چه تأثیری بر فرهنگ جوامع دارد؟

انتقال معانی در بین نظام‌های فرهنگی همیشه در محدوده‌های مجاز، به طور دوجانبه و داوطلبانه صورت نمی‌گیرد. ممکن است جریان انتقال معانی طوری باشد که طی آن معانی اصلی یک نظام فرهنگی مورد تهاجم قرارگیرد. هرگاه انتقال فرهنگ یک جانبه، غیر داوطلبانه و سلطه‌گرانه باشد به نام **تهاجم فرهنگی** یاد می‌شود. در زمان حاضر به پیشرفت صنعت و امکان انتقال معانی از طریق امواج و خطوط تیلفون، تخریب فرهنگ جوامع دیگر ابعاد تازه یافته و بعضی کشورها با استفاده از این عوامل امکان تهاجم به فرهنگ‌های دیگر را به شکل وسیع‌تر به دست آورده اند. برخلاف مبادلهٔ فرهنگی که در آن نظام‌های فرهنگی توسعه می‌یابند و تغییرات آن‌ها موجب شکوفایی بیشتر می‌شود، در تهاجم فرهنگی، ارزش‌های اصلی نظام‌های فرهنگی مورد تهدید و اقع می‌شوند و این امر به معنای از بین رفتن نظام‌ها است.

مقابلهٔ کمونیست‌های شوروی سابق با نظام فرهنگی مسلمانان درآسیای میانه و منطقهٔ قفقاز، نوعی تهاجم فرهنگی بود که از همهٔ امکانات، از جمله قدرت نظام و تبلیغات استفاده شده بود تا ریشه‌های دین را دراین منطقه نابود کنند. امروز کشورهای غربی در پی آن اند تا فرهنگ خود را به عنوان فرهنگ‌های پیشتاز بر جوامع و ملل دیگر تحمیل نمایند. در حقیقت اختلاف کنونی میان تمدن اسلامی‌و تمدن غربی برسر فرهنگ است. تمدن اسلامی‌امروز، در برابر تمدن غربی حالت پایداری و دفاعی داشته و برخلاف تمدن غربی در حالت هجوم بر تمدن اسلامی‌قرار دارد.

فعالیت: با گروه خود بحث نموده تاثیر جهت‌های منفی تهاجم فرهنگی را بیان نمایید.

فرهنگ کنترول و هدایت چیست؟

روابط فرهنگی میان جوامع،گاهی این امکان را برای آن فراهم می‌آورد که به فرهنگ جامعهٔ دیگر سمت و سو داده آن را در جهت مورد نظر خود سوق دهد. در این حالت گفته می‌شود که فرهنگ یک جامعه توسط جامعهٔ دیگر کنترول و هدایت شده است.

کنترول و هدایت فرهنگ یک جامعه از سوی جوامع دیگر به این سبب اهمیت دارد که جوامع

از طریق روابط فرهنگی، می‌توانند افراد دیگر را از داخل کشور شان به خدمت خود درآورند.

کنترول و هدایت فرهنگی به کدام گونه ها صورت می‌گیرد؟

امروز دولت‌ها و گروه‌های مختلف ملی و بین‌المللی به گونه‌های مختلف، برای انتقال فرهنگ مورد نظر خود تلاش می‌کنند؛ به طور مثال: استفاده از رسانه‌های جمعی برای انتقال فرهنگ، تنها منحصر به دولت نیست؛ بلکه گروه‌ها و سازمان‌های مذهبی و تجارتی نیز در این زمینه فعال استند. به طور نمونه می‌توان از مرکز سخن‌پراکنی دینی واتیکان و ترانس ورد Transword یاد کرد.

مروری بر درس

- --
- --
- --
- --
- --

پاسخ دهید

۱- مبادلهٔ فرهنگی را تعریف نمایید.

۲- فرق میان مبادلهٔ فرهنگی و تهاجم فرهنگی را بنگارید.

۳- آیا دین مبین اسلام اخذ فرهنگ را از جوامع دیگر جواز می‌داند؟ با دلیل واضح سازید.

۴- یک مثال ازتهاجم فرهنگی را تحریر دارید.

۵- فرهنگ کنترول و هدایت چیست؟

کارخانه‌گی

نظر خود را در مورد راه‌های جلوگیری از تهاجم فرهنگی در چند سطر بنگارید.

جهانی شدن



جهانی شدن چیست؟

کلمهٔ جهانی شدن در سال‌های اخیر، یکی از مروج ترین واژه‌های عرصهٔ سیاست‌گذاری اقتصادی، فرهنگی، سیاسی داخلی و بین‌المللی کشورها قرار گرفته است. جهانی شدن به معنای یکپارچه شدن در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی و حذف مرزهای جغرافیایی مصنوعی و قراردادی است.

جهانی شدن به گونه‌های ذیل تعریف شده است:

۱- جهانی شدن به معنای بین‌المللی شدن؛

۲-جهانی شدن به معنای آزاد سازی؛

۳-جهانی شدن به معنای جهان گستری؛

۴- جهانی شدن به معنای قلمرو زدایی.

در واقع جهانی شدن جریان عامی‌است که ابعاد مختلف حیات انسانی را تحت تأثیر خود می‌گیرد و با سمبول (علامه و نشان) های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و تکنالوژیکی، محیطی و اجتماعی همراه است. پس می‌توان گفت: جهانی شدن یک جریان اجتماعی است، که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به سوی یک جامعه و یک فرهنگ شدن به پیش می‌روند.

فعالیت: به نظرشما جهانی شدن امکان دارد یا خیر؟

ابعاد جهانی شدن:

جهانی شدن دارای ابعاد مختلف است: همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع.

در مورد بُعد اقتصادی جهانی شدن چه می‌دانید؟

جهانی شدن اقتصاد با تحول در حمل و نقل و شبکه ارتباطات که به رشد سریع تجارت و نقل و انتقال وسیع سرمایه انجامید، آغاز گردید. تفوق اقتصادی جهانی شدن به قرن شانزدهم بر می‌گردد و در قرن نزدهم سرعت بیشترمی‌گیرد. پیشرفت در ساحهٔ تکنالوژی و تقویت فعالیت اقتصادی از فعالیت‌های اقتصادی روز افزون در قرن بیستم

به ویژه بعد از سقوط بلوک شرق، رشد بازارهای مالی جهانی، رشد سریع شرکت‌های چند ملیتی، توسعه مرکزهای مالی جهانی و مهاجرت کارگران، همه دلالت به جهانی شدن اقتصاد و مسایل اقتصادی دارد. به طوری‌که امروز دولت‌ها، بدون توجه به اقتصاد جهانی نمی‌توانند برای مسایل اقتصاد داخلی خود تدبیر و بر نامه ریزی کنند. قرن گذشته شکوفایی یکی از جنبه‌های اصلی جهانی شدن اقتصاد بود و حجم تجارت بین‌المللی توسعه یافت، شبکه‌های ارتباطی وسیع کار آمد و کم مصرف در توسعه جهانی شِکل گرفته، پیشرفت کمپیوتر و مخابرات، دیجیتل و ماهواره، نقش زیادی پیدا کرد. قبلاً بسیاری از کالاها قابل تجارت نبودند و امروز در دوران تجارت جهانی قرار گرفته اند. اطلاعات نیز قابل تجارت شده؛ مانند: مشورت‌های اداری، سیستم‌های سافت فیلم و کسیت، دیسک‌های فشرده، اخبار تلویزیونی و غیره. در سال‌های اخیر گام‌های بلندی در جهت توسعه و تقویت شبکه جهانی تجارت برداشته شده است. تجارت الکترونیک، افراد را قادر ساخته که از هر نقطهٔ جهان که خواسته باشند، فرآورده‌های مورد نظر خود را بخرند. با پیشرفت جهانی شدن اقتصاد، شرکت‌ها و بانک‌های چند ملیتی نیز اهمیت خود را در اقتصاد جهانی افزایش داده است. دولت‌های ملی، دیگر تنها نهاد مسلط بر حفظ سرحدات می‌باشند. در نتیجه جهانی شدن اقتصاد، کشورهای صنعتی بزرگ بر دولت‌های رشد نیافته از نگاه اقتصادی مسلط می‌گردند و آن‌ها را به طور دایم وابسته به خود نگه‌می‌دارند. در مقابل صنعت کشورهای ضعیف هیچ‌گاه رشد نمی‌کند.

فعالیت: به نظر شما، چرا قرن بیستم را شکوفایی جنبه‌های اصلی جهانی شدن می‌دانند؟ در زمینه معلومات ارائه دارید.

در مورد بُعد سیاسی جهانی شدن در صنف بحث نمایید.

ضعف دولت‌های ملی و ناکامی‌آن‌ها درحل مسایل داخلی به علت پیچیده‌گی فزاینده مسایل داخلی و خارجی و آمیزش این مسایل، رشد پیمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌یی و جهانی و به وجود آمدن سازمان‌های بین‌المللی، همه بر وجود آمدن نظم نوین سیاسی در جهان دلالت دارد. امروز ممکن است حتا حق حاکمیت دولت‌ها، به واسطه مسایلی که به تمام زمین مربوط می‌شود، یا به واسطه عدم رعایت حقوق بشر، نقض گردد. **شورای امنیت سازمان ملل** نیز حق دارد در مسایل مربوط به صلح و امنیت جهانی حاکمیت دولت‌ها را نقض کند. در چنین شرایطی دولت‌ها به طور عملی مجبور استند که محدودیت‌های بین‌المللی را قبول کنند. اصولاً با جهانی شدن سیاست، **منافع ملی** و منافع جهانی درحال یکجاشدن است. به طور عموم اعتقاد بر این است که در جهان جدید، به لحاظ تقسیم قدرت سیاسی، هیچ کشوری دارای سلطهٔ مطلق سیاسی باقی نمی‌ماند؛ اما از نتایج جهانی شدن سیاست آن است که عده‌یی از ابرقدرت‌ها به گونهٔ زیرکانه‌یی بر تمام اوضاع سیاسی جهان مسلط می‌باشندو خواسته‌های خود شان را از طریق اعمال نفوس برسازمان ملل، بر تمام کشورهای جهان تطبیق می‌نمایند.

فعالیت: نظر تان را در مورد بعد جهانی شدن به توافق اعضای گروه خود بیان کنید.

بُعد فرهنگی جهانی شدن: در بعد فرهنگ، نیز تأثیرات جهانی شدن فوق العاده بارز و چشمگیر است. در تاریخ انسان همیشه داد و ستد فرهنگی زیاد وجود داشته، مذاهب بزرگی؛ چون، دین مقدس اسلام، همواره بین‌المللی و جهانی بوده اند و به سوی تشکیل یک جامعهٔ جهانی واحد دعوت کرده اند.

آیا می‌دانید؛ «فراملی» کدام معنا را افاده می‌کند؟ آنچه که یک مسأله، به یک کشور خاص مربوط نمی‌شود، بلکه مربوط به بیش از یک ملت و یا کشور می‌شود که به نام فراملی یاد می‌گردد؛ اما آنچه امروز مطرح است به طور عملی، رواج و گسترش فرهنگ و ارزش‌های غربی به عنوان ارزش‌های جهانی مطرح است؛ چرا که انقلاب الکترونیک، رشد سریع وسایل ارتباطی، رسانه‌های جمعی، اقمار مصنوعی و انترنیت و نیز انکشاف سریع وسایل توریزم، امکان جهانی شدن فرهنگ‌ها را فراهم کرده است؛ امّا در این میان فرهنگ‌های خورد غیر غربی و سنتی در مقایسه با فرهنگ غربی امکانات بسیار اندکی دارند و همین امر آنان را در جنگی نا برابر قرار داده و سر نوشتی مبهم را پیش روی آنان گذاشته است.خلاصه در عرصه فرهنگی، نو آوری‌های تکنالوژیکی و ظهور رسانه‌های جهانی موجب شده تا مرزهای فرهنگی کشورها را طی نمایند. وسایل الکترونیک قادر است که مردمان سراسر جهان را به فرهنگ‌های مختلف جهان آشنا سازد. هم چنان در اثر جهانی شدن امکان آن می‌رود که خیلی از ملل جهانی دارایی‌های فرهنگی خود را از دست بدهند و در عوض غول فرهنگ غربی زنده‌گی شان را تغییرداده و به آن رنگ غربی بدهند.

فعالیت: به نظر شما، دیگر کدام موضوعات شامل بعد فرهنگی جهانی شدن می‌گردد؟ معلومات دهید.

بعُد اجتماعی جهانی شدن

افکار و نظریات جهانی، ما را قادر به درک این نکته ٍمی‌سازد که مشکلات یک جامعه، ممکن است در جوامع دیگر شدت بیشتر داشته باشد؛ مثلاً: فقر از جمله معضلات اجتماعی جهانی است که در اروپا و آمریکا دیده می‌شود، اما از دیدگاه جهانی شدن متوجه این نکته می‌شویم که این دشواری درکشورهای آمریکای لاتین ، آفریقا و آسیا بیشتر به چشم می‌خورد. مشکل اجتماعی زنان، مسألهٔ قومیت و نژاد پرستی مثال‌های دیگری استند که رنگ جهانی دارند و می‌توان به آن‌ها اشاره کرد. عناصر دیگری از جهانی شدن اجتماعی عبارت اند از گسترش سریع مهاجرت‌ها، صنعت، توریزم، جهانی شدن روش‌های زنده‌گی و مسایل مشترک جهانی.

مزایای جهانی شدن

به طور خلاصه می‌توان گفت که جهانی شدن دارای مزایای زیر می‌باشد:

بهم پیوستن افزایش فرآورده‌های اقتصادی، از بین رفتن موانع حرکت و آگاهی‌ها.

ضررهای جهانی شدن: ضررهای جهانی شدن عبارت‌اند از میان بردن امنیت شغلی در جهان؛ زیاد شدن شکاف عمیق میان فقیر و غنی در جهان. گسترش فایده، سود دولتی که منجر به مادی گرا شدن فرهنگ‌ها خواهد شد. و به ویژه دولت‌های قوی که دارای قدرت مادی هستند و در عرصه‌های نظامی، رسانه‌یی، تکنالوژی و اقتصادی دست بالا دارند، ملت‌های فقیر را هدف خواسته‌های خود می‌سازند، دارایی‌های ملت‌های ضعیف را به گونه‌های مختلف غصب می‌کنند، فرهنگ خود را بر دیگران تحمیل می‌نمایند و جهان را به میدان کشمکش سیاسی و نظامی‌مبدل می‌سازند.

فعالیت: نظر تان را در مورد دشواری‌های اجتماعی جهانی شدن در چند سطر بنگارید؟



مروری بر درس

•---

•---

•---

•---

•---



پاسخ دهید

۱- جهانی شدن را تعریف نمایید.

۲- در قرن بیستم کدام موضوعات شامل اقتصاد جهانی می‌شد؟

۳-کدام موضوعات باعث شکل‌گیری سیاسی نظام جهانی می‌شود؟

۴-کدام موضوعات امکان جهانی شدن فرهنگ‌ها را فراهم کرده است؟

۵- دشواری‌های اجتماعی جهانی شدن را صرف نام بگیرید.



کارخانه‌گی

نظر خود را در مورد جهانی شدن در چند سطر بنگارید.

خلاصۀ فصل سوم

• روابط بین‌المللی آن بخشی از علم سیاست است که به طور کلی مسایل سیاسی، حقوقی و فرهنگی را بررسی می‌کند.

•در روابط بین‌المللی همۀ جوامع برای پیشبرد سیاست خارجی خود از انواع وسایل استفاده می‌کنند. انواع وسایل و امکاناتی که دولت‌ها برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود به کار می‌گیرند می‌توان از اقتصاد، تبلیغات فرهنگ، نیروی نظامی‌و دیپلوماسی یاد کرد.

• همۀ تلاش‌های انسان‌ها این است که با هدف، مرفه و مسؤولانه زنده‌گی کنند و به همین جهت بخشی از فعالیت‌های انجام شده در هر نظام به تهیه وسایل لازم زنده‌گی اختصاص دارد که از آن به نام فعالیت‌های اقتصادی یاد می‌شود.

• درمحیط بین‌المللی هدف دولت‌ها تنها توجه به منافع ملی یا امنیت ملی نیست؛ بلکه اهداف دیگری را هم دنبال می‌کنند. مذاکرات دولت‌ها بیشتر به منظور همکاری، گسترش روابط تجارتی و مبادلۀ فرآورده‌ها، سرمایه گذاری و مبادلات فرهنگی صورت می‌گیرد.

• فرهنگ عبارت است از: مجموعه‌یی از دانش‌ها، عقاید، مهارت‌ها و فنونی که در بین افراد یک جامعۀ مشترک بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

• جهانی شدن به معنای جریان اجتماعی شدن است که از مدت‌ها پیش آغاز شده و رو به گسترش است و در آن مرزهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از روال این قید و بند آزاد می‌شوند.

فصل چهارم

حقوق بشر

در این فصل درس‌های زیر را می‌خوانید:

- **تاریخچهٔ حقوق بشر**
- **اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر**
- **کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان**

اهداف فصل

شما با خواندن این فصل به اهداف دانشی و مهارتی زیر دست می‌یابید:

- **با تاریخچهٔ حقوق بشر آشنا می‌شوید.**
- **با مواد اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر آشنا می‌شوید.**
- **تاریخ کمیسیون حقوق بشر افغانستان را می‌دانید.**
- **اهمیت حقوق بشر در زنده‌گی را بیان کرده می‌توانید.**
- **مواد مهم اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را توضیح کرده می‌توانید.**
- **وضعیت حقوق بشر در افغانستان را تحلیل کرده می‌توانید.**
- **حقوق اتباع و وظایف آن‌ها را مقایسه می‌توانید.**

تاریخچهٔ حقوق بشر

در فصل گذشته با اسباب روابط بین‌المللی، روابط اقتصادی، روابط سیاسی، روابط فرهنگی و جهانی شدن آشنا شدید. در این درس با تاریخچهٔ حقوق بشر آشنا می‌شوید.

مباحثه نمایید

• حقوق چیست؟

حقوق در لغت جمع حق بوده و معناهای متعدد دارد.

۱- حق به معنای مطابقت به واقعیت؛مانند: کلامش حق است، یعنی سخن‌اش راست است و با واقعیت مطابقت دارد.

۲- حق به معنای حصه؛مانند: این حق من است.

۳- حق به معنای ثبوت منفعت برای یک شخص؛مانند: پدر بر پسر حق دارد: یا مالک بر مال خود حق دارد. حال که معنای عمومی‌حق را دانستید لازم است که حقوق را بدانید، حقوق در اصطلاح حقوق‌دانان به دو معنا اطلاق می‌شود.

۱- حقوق، مجموعه‌یی قواعد الزامی‌و کلی است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زنده‌گی اجتماعی انسان، حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌گردد این مجموعه را قانون گویند. این اطلاق حقوق با قانون مترادف است؛ مانند: حقوق مدنی، حقوق جزا، حقوق تجارت و غیره.

۲- حق به معنای ثبوت منفعت برای شخصی که قانون از آن حمایت می‌کند؛ مانند: حق حیات که هر شخص حق دارد تا زنده بماند و قانون تجاوز بر حیات انسان را منع می‌کند. مثال‌های دیگر آن حق مالکیت، حق زوجیت و غیره. زمانی که کلمهٔ حقوق به صیغه جمع ذکر می‌شود، بیشتر مراد از آن قانون می‌باشد، زمانی که حق، به صیغه مفرد ذکر می‌گردد، مراد از آن منفعت ثابت برای یک یا چند شخص می‌باشد.

آیا می‌دانید حقوق به معنای ثبوت منفعت به چند قسم است؟

حقوق به اعتبار این‌که قیمت اقتصادی دارد و یا خیر؟ به سه گونه است: حقوق غیر مالی، حقوق مالی و حقوق ذهنی.

۱- **حقوق غیر مالی:** عبارت از امتیازاتی است که به افراد داده می‌شود، و به مال قیمت‌گذاری نمی‌شود. و به سه گونه اند:

اول: حقوق سیاسی: که به صفت تبعهٔ یک دولت برای اشخاص داده می‌شود؛ مانند حق دسترسی به وظایف دولتی، حق کاندیدا شدن و حق انتخاب.

دوم: حقوق فامیل: این حقوق از وجود خانواده به میان می‌آید؛ مانند: حقوق زن و شوهر بر یک دیگر، و حقوق پدر ان و اولاد.

سوم: حقوق شخصیت: این حقوق برای انسان بر اساس شخص بودن وی ثابت می‌شود و قانون آن را برای حفظ سلامت بدنی و معنوی انسان به میان آورده؛ مانند: حق زنده‌گی، آزادی و حفظ حرمت و شرف معنوی اشخاص.

۲- حقوق مالی: عبارت از ثروتی است که توسط پول اندازه‌گیری می‌شود و محل معاملات مالی میان افراد به حساب می‌رود، مثل: رابطهٔ اشخاص با اموال که آن را حقوق عینی گویند؛ یعنی رابطهٔ مالی قرض دهنده و کسی که بالایش دَین است، این را حقوق شخصی می‌نامند.

۳- حقوق ذهنی (مختلط): عبارت از امتیازی است که پهلوی مالی و غیر مالی هردو را دارا است، مانند: مؤلف یک کتاب، که حق افتخار تألیف به وی راجع می‌شود و این یک حق غیر مالی است و همچنان امتیاز نفع مالی که از چاپ کتاب به دست می‌آید، نیز از آن وی است و این یک حق مالی می‌باشد.

فعالیت: حقوق غیر مالی چند نوع است؟ بیان دارید.

آیا می‌دانید حقوق بشر چیست؟

حقوقی که انسان‌ها از بدو خلقت خود به خاطر انسان بودن شان مستحق آن استندحقوق بشر نامیده می‌شود. حقوق بشر شامل تمام حقوق، اعم از حقوق ذاتی که با تولد شدن به انسان داده می‌شود و هم حقوق کسبی که اجتماع برایشان قایل است، می‌باشد. به عبارت دیگر حقوق بشر را می‌توان به عنوان مجموعه‌یی از معیارهای اساسی تعریف کرد که بدون آن مردم قادر نخواهند بود تا به عنوان انسان زنده‌گی با کرامتی داشته باشند. برخی از ویژه‌گی‌های حقوق بشر عبارت‌اند از:

- حقوق بشر تحفهٔ الهی است؛
- حقوق بشر غیر قابل تقسیم است؛
- حقوق بشر جهانی است.

فعالیت: با گروه خود بحث نموده و مطالب‌های دیگری که شامل ویژه‌گی حقوق بشر می‌شود؟ فهرست کنید.

آیا می‌دانید حقوق بشر کدام مراحل را طی کرده است؟

حقوق بشر در روند تکامل تاریخی خود مراحل زیر را طی نموده است:

مرحلهٔ اول- قبل از سال ۱۷۸۹ م

این مرحله طویل ترین مرحله درزمینهٔ به دست آوردن حقوق بشر به حساب می‌رود و خصوصیت این مرحله تلاش به منظور به دست آوردن حقوق بشر می‌باشد.

مقام انسان، انسانیت و حقوق بشر، از دیربازمورد توجه و موضوع بحث بوده است. در آثار فلاسفه و اندیشمندان دوران باستان، در نوشته‌های دانشمندان اسلامیو بالاخره در کتاب‌های متأخرین در این باره بحث زیاد شده است. در رفتار و گفتار انبیا(ع) تأیید کرامات انسانی و آزادی‌ها و حقوق انسان‌ها و تاکید بر رعایت این حقوق و آزادی‌ها، مشهود است و آن‌هایی که به هر شکل و هر مقام، به این حقوق تعرض روا داشته اند، مورد اعتراض و سر زنش قرار گرفته اند، که این همه، نشان از اعتبار انسان و اهمیت حقوق وی دارد. تعالیم دین مبین اسلام بیشتر از هر دین بر رعایت حقوق انسان تأکید ورزیده است. اولین شعار پیامبر اسلام آن بود که بشر را از قید و بنده‌گی انسان‌ها آزاد گرداند و به پرستش خدای واحد و لاشریک برساند تا همهٔ مردم پس از مسلمان شدن در برابر قانون از حقوق یک‌سان برخوردار باشند و تمدن اسلامی‌هم با تمام وضوح این امتیاز را به اثبات رسانده است. حقوق بشر راه دشواری را در روند تکامل تاریخ طی نموده که به تدریج در اثر پیکار و فداکاری‌های مشترک بشریت روی زمین بر ضد ظلم و بیداد در جریان تاریخ پخته‌گی گرفت تا به این مرحله کنونی رسید. در دوران باستان فلاسفه ومتفکران قوانین را به وجود آوردند؛ مانند: قانون حمورابی پادشاه بابل (۲۱۲۳- ۲۰۸۰ ق م.)، قانون اساسی آتن (۵۰۷ م.)، منشور کورش پادشاه هخامنشی (قرن پنجم پیش از میلادی)، الواح دوازده‌گانهٔ روم (۴۵۱ ق م.)، اقدامات« ژوستی نین» امپراطور روم (قرن ششم قبل از میلاد)، در جهت احیا و اصلاح الواح دوازده‌گانه، قطعه نامه مگناکارتا

معروف به منشور کبیر انگلستان (۱۲۱۵ میلادی)، اعلامیه حقوق انگلستان (۸۶۶میلادی)، منشور آزادی‌ها (مصوب دادگاه عمومی‌ماسا چوست (۱۶۴۱ م.)، اعلامیه استقلال امریکا (۱۷۷۶ م.)، لایحهٔ حقوق ویرجینیا (۱۷۷۶ م) و موارد دیگر. از ابتدای تاریخ بشریت تا سال ۱۷۸۹ م. همهٔ تلاش‌ها در راستای کسب حقوق طبیعی و ذاتی بشر متمرکز بود تا بشر از حقوق و ارزش‌هایش مستفید گردد. طی این مرحله در مورد حقوق بشر سه نوع روابط مورد توجه قرار داشت: رابطهٔ انسان با انسان؛ رابطهٔ انسان با ماحول؛ رابطهٔ انسان با تولید.

فعالیت: افزون بر موضوع های یاد شده، دیگر کدام موضوع‌ها شامل قدامت تاریخی حقوق بشر می‌شود؟ در چند سطر تحریرنمایید ؟و نماینده یکی از گروه‌ها به شاگردان توضیح دهد.

مرحلهٔ دوم تدوین حقوق بشر (۱۷۸۹م.)

نماینده‌گان ملت فرانسه به تاریخ ۲۸ اگست ۱۷۸۹ م. در مجمع ملی در پاریس گرد هم آمدند و طی اعلامیهٔ رسمی، حقوق طبیعی و اساسی بشر را مورد تأیید قراردادند. آن‌ها تأکید کردند که بشر آزاد خلق شده است و باید آزاد زنده‌گی کند و از لحاظ حقوق با یک‌دیگر برابراند.

این اعلامیه دارای ۱۷ ماده می‌باشد که در متن تاریخ بشریت به حیث یک سند رسمیو تاریخی عرض وجود نمود.

این اعلامیه هدف همه جمعیت‌های سیاسی را حفظ حقوق طبیعی وجدا ناپذیر بشر خواند که عبارت‌اند از: آزادی ملکیت، امنیت و آزادی بیان در چوکات قانون.

مرحلهٔ سوم تبارز حقوق بشر (۱۰ دسمبر ۱۹۴۸ م.)

بعد از دو جنگ جهانی(۱۹۱۴م. – ۱۹۱۸م.)و (۱۹۳۹م. – ۱۹۴۵ م.)،کشورهای جهان به ویژه کشورهای شامل جنگ، خسارات مادی و معنوی زیادی را متحمل شدند. به ویژه جنگ دوم جهانی (۱۹۳۹م. ۱۹۴۵م.)، صرف نظر از سایر خسارات، اضافه از ۵۵ میلیون نفر تلفات ومیلیون‌ها نفر معلول ومعیوب داشت که تا اکنون تلافی آن به بسیاری از کشورها د شواری‌های زیادی را به وجود آورده است. در نتیجه به خاطر منافع آزمندانهٔ عده‌یی از کشورها، حق زنده‌گی میلیون‌ها انسان بی‌رحمانه گرفته شد.

سر انجام در دهم دسامبر ۱۹۴۸ م. در یک صدو هشتاد وسومین اجلاس مجمع عمومی‌ملل متحد در

قصر شایلو پاریس در مورد حقوق بشر اعلامیه جهانی را در ۳۰ ماده به تصویب رسانیدند که پاسخ منطقی بود به خواست میلیون‌ها انسان کرهٔ زمین. اعلامیه جهانی حقوق بشر با ۴۸ رأی موافق هیچ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید. کشورهغای هندو راس و یمن در این اجلاس حضور نداشتند. هشت کشور چون! اتحاد جماهیر شوری سابق اتحادیهٔ افریقای جنوبی، چکسوالیای سابق، عربستان سعودی، یوگوسلاویای سابق رای ممتنع دادند و آنها تأکید داشتند که با اعلامیه مخالفت نداریم؛ اما از بعضی مواد آن پشتیبانی نمی‌کنیم.

فعالیت: به همکاری اعضا گروه خود نام ۸ کشوری را که در تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر اشتراک داشتند، بنویسید.

مرحلهٔ چهارم استحکام حقوق بشر(۱۹٦٦م.)

به تعقیب اعلامیهٔ حقوق بشر، سه سند حقوق بشر دیگر نیز طی سال ۱۹۶۶ م. به تصویب می‌رسد. که مکمل اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به شمار می‌رود. این اسناد اساسی؛ عبارت‌اند از:

۱- کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶م؛

۲- پروتوکول اختیاری به ارتباط کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی مصوب ۱۹۶۶م؛

۳-کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶م.

قابل یادآوری است که به تعقیب این اسناد اساسی حقوق بشر بیش از ۲۰ میثاق و معاهده در رابطه با حقوق بشر به تصویب رسیده که برای دولت‌های تصویب کننده الزام آور می‌باشد.

مرحلهٔ پنجم معیار قرار گرفتن حقوق بشر(۱۹۹۲م.)

ویژه‌گی عمدهٔ این مرحله همانا تلاش به منظورجهانی شدن حقوق بشر می‌باشد. نیمهٔ دوم دهه هشتاد پایان جنگ سرد را نشان می‌دهد. ایدیولوژی‌هایی که حقوق بشر را هر کدام به زعم خویش زمزمه می‌نمودند، به گونه‌یی بی رنگ ساختند و زمینه را برای جهانی شدن حقوق بشر مساعد نمودند.

در این مرحله اتحاد شوروی (سابق) سقوط نمود و در داخل قلمرو اتحاد شوری (۱۵) کشور دیگر به وجود آمد، کشورهای تازه به آزادی رسیده، هر یک از آن‌ها در حدود قلمرو خویش اعلامیهٔ حقوق بشر را تأیید ورعایت نمودند.

به این اساس تلاش‌های جوامع بشری در راستای جهانی شدن حقوق بشر ادامه و تعمیم پیدا نمود و در حال حاضر معیار قرار گرفتن حقوق بشر یکی از خصوصیات دوران کنونی به شمار می‌رود.

جهانی شدن حقوق بشر روز تا روز وسعت پیدا نموده، این در حالی‌است که دولت‌های جهان حقوق و بنیادهای اساسی حقوق بشر را با پذیرش تعهدات دولت‌ها و عضویت دولت‌ها در سازمان‌ها و کنوانسیون‌ها که ضمانت اجرایی در قبال دارد، با درج در قوانین به خصوص قانون اساسی کشورها متعهد به کنوانسیون‌ها توسعه می‌دهند.

دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ م. در ویانا با شرکت ۱۷۱ کشور تدویر یافت که بیانگر این واقعیت بود، در حالی که در سال ۱۹۴۸م .تعداد دولت‌هایی که اعلامیۀ جهانی حقوق بشر را امضا نموده بودند از ۴۸ دولت بیشتر نبود.



مروری بر درس

- ---
- ---
- ---
- ---
- ---



پاسخ دهید

۱- سه معنای اعتباری حق را بنگارید.

۲-ویژه‌گی‌های حقوق بشر کدام‌ها اند؟ معلومات دهید.

۳- حقوق مالی چیست؟ با مثال واضح سازید.

۴- خصلت عمدۀ مرحلۀ پنجم حقوق بشر، را بنگارید.

۵ - مراحل دوم، سوم، چهارم و پنجم حقوق بشر به کدام نام‌ها یاد می‌شود؟



کارخانه‌گی

به همکاری اعضای گروه خود نام پنج میثاق و معاهده در رابطه به حقوق بشر را فهرست نموده ،یکی از نماینده‌های گروه به شاگردان بیان دارد.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر

طوری‌که در درس قبلی خواندید حقوق بشر پنج مرحله را دربرمی‌گیرد که عبارت‌اند از: مرحلهٔ اول قبل از سال ۱۷۸۹ م. مرحلهٔ دوم تدوین حقوق بشر، مرحلهٔ سوم تبارز حقوق بشر، مرحلهٔ چهارم استحکام حقوق بشر و مرحلهٔ پنجم معیار قرار گرفتن حقوق بشر. در این درس به اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر آشنا می‌شوید.

مباحثه نمایید

•اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به کدام تاریخ به امضا رسید؟ چند ماده دارد؟



همهٔ شما از طریق روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیون‌ها با اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر آشنایی دارید. پیش از این که در مورد اعلامیهٔ حقوق بشر معلومات ارائه گردد، بهتر است که معنای اعلامیه را بدانید.

سندی که در آن، دو یا چند کشور، طریقهٔ رفتار یا وحدت نظر و تشریک مساعی خود را در بارهٔ یک مسألهٔ ویژه به طور رسمی‌اعلام می کنند، اعلامیه گفته می‌شود؛ به طور مثال: اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، اعلامیهٔ حقوق بشر تبعهٔ فرانسه و غیره.

بشر، به سبب به دست آوردن حقوق حیاتی و انسانی خود مبارزات و پیکارهای سخت و بی‌شمار را در بخش‌های مختلف جهان انجام داده متحمل قربانی‌های زیادی در این راه گردیده تا حقوق بشر به شکل امروزی آن ارتقا و تکامل یافت و بالاخره در یکصد وهشتاد و سومین اجلاس مجمع عمومی‌ملل متحد در قصر شایلوی پاریس به تاریخ دهم دسامبر ۱۹۴۸م. به تصویب رسید.

مجمع ملل متحد از همه کشورها، نهادها، افراد و اشخاص خواست تا متن اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را سرمشق زنده‌گی خویش قرار داده، در راه تأمین حقوق مندرج آن بکوشد. این اعلامیه دارای یک مقدمه و سی ماده است. مقدمهٔ اعلامیه متضمن یک سلسله مفاهیم و نظریات بنیادی است که امضا کننده‌گان اعلامیه، اعتماد و اعتقاد راسخ خود را به آن اعلام داشته‌اند. مواد (۱ و ۲) اعلامیه

شامل چهار اصل اساسی یعنی آزادی ، برابری، عدم تعرض و برادری که در حقیقت، پایهٔ ایدیولوژیکی و روح اعلامیه را تشکیل می‌دهد، می‌باشد.

فعالیت: چطور حقوق بشر به شکل امروزی آن تکامل یافت؟ در مورد معلومات ارائه دارید.

آیا می‌دانید اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر چه اهمیتی دارد؟

•اهمیت اعلامیهٔ حقوق بشر در عمومی‌بودن و جهان‌شمول بودن آن است. حقوق و آزادی‌های مندرج در آن، نه تنها برای یک کشور یا یک گروه خاصی از مردم؛ بلکه برای تمام بشر و هر فرد انسان روی زمین تدوین شده است.

• اهمیت اساسی دیگر این اعلامیه، درج اصول آزادی و مساوات درآن می‌باشد که در راه استفاده از این حقوق، هیچ نوع استثنا و محدویتی را مجاز نمی‌شمارد و هر نوع تبعیض در راه استفاده از حقوق و آزادی مندرج در آن مردود است.

•اهمیت بارز این اعلامیه این است که در سال ۱۹۶۹ م. از طرف مجمع عمومی‌ملل متحد جنبهٔ عملی به خود گرفت و دولت‌ها مکلف گردیدند که این حقوق و آزادی‌ها را درج قوانین اساسی و عادی خود نموده و در عمل تطبیق و رعایت کنند.

فعالیت: دو ماده از حقوق بشر را که درج قانون اساسی ما گردیده با مشورهٔ اعضای گروه خود بنویسید.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، دارای کدام حقوق و آزادی‌ها است؟

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر دارای حقوق و آزادی‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که در زیر به طور فشرده ارائه می گردد.

•حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر؛ عبارت‌اند از: حق زنده گی، آزادی و امنیت شخصی، منع شکنجه، منع تحقیر، منع مجازات غیر انسانی، منع توقیف یا حبس غیر قانونی، منع برده گی، شناسایی شخصیت و حقوق انسان در همه جا، حق حمایت قانون و حق بهره مندی از رجوع به محاکم مستقل بی‌طرف، حق تابعیت، حق ازدواج، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی تشکیل انجمن‌ها و

آزادی تشکیل احزاب، شرکت در امور عمومی‌و حق شرکت در انتخابات دوره‌یی و غیره.

• حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیۀ جهانی حقوق بشر عبارت‌اند از: حق امنیت اجتماعی و بهره‌مندی از سطح زنده‌گی مناسب، بادرنظر داشت کرامت انسانی حق کار و حق انتخاب آزاد کار، حق مُزد مساوی در برابر کار مساوی و آزادی تشکیل اتحادیه، حق استراحت، فراغت، تفریح، حق رفاه و سلامتی، حق تعلیم و تربیه، حق شرکت در فعالیت‌های علمی‌و فرهنگی، حق حمایت از منافع مادی و معنوی آثار و فعالیت‌های فرهنگی.

❁ با همکاری همصنفان خودحقوق و آزادی‌های فرهنگی را از حقوق اقتصادی تفکیک نموده در چند سطر بنوسید.

با اعلامیۀ حقوق بشر کنفرانس اسلامی‌آشنا شوید

• اعلامیۀ حقوق بشر اسلامی‌به کدام تاریخ به تصویب رسید و شامل چند ماده است؟

اعلامیۀ حقوق بشر اسلامی‌به تاریخ ۱۴ محرم ۱۴۱۱ هـ.ق. برابربه ۵ اگست ۱۹۹۰ م، ۱۵ اسد ۱۳۶۹ هـ.ش. در اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره به تصویب رسید.

حقوق بشر اسلامی‌شامل ۲۵ ماده است. مفهوم حقوق بشر بر دو اصل مهم مبتنی است. کرامت انسانی افراد و عدالت. اسلام همواره بر این نکته تأکید می‌ورزد که خداوند جَلَّ جَلاَلُه تمام افراد انسانی را مورد فضل قرار داده و گرامی داشته است. قابل یادآوری است آن چه را که در غرب به عنوان حقوق بنیادی و اساسی بشر نام می‌برند در دین مقدس اسلام از همان ابتدای طلوع خود این حقوق را برای بشر به رسمیت شناخته و بر آن‌ها تأکید ورزیده است. از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

حق حیات از جمله حیات جنین؛ حق مالکیت و حمایت از اموال؛ حق کرامت و حمایت از کرامت انسانی؛ حق نیل به عدالت از طریق قانون؛ حق برخورداری از امنیت اقتصادی؛ حق برگزاری تشکیلات و اجتماعات؛ حق مشارکت سیاسی؛ حق مهاجرت و سکونت؛ حق برخورداری از دست‌مزد عادلانه (حق کار) و غیره.

فعالیت: با گروه خود بحث نموده اعلامیۀ جهانی حقوق بشر را با اعلامیۀ حقوق بشر اسلامی‌مقایسه نموده نتیجۀ آن را در چند سطربنوسید.



مروری بر درس

• ---

• ---

• ---

• ---

• ---



پاسخ دهید

۱- اعلامیه چیست؟ با چند مثال واضح سازید.

۲- راجع به اهمیت اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر چند سطر بنویسید.

۳- هفت حق سیاسی اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را بنگارید.

۴- کدام موضوعات شامل حقوق مدنی اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر می‌شود؟ بعضی از آن را تحریر دارید.

۵- حقوق بشر از نظر اسلام در کدام یک از تاریخ‌های زیر در قاهره توسط وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی‌به تصویب رسید؟

الف: ۱۴ محرم ۱۴۱۰ هـ. ق.

ب: ۱۴ محرم ۱۴۱۱ هـ. ق.

ج: ۱۳ شعبان ۱۴۱۳ هـ. ق.

د: ۱۵ سفر ۱۴۱۵ هـ. ق.



کارخانه‌گی

چند ماده از حقوق فرهنگی اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را که در قانون اساسی کشور درج گردیده است، فهرست نمایید؟

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

در درس گذشته خواندید که اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸م. در یک‌صد و هشتاد و سومین اجلاس مجمع عمومی‌ملل متحد در قصر شایلوی پاریس به امضا رسید. در این درس با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان آشنا می‌شوید.

مباحثه نمایید



•کدام عوامل باعث ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گردید؟

پیش از این که به عوامل ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بپردازیم لازم است، معنای کمیسیون را بدانیم.

مجموعهٔ افرادی که جهت تحقیق در بارهٔ طرحی یا مسأله‌یی تشکیل گردد یا هیأتی که برای رسیده گی به امری مأمور شده باشد، کمیسیون نامیده می‌شود؛مانند: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کمیسیون اصلاحات اداری....... و غیره.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به عنوان یک امر ضروری پیش از هر وقت دیگر برای جامعهٔ ما ضروری بود؛ زیرا عدم تأمین حقوق بشر و نقض‌های پیوستهٔ آن، مردم ما را بیشتر از هر زمانی متوجه اهمیت مسألهٔ حقوق بشر کرده بود. به ویژه ضررهای جنگ‌های دو دههٔ اخیر و نا امنی‌ها، روحیهٔ عمومی‌مردم را خدشه‌دار کرده، مردم ما قادر به دفاع از حقوق خویش نبوده و از حقوق فطری و طبیعی خود محروم بودند. چور وچپاول، زورگویی بر تمام شئوون زنده‌گی حاکم بود و تطبیق احکام قانون نا ممکن به نظر می‌رسید. بنابر عوامل یادشده و در اثر کوشش مردم ما و کمک و حمایت جامعهٔ بین‌المللی، با درنظر داشت اصولنامهٔ پاریس و قطعنامهٔ ۱۳۴ مورخ ۲۰ دسمبرسال ۱۹۹۳ م. اسامبلهٔ عمومی‌ملل متحد بر ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در موافقتنامهٔ «بن» طرح‌ریزی گردید. برابربه فرمان مورخ ۱۶ جوزای ۱۳۸۱ .هـ ش. این کمیسیون برای مدت دو سال به طور رسمی‌تاسیس شد که سپس این کمیسیون به عنوان یک ارگان ملی، مستقل و دایمی‌در مادهٔ ۵۸ قانون اساسی جدید افغانستان تسجیل گردید. این کمیسیون مرکب از ۹ عضو که شامل مرد و زن می‌باشد. برای مدت پنج سال از طرف رئیس جُمهور تعیین گردیده و در چوکات جُمهوری اسلامی‌افغانستان

طور مستقل فعالیت می‌نماید. در انجام فعالیت‌های خویش احکام قانون اساسی و سایر قوانین نافذه کشور را ملاک عمل خویش قرار می‌دهد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان دفاتر ساحه‌یی خود را در ولایات کابل، مزارشریف، هرات، بامیان، کندز، قندهار، گردیز، جلال آباد، بدخشان، فاریاب، دایکندی، غور و هلمند کشوده و فعال ساخته است.

فعالیت: دلایل ایجاد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را در چند سطر بنگارید.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به منظور تحقق کدام اهداف فعالیت می‌نماید؟

کمیسیون فوق به منظور تحقق اهداف زیر فعالیت می‌نماید:

نظارت بر رعایت حقوق بشر در کشور،تعمیم و حمایت از حقوق بشر، نظارت از وضعیت و چگونه‌گی دسترسی افراد به حقوق بشر و آزادی‌های انسانی، بررسی و تحقیق در مورد تخلفات و موارد نقض حقوق بشر، اتخاذ تدابیر به منظور بهبود و انکشاف وضعیت حقوق بشر.

کدام ارگان‌ها با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همکاری می‌نمایند؟

برای ارگان‌های عدلی و قضایی، وزارت‌ها، ادارات و مؤسسات دولتی و غیر دولتی و سایر اتباع کشور لازم است تا در تحقق اهداف کمیسیون حقوق بشر افغانستان همکاری و تساند نمایند، تا اهداف فوق برآورده گردد.

فعالیت: با گروه خود مباحثه نمایید، هرگاه ارگان‌های عدلی و قضایی با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همکاری نکند، آیا کمیسیون اهدافش را برآورده ساخته می‌تواند یا خیر؟

با بعضی از وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان آشنا شوید

۱- نظارت بر وضعیت حقوق بشر؛

۲- نظارت بر تطبیق احکام قانون اساسی و سایر قوانین، مقررات، لوایح و تعهدات در رابطه به حقوق بشر؛

۳- نظارت بر اجراآت و عملکردهای سیستم اداری، عدلی و قضایی، نهادها و نهادهای انتفاعی و غیر انتفاعی، ملی و بین‌المللی در کشور که بروضعیت حقوق بشر مؤثر باشد؛

۴- نظارت بر وضعیت و چگونه‌گی دسترسی افراد به حقوق و آزادی‌های بشری؛

۵- بازدید از محلات سلب آزادی و نظارت بر تطبیق قوانین مربوط به رفتار با محبوسین و محجوزین مطابق احکام قانون مربوط؛

۶- بررسی از تخلفات و موارد نقض حقوق بشری.

فعالیت: بر علاوهٔ موضوعات فوق، دیگر کدام مطالب شامل صلاحیت‌ها و وظایف کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌شود؟ در چند سطر تحریر دارید.

نقض حقوق بشر چیست؟

هر عملی که توسط یک فرد، جمعیت و یا مجری قانون منجر به نقض قوانین ملی و بین‌المللی حقوق بشر گردد، نقض حقوق بشری گفته می‌شود، خواه این عمل توسط مامور دولت حین اجرای وظیفه انجام یافته باشد و یا توسط سایر اشخاص حقوقی یا حقیقی، طور عمدی صورت گرفته باشد.

فعالیت

عمده‌ترین موارد نقض حقوق بشر کدام‌هااند؟

به صورت عموم موارد نقض حقوق بشر؛ عبارت‌اند از: سلب حیات، کشتار جمعی، حبس غیر قانونی، لت و کوب، تجاوز جنسی، سلب آزادی، غصب ملکیت، تبعیض نژادی، جنایات جنگی، ازدواج‌های اجباری، شکنجه، اختطاف افراد، آلوده ساختن محیط زیست، محاکمهٔ غیر عادلانه، جلوگیری از دفاع متهم در محاکم.

کسانی که حقوق آن‌ها بیشتر از دیگران نقض می گردد؛ عبارت‌انداز: اسیران جنگی، زندانیان، یتیمان، زنان بیوه، عودت کننده‌گان بی‌سرپناه، بیجا شده‌گان داخلی، معلولان، متقاعدان و اقلیت‌ها.

آیا می‌دانید کدام مشکلات و راه حل‌ها در مقابل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان قرار دارد؟

مشکلات و راه حل‌هایی که در فراراه کمیسیون مستقل حقوق بشر قرار دارد؛ عبارت‌اند از: عدم پابندی به دستورهای اسلام، جهل و بی‌سوادی؛ انحطاط اخلاقی؛ فساد گستردهٔاداری؛ تداوم فرهنگ خشونت؛ بی‌توجهی به سرمایه‌های فرهنگی و فکری اندیشمندان؛ معافیت و عدم احتساب و غیره.

به منظور تأمین بهتر حقوق بشر باید کارهای زیر انجام شود:

استفاده از نقش علما و دانشمندان جامعه در امر درک و تحلیل مسایل حقوق بشر؛ تدویر ورکشاپ‌ها در مورد معرفی بیشتر کمیسیون به مردم؛ تدویر ورکشاپ‌ها با نماینده‌گان ارگان‌های پولیس، امنیت ملی، څارنوالی‌ها، محاکم به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشری؛ تدویر ورکشاپ‌های آموزشی و حقوقی در مراکز تعلیمیو آموزشی؛ تقویه و تحکیم روابط کمیسیون با وزارت امور زنان به منظور تدویر ورکشاپ‌های آگاهی دهی از حقوق خویش.

فعالیت

نکات مثبت و منفی کار و فعالیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را در چند سطر بنگارید.



مروری بر درس

• --

• --

• --

• --

• --



پاسخ دهید

۱- کمیسیون را تعریف نمایید.

۲- اهداف کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را بنگارید.

۳- پنج صلاحیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را فهرست کنید.

۴- نقض حقوق بشر چیست؟

۵- به نظر شما، چه باید کرد تا از نقض حقوق بشر در کشور جلوگیری به‌عمل آید؟



کارخانه‌گی

چند مورد از نقض حقوق بشر را که از طریق رادیو شنیده اید، در چند سطر بنگارید.

خلاصهٔ فصل چهارم

- **حقوق جمع حق است، کلمهٔ حق در لغت به معنای درست، ثابت، سزاوار عدل، تصرف در چیزی، حلال، تسلط داشتن بر چیزی، بهره و سهم و یکی از نام های خداوند متعال است.**
- **حقوق بشر شامل تمام حقوق، اعم از حقوق فطری که با تولد شدن به انسان داده می‌شود و هم حقوق کسبی که اجتماع برای شان قایل است می‌باشد.**
- **اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در حقیقت چکیده و مکمل مجموعهٔ اعلامیه و تعالیم دینی، اخلاقی، عقاید و نظریاتی است که قرن‌ها قبل برای حفظ حقوق و تأمین سعادت بشر ایجاد گردیده است.**
- **اعلامیهٔ حقوق بشر کنفرانس اسلامی‌به تاریخ ۱۴ محرم ۱۴۱۱هـ. ق. مطابق ۱۵ اگست ۱۹۹۰ م. مطابق ۱۵ اسد ۱۳۶۹ هـ. ش. در اجلاس وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی‌در ۲۵ ماده در قاهره به تصویب رسید.**
- **کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مطابق فرمان مورخ ۱۶ جوزای ۱۳۸۱ هـ.ش. رئیس جمهور کشور ایجاد و به عنوان یک نهاد ملی در مادهٔ ۵۸ قانون اساسی جدید تسجیل گردید.**

فصل پنجم

دموکراسی

در این درس درس‌های زیر را می‌خوانید:

- **تعریف و ماهیت دموکراسی**
- **اهداف، اصول و لوازم دموکراسی**
- **دموکراسی در افغانستان**

اهداف فصل

شما با خوندان این فصل به اهداف دانشی و مهارتی زیر دست می‌یابید:

- **با تعریف و مفهوم دموکراسی آشنا می‌شوید.**
- **تاریخچهٔ دموکراسی را می‌دانید.**
- **باماهیت دموکراسی و اهداف آن در جهان آشنا می‌شوید.**
- **با ابعاد مردمی‌نظام کشور آشنا می‌شوید.**
- **دموکراسی را تعریف و تشریح کرده می‌توانید.**
- **تاریخچهٔ دموکراسی را توضیح کرده می‌توانید.**
- **ماهیت اهداف دموکراسی را فهرست کرده می‌توانید.**
- **نظام‌های مردمی را از نظام‌های غیر مردمی‌تشخیص کرده می‌توانید.**
- **ابعاد مردمی‌نظام سیاسی کشور را توضیح داده می‌توانید.**

تعریف و ماهیت دموکراسی

مباحثه نمایید



یکی از مهمترین جنبه‌های توسعه دولت‌های امروزی ارتباط آن‌ها با مردم است. شما کلمۀ دموکراسی را در کتاب‌ها و از طریق وسایل ارتباط جمعی خوانده و شنیده اید. آیا فکر کرده اید که معنای دموکراسی چیست؟ و در اصطلاح کدام معنا را افاده می کند؟ دموکراسی کدام سیر تاریخی را طی کرده است؟

الف: کلمۀ دموکراسی Democracy که در زبان دری مردم سالاری را در برابر آن نهاده‌اند، از لفظ یونانی Demokratia گرفته شده است. این لفظ یونانی خود ترکیبی است از Demos (مردم) و Kratein (حکومت کردن) و به این ترتیب دموکراسی از نظر لغت یعنی حکومت مردم به وسیلۀ مردم را می‌رساند.

ب: در اصطلاح، دموکراسی عبارت است از شیوۀ زنده‌گی که در آن به افراد حق داده می‌شود. برای مشارکت آزادانه، از فرصت‌های مساوی برخوردار باشند.

پس مردم یک کشور فرصت می‌ابند از طریق و راه دموکراسی درتصمیم‌های سیاسی به طور آزادانه مشارکت داشته و در پیش‌برد امور و نظارت بر حکومت ارادۀ شان را به کار گیرند

.

قدامت تاریخی دموکراسی

۱- نخستین دورهٔ به جود آمدن دموکراسی به قرن پنجم قبل از میلاد در یونان باستان بر می‌گردد. در آن‌جا مردم به جز زنان و برده‌گان در امر حکومت و وضع قوانین مشارکت مستقیم داشتند. دموکراسی یونان بر اساس سه اصل آزادی، برابری و اخذ تصمیم از طریق آرای بیشتر اتباع کشور استوار بود. این اصطلاح برای اولین بار در آتن و در زمان کلیستن به کار رفت، که وی به نام بنیان‌گذار دموکراسی شناخته شد.

فعالیت

دموکراسی یونان به کدام اصول استوار بوده؟ با اعضای گروه در بارهٔ آن بحث نمایید.

۲- ایجاد دموکراسی در روم: درروم تجربه دموکراسی در قالب حکومت جُمهوری ظاهرشد. بنابر نوشته‌های پولیب نویسندهٔ یونانی تاریخ روم، نظام جُمهوری آن کشور از سه عنصر شاهی (کنسول) اشرافی (سنا) و دموکراسی (مجالس مردم) فراهم آمده بود، بالاخره قدرت به دست سنا اشرافی افتاد، اعضای سنا تا پایان زنده‌گی از جانب مردم انتخاب می‌شدند و از اینرو، سنا خود منشأ مردمی‌داشت؛ اما عضویت در سنا محدود به شمار اندکی از خاندان‌های ثروتمند بود. سنا تا قرن اول ق. م. همچنان قدرت را در دست داشت، هرچند مجالس مردمی‌در این دوره نفوذ زیاد یافت و محاکم قضایی به عنوان نهاد های مدافع حقوق مردم تأسیس شدند.

سیر دموکراسی پس از قرن دوازده میلادی تاکنون

پس از سقوط جُمهوری روم تا مدت‌ها در هیچ کشوری نشانهٔ دموکراسی به نظر نمی‌خورد تا آن که در حدود قرن دوازدهم میلادی در شهرهای آزاد اروپا نوعی از دموکراسی برقرار شد. در کشورانگلستان اولین بذر دموکراسی افشانده شد. برای نخستین بار در سال ۱۲۱۵ م. در این کشور با توشیح منشور کبیر توسط« ژان» پادشاه این کشور اولین نشانه‌های

دموکراسی دیده شد و هم آن را اولین **قانون اساسی** اروپا و مبنای آزادی ملت انگلیس دانست که به تدریج کامل‌تر شد.

بعضی از نویسنده‌گان گونه‌های حکومت را در قرون وسطی وجدید از قرن یازدهم میلادی تا قرن هفدهم میلادی به عنوان زمینه و سابقهٔ اولیهٔ نهادهای مردمی‌ذکر کرده اند. به ویژه دولت شهرهای شمال ایتالیا، فلورانس و وینز، کانفدراسیون سویس و جُمهوری‌هالند. در این نظام‌ها اصل حاکمیت مردمی‌و نظام نماینده‌گی مردم در اشکال مختلف اجرا می‌شد. هر چند حکومت از بنیاد در دست اقلیتی از اشراف زمیندار و تجار بود. در قرن جدید جان لاک فیلسوف انگلیسی ۱۶۳۲ م.– ۱۷۰۴ م. مفهوم اندیشه آزادی را آغاز می‌کند. به موجب نظریه لاک، حکومت به سه قوه تقسیم می‌شود. پس از لاک در قرن هجدهم از یکسو «ژان ژاک روسو» (۱۷۱۲م. –۱۷۷۸ م.) و منتسکیو (۱۶۸۹م.– ۱۷۵۵ م.) دموکراسی خواهی با اندیشه آن‌ها وارد مرحلهٔ جدیدی می‌شود. به دنبال نظرات فلاسفه و متفکران آن عصر دگرگونی‌ها و انقلاب‌های امریکا (۱۷۷۶م.) و فرانسه(۱۷۷۹م.) موجب اشاعهٔ این افکار گردید. به گفتهٔ« اسمن» ریشه یعنی حاکمیت ملی، تفکیک قوا، حقوق فردی و قوانین مدرن را در استقرار دموکراسی عصر جدید پایه‌گذاری کرد. از سوی، دیگر، تحولات جامعه انگلیس که از قرن سیزدهم آغاز گردیده بود در طول چندین قرن به تدریج و از راه تجربه، گره مسایل گوناگون عصر جدید را می‌گشود. مفهوم آزادی‌های سیاسی، ایجاد پارلمان، نظام دو مجلسی، تجدید قدرت مطلقهٔ سلطنتی، ایجاد مسؤولیت وزیران در برابر نماینده‌گان مردم و استقرار حکومت و کابینه، از دست آوردهای این جامعه بود که با انقلاب ۱۶۸۸ م. در انگلستان تکمیل گردیده و با امضای قانون اساسی راه را به سوی دموکراسی هموار ساخت.

فعالیت: در قرن جدید کدام اصول در استقرار دموکراسی پایه‌گذاری گردید؟ معلومات دهید.



مروری بر درس

• --

• --

• --

• --



پاسخ دهید

۱- مفهوم دموکراسی را در اصطلاح روشن سازید.

۲- اولین بار کلمهٔ دموکراسی توسط چه کسی به کار گرفته شد؟

۳- تطور دموکراسی را در روم شرح دهید.

۴- عمده‌ترین متفکران دموکراسی کی‌ها استند؟

۵- عمده‌ترین شعارهای دموکراسی پس از انقلاب کبیر فرانسه چه بود؟



کارخانه‌گی

پیرامون پیش زمینه‌های دموکراسی یک مقاله بنویسید.

اهداف، اصول و لوازم دموکراسی



در درس گذشته به تعریف دموکراسی و پیشینۀ تاریخی آن آگاهی حاصل نمودید. در این درس با هدف‌ها و لوازم دموکراسی آشنا می‌شوید.

بحث نمایید

با آن که پیرامون تعریف و پایه‌های دموکراسی هم‌اندیشی کامل وجود ندارد، و آن سبب پیچیده‌گی‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی سیمای جوامع دموکرات شده و هر جامعه‌یی مطابق با جهان‌بینی و ایدیولوژی سیاسی خویش آن را تغییر داده است؛ بنابراین پرسش به میان می‌آید که اصول و هدف‌های دموکراسی کدام‌هااند؟

اهداف و اصول پایه‌های دموکراسی را در نکات ذیل به طور مختصر می‌توان بیان داشت.

الف: اهداف دموکراسی

دموکراسی برای برآوردن دو هدف عمده تلاش می‌ورزد:

۱- ایجاد دموکراسی سیاسی (حکومت مردم) و دموکراسی اجتماعی (حکومت برای مردم).

۲- آماده نمودن حقوق و آزادی‌ها برای مردم.

ب: اصول پایه‌های دموکراسی

عناصر و اصول پایه‌های دموکراسی را می‌توان در نکات زیر برشمرد:

۱- برابری در برابر قانون: به این مفهوم که همهٔ مردم در برابر تطبیق قانون با هم برابر اند و هیچ فردی از افراد دیگر در جامعه امتیاز خاصی ندارد.

۲- برابری در برابر قضا: به این مفهوم، که در میان افراد جامعه در مقابل قضا و محکمه و کیفرهای قضایی تفاوت وجود نداشته باشد.

۳- برابری در برخورداری‌ها و استفاده از فرصت‌ها: بایستی تمام اتباع کشور در استفاده از فرصت‌های مختلف زنده‌گی از قبیل اقتصاد،آموزش، به دست آوردن مناصب دولتی و غیره به طور مساویانه برخوردار باشند.

٤- برابری در مکلفیت‌های عمومی: از قبیل خدمت عسکری، پرداخت تکس، غرامت و غیره.

٥- آزادی: از قبیل آزادی گفتار، نوشتار، اجتماع، دادخواهی، کار، سرپناه، ملکیت، آموزش و تشکیل سازمان‌های اجتماعی و غیره.

٦- قبول عامه: مفهوم رضایت شهروندان در تبعیت از حکومت، از عناصر اساسی دموکراسی است. در نظام دموکراسی، هر حکومتی مشروعیت خود را از مقبولیت عامه به دست می‌آورد.

۷- مشارکت عمومی: مشارکت مردم در انتخاب نماینده‌گان شان جهت تصمیم‌گیری‌ها وجلوگیری از انحصاری شدن روند تصمیم سازی و چیره‌گی گروه و فکر خاص بر اوضاع.

۸- حاکمیت مردم (حاکمیت اکثریت): حاکمیت مردم از اصول اساسی دموکراسی است. در نظام دموکراسی حاکمیت مردم به معنای حاکمیت نصف به علاوهٔ یک می‌باشد.

۹- **تابعیت:** تبعه به کسی اطلاق می‌شود که در رابطه با یک دولت، درنظر گرفته می‌شود که از سویی برخوردار از حقوق مدنی است و از سوی دیگر مکلف به تکالیفی در برابر دولت است.

۱۰- **سیستم نماینده‌گی:** هیأت نماینده‌گان باید حق قانون‌گذاری، حق رأی در مورد مالیات‌ها، نظارت بر بودجه، حق استیضاح و پرسش از تصمیم‌های دولت را داشته باشد.

۱۱- **وجود شروط معینه‌یی**؛ مانند: موجودیت قانون اساسی مناسب، تفکیک قوا، نظارت قوا بر یک دیگر، انتخابات و شفافیت امور دولتی.

ج: شرایط و لوازم دموکراسی

برای تحقق دموکراسی، شخصیت دموکراتیک ضروری است، و آن عبارت است از:

۱- تجربه اندیشی و به کار بستن روش آزمون و خطا؛

۲- نگرش انتقادی به متولیان امور؛

۳- انعطاف پذیری؛

۴- واقعیت گرایی؛

۵- تحمل و برده باری؛

۶- رفق و مدارا؛

۷- اعتماد به قدرت جمعی؛

۸- آگاهی و مسؤولیت پذیری؛

۹- وجود مدنیت پیشرفته.

کشورهایی که خود را به تطبیق دموکراسی ملزم می‌دانند، باید اهداف، اصول پایه‌ها و شرایط ایجاد و گسترش فرهنگ دموکراتیک را به وجود آورند و در غیر آن با ادعاهای میان تهی نمی‌توانند شعار دموکراسی را در عمل پیاده نمایند. با وصف آن که بعضی از کشورهای غربی خود را مدافعین سرسخت دموکراسی معرفی می‌نمایند؛ ولی در عمل چنین نیست، بعضی از دولت‌های فرهنگ دموکراتیک را پا مال نموده‌اند. نمونهٔ آشکار

این دو رنگی، انتخابات دموکراتیک الجزایر و ترکیه در دهۀ نود قرن بیستم می‌باشد که توسط حکومت‌های دموکراتیک آن کشورها لغو اعلان گردیده و در نتیجۀ آن کشور الجزایر برای مدت بیشتر از ده سال به خاک و خون کشانده شد.



مروری بر درس

• ---

• ---

• ---

• ---

• ---



پاسخ دهید

۱- عدم توافق نظر در تعریف و پایه‌های دموکراسی چه نتایجی را به بار آورده است؟

۲- درنظام دموکراسی برای اتباع چه فرصت‌های باید درنظر گرفته شود؟

۳- قبول عامه چیست؟ و با مشارکت عمومی چه فرق دارد؟

۴- بعضی از ضرورت‌ها و شرایط دموکراسی را نام ببرید.

۵- کشورهای غربی در تطبیق دموکراسی چقدر صادق هستند؟ دلیل تان چیست؟



کارخانه‌گی

یکی از هدف‌های کلان دموکراسی را شرح نموده و دیدگاه اسلام را نیز بنویسید.

دموکراسی در افغانستان

در درس گذشته پیرامون اهداف، اصول پایه‌ها و ضرورت‌های دموکراسی اطلاعات نسبی‌یی فرا گرفتید. در این درس با دموکراسی در افغانستان و اسلام و دموکراسی آشنا می‌شوید.

مباحثه نمایید

افغانستان با شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منحصر به خود در جهت توسعه دموکراسی قرار دارد. در این جا پرسشی به میان می‌آید که ریشهٔ دموکراسی از چه زمانی در کشور ما وجود داشت؟

دموکراسی در کشور ما با تاریخ جرگه‌ها روابط نزدیک دارد که از عصر آریایی‌ها شروع می‌شود. اصل دموکراسی اظهار آزادانه سهم‌گیری مردم در اتخاذ تصامیم دولتی و عامه می‌باشد؛ مانند: جرگه‌های Sabha، Simathy. سب‌ها Sabha که در آن مسایل کوچک سیاسی بحث می‌شد و راه‌های حل آن واضح می‌شد؛ همچنان در مجلس سمتی Simathy که متشکل از ریسی‌ها (دانشمندان، نجبا و اعیان بود) مسایل مهم و حیاتی حل و فصل می‌گردید. در عصر کنشکای کبیر جرگه بزرگ مذهبی به رهبری پیشوای هفتم بودایان واسومیترهVasumitra عالم گندهاری تشکیل شد این جرگه مذهب قدیم هینه یانه Hina-Yana را مورد تعدیل و اصلاح قرار داد، که به مذهب جدید مهایانه Maha-yana تعدیل یافت. در تاریخ کشور نمونه‌های بارزی از جرگه‌ها را می‌توان یافت؛ مانند: جرگه‌های زمان میرویس خان، جرگه مزار شیر سرخ، لویه جرگه‌های امیر شیرعلی‌خان و عبدالرحمن‌خان و غیره که نقش تعیین کننده و مهمی‌را در قضایای سیاسی افغانستان داشته، موجودیت این جرگه‌ها به نوبهٔ خود مشارکت مردم را در مسایل سیاسی فراهم نموده است.

فعالیت: با مشورهٔ اعضای گروه خود اسم پنج جرگه کشور ما را بنگارید.

آیا می‌دانید که مردم ما، در کدام عصر به تمدن جدید و مشروطه خواهی گام برداشتند؟

در کشور ما در اواخر قرن نوزدهم در زمان امارت امیر شیرعلی خان‌گام‌هایی به سوی مدنیت معاصر برداشته شد، نظام دولتی تا حدی به گونه نظام مدرن درآمد. شکلی از کابینه در دستگاه سیاسی ایجاد شد، سیدنور محمدشاه به حیث صدراعظم و یا نخست وزیر قرار داشت، جریده شمس‌النهار به نشرات آغاز کرد. ایجادکابینه، تقسیم عرصه‌های کاری در میان وزیران، ایجاد مطبوعات و نظام مخابراتی و تاسیس چاپ خانه، خود زمینه‌های مساعدی را در جهت حرکت کشور به سوی یک نظام بهتر و مدنیت معاصر سبب گردید. این تحولات فرهنگی و اجتماعی در سال ۱۸۷۸ م. به وسیلهٔ تجاوز انگلیس‌ها خاموش گردید. در عصر امیر امان الله خان بنابر تغییراتی که در جهان و منطقه رخ داده بود، اجرای یک رشته برنامه‌های اجتماعی فرهنگی از قشر بالای

دولت روی دست گرفته شد که اجرای آن برنامه‌ها خود زمینهٔ اجتماعی رشد اندیشه‌های آزادی خواهی و مشروطیت و دموکراسی را در کشور فراهم کرد. از مهمترین کارهای فرهنگی و اجتماعی این دوره می‌توان از تأسیس مکتب حبیبیه، حربیه، نشر سراج‌الاخبار افغانستان و سراج‌الاخبار افغانیه نام برد. افکار و اندیشه‌های آزادی خواهانه سراج‌الاخبار نه تنها در افغانستان باقی نماند؛ بلکه در هند بریتانیایی، آسیای میانه و ایران نیز تأثیر گذار بود.

مشروطه‌خواهان، نخستین گروه سیاسی بودند، نهضتی را با مرام و اهداف مترقی آزادی خواهانه و استقلال طلبانه در افغانستان تأسیس نمودند. اصول فکری مشروطه خواهان اول عبارت بود از: اعتقاد راسخ به دین مبین اسلام، وحدت ملی، تعمیم معارف و تأسیس مطبوعات، ایجادشورای ملی (پارلمان) از راه انتخابات آزاد و همه‌گانی و تأمین عدالت اجتماعی.

مشروطه خواهان دوم دارای تشکل حزبی نبودند؛ اما نسبت به دورهٔ قبل از قدرت و امکانات بیشتر برخوردار بودند. عمده‌ترین دلیل آن عضویت عدهٔ از رجال دربار و اعضای خاندان سلطنتی به این نهضت بود که از جمله می‌توان از شهزاده امان الله خان یاد کرد. اهداف مشروطه خواهان دوم با مشروطه خواهان اول تفاوت چندانی نداشت.

این‌ها نیز در پی ایجاد حاکمیت قانون و تأسیس نظام شاهی مشروط بودند. بعد از قتل امیرحبیب‌الله در سال ۱۹۱۹ م. فرزندش شهزاده امان‌خان به سلطنت رسید. نخستین اقدام مهم و با اهمیت شاه امان الله خان در عرصه اصلاحات سیاسی و اجتماعی، اعلان استقلال کشور بود.

از جمله اصلاحات آن دوره می‌توان از توسعه روابط سیاسی کشور با دولت‌های خارجی، الغای برده گی، گشایش مکاتب پسران و دختران در سراسر کشور، تدوین و انفاذ قانون اساسی که به نام (نظامنامه اساسی دولت عالیه افغانستان) مسماشده بود و نشر سایر قوانین (نظام‌نامه‌ها) و سایر اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نام برد. پس از فروپاشی نظام شاه امان الله، افغانستان تا سال ۱۳۴۰ هـ. ش. در کورهٔ اختلافات و استبداد، آزادی را از دست داد و کشور در این دوران سیر قهقرایی می‌پیمود.

در مورد دههٔ دموکراسی در کشور چه می‌دانید؟

بعد از جنگ جهانی دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر از طرف سازمان ملل متحد به حیث سند مورد قبول اکثریت ملل جهان، به دولت‌های عضو اعلان شد. کشور ما با تأثیرپذیری از آن، از این اعلامیه متاثر گردید چنانچه در عهد سلطنت محمد ظاهر قانون اساسی ۱۳۴۳ هـ‌ش. توشیح گردید.

در این قانون انتخابات پارلمانی به رسیمت شناخته شد، صدارت از قبضه خاندان شاهی خارج گردیده و موقف اجتماعی زنان بهبود یافت.

به اساس احکام قانون اساسی قانون انتخابات وضع گردید و انتخابات پارلمانی راه اندازی شد. در قانون اساسی ۱۳۴۳ هـ. ش. معیارهای مردمی‌انتخابات پارلمانی سجل و مطابق به شرایط وقت، پارلمان منتخب تشکیل گردید.

در این دوره با رشد و گسترش روحیه دموکراسی در میان اقشار مختلف مردم، علاقه‌مندی و سهم‌گیری مردم در امور سیاسی و اجتماعی کشور بیشتر گردید و زمینه برای تشکیل احزاب سیاسی فراهم آمد. به اساس حکم ماده ۳۲ قانون اساسی، احزاب اجازه تشکیل یافتند. پس از به وجود آمدن احزاب سیاسی، نظام سلطنتی خود را در معرض خطردید. بنابراین در برابر فعالیت‌های احزاب سنگ اندازی می کرد، تا بالاخره سردار محمد داوود در سال ۱۳۵۲هـ. ش. کودتا نمود و رژیم شاهی را ملغا و جُمهوریت را اعلام داشت. در زمان قدرت محمد داوود نیز آزادی خفه کرده شد و دموکراسی یی وجود نداشت. پس از آن که رژیم محمد داوود توسط طرفداران حزب دموکراتیک خلق و پرچم بر انداخته شد، عملاً از دموکراسی و مبادی آن خبری نبود و با تجاوز قوای اتحاد شوروی بر کشور آتش جنگ بیشتر گرم گردید و دموکراسی و مبادی آن تا زمان به وجود آمدن جمهوری اسلامی‌افغانستان از کشور رخت بست.

فعالیت: در دورهٔ سلطنت محمد ظاهر کدام عوامل باعث علاقه‌مندی و سهم‌گیری بیشتر مردم در امور سیاسی و اجتماعی کشور گردید؟

آیا می‌دانید بعد از معاهده بن چه تحولات در قسمت دموکراسی در کشور ما رونما گردید؟

پس از آن که شماری از جریان‌های سیاسی افغانستان به تاریخ ۶ قوس ۱۳۸۰هـ.ش. جهت پیدا کردن راه‌های حل برای بحران کشور در شهر بن آلمان گردهم آمدند و توافقنامه ای را به امضا رساندند و لویه جرگهٔ اضطراری و حکومت انتقالی تشکیل شد و پس از آن، قانون اساسی کشور تصویب گردید و بر اساس آن بعضی اصول پایه‌های دموکراسی ایجاد و عملی گردید و مردم افغانستان به حقوق ذیل دست یافتند: حق انتخاب نمودن برای رهبری جامعه و پارلمان با رضایت خود؛ حق رای دادن به شکل آزاد، مخفی و همه‌گانی؛آزادی تشکیل انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی مطابق به قانون، فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی اجتماعی مطابق به قانون؛ اجازه نشر مطبوعات و رسانه‌های گروهی به تمام زبان‌های رایج در کشور؛ ممنوع ساختن هر نوع تبعیض و امتیاز در بین اتباع افغانستان؛ اتباع کشور برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز می‌توانند مطابق به قانون اجتماعات و مظاهرات نمایند و در تظاهرات و اجتماعات مشارکت کنند؛ مانند: که در گذشته تذکر یافت:

از دموکراسی، در میان ملت‌های مختلف، به فهم و تعبیرات گوناگون صورت می گیرد؛ اما، ما افغان‌ها به عنوان یک ملت مسلمان، در تمام امور خویش پیرو احکام دین مقدس اسلام استیم. پس با درنظرداشت این فهم، مراد ما از تمجید و یا تأیید دموکراسی در بعضی

از یادآوری‌ها اگر صورت گرفته باشد، آن است که مردم بتوانند در امور سیاسی، آزادانه سهیم گردند، نماینده‌گان و حاکمان خویش را بر اساس اصل شایسته‌گی و ایمان‌داری، انتخاب، مراقبت و برکنار نمایند و به آن‌ها در اموری صلاحیت عمل بدهند که اسلام انجام آن را به دوش ملت گذاشته است؛ البته این‌گونه تعبیر از دموکراسی، با مبادی اسلام منافاتی ندارد.

فعالیت: به نظر شما، علاوه به موضوعات فوق دیگر کدام کارها در تحکیم پایه‌های دموکراسی انجام یافته در چند سطر بنگارید؟

اسلام و دموکراسی

حالا این پرسش به میان می‌آید. مطرح است که دیدگاه اسلام در مورد رابطهٔ مردم با سرنوشت سیاسی شان چیست؟

اسلام، به حیث آخرین دین خدا (جَلَّ جَلاَلُه) و یک نظام کامل و همه جانبهٔ زنده‌گی، در مورد نظام سیاسی جامعه بر دو اصل عمده استوار است:

۱- حاکمیت مطلق و حق قانون‌گذاری از آن خدا است، برای هیچ فرد مسلمانی جواز ندارد که از فرایض و محرماتی که در شریعت اسلامی‌بیان گردیده، سرپیچی نماید همهٔ مردم اعم از اکثریت و اقلیت مکلف اند که از قوانین الهی پیروی نمایند.

موضوعات اجتهادی که بر بنیاد مصلحت استوار اند و نظر به تغییر حالات و زمانه‌ها تحول می‌پذیرند، کار قانون‌گذاری در آن، به امت واگذار شده و به مسلمانان وظیفه داده شده تا با مشورهٔ همدیگر و با رعایت احکام قطعی و اصول دین که به واسطهٔ قرآن و سنت توضیح گردیده‌اند، پیرامون آن تصمیم بگیرند.

۲- خلافت از آن مردم است، خداوند (جَلَّ جَلاَلُه) در قرآن و سنت قوم خاصی را برای اجرای امور سیاسی و پیشبرد قدرت سیاسی مسلمانان مکلف نکرده که به دیگران حرام بوده باشد؛ بلکه با اصدار هدایت «**وَ اَمرُهُم شوری بَینَهُم**» (الشوری: ۳۸) برآن‌ها الزام گردانیده که تمام امور خویش خصوصاً سیاسیٔ را با مشوره میان هم به پیش ببرند.

خداوند متعال، بشر را به عنوان خلیفه‌گان خویش در روی زمین به وجود آورده است تا زمین خدا را مطابق به خواست او تعالی آباد نمایند و در امور سیاسی بر ایشان لازم است تا با رعایت اصل شایسته‌گی و پرهیزگاری، نماینده‌گان سیاسی خود را انتخاب، مراقبت و در صورت لزوم سبک‌دوش سازند و اموری که به سرنوشت همهٔ مردم تعلق دارد، بایستی همهٔ آن‌ها در تصامیم و اجرای آن به گونهٔ معقول و ممکن شریک باشند.

فعالیت

با گروه خود در مورد رابط مردم با سرنوشت سیاسی شان از دیدگاه اسلام مشوره نموده نتیجه را نمایندهٔ یکی از گروه‌ها به شاگردان بیان دارد.

این اصول در زنده‌گی سیاسی پیامبر اسلام نمایان است. ابوهریره (رض) روایت می کند: من هیچ‌کسی را از رسول الله ﷺ مشوره کننده‌تر با یارانش ندیده‌ام.

و بعد از رحلت پیامبر اسلام، اصل مشوره و شریک ساختن مردم در امور سیاسی در زمانهٔ خلفای راشدین(حضرت ابوبکر (رض)، حضرت عمر (رض)، حضرت عثمان (رض)حضرت علی (ض)به روشی که آن حضرت ترسیم کرده بود، جریان پیدا کرد؛ ولی بعد از تبدیل شدن خلافت به پادشاهی، تاریخ اسلام از فراز و نشیبی در مورد حقوق سیاسی مردم بحث می‌کند و در اکثر اوقات امور سیاسی به عوض مشورت و گرفتن نظر مردم، بر اساس منافع خانواده‌گی و حفظ سیطرهٔ خاندان‌های شاهی حل و فصل می‌گردید.

آن چه امروز به نام ارزش‌های دموکراسی به شمار می‌رود؛ مانند: رعایت حقوق انسان، آزادهای، مشارکت سیاسی، احترام قانون و پابندی بدان، برابری و عدالت، حقوق اتباع، سیستم نماینده‌گی، تفکیک قوا و نظارت آن‌ها بر یکدیگر و نظارت بر امور اجرایی و استیضاح و پرسش از تصمیم‌های دولت و جز آن، در تعالیم اسلام به شکل واضح تر و عملی‌تر تبلور یافته است.

تمدن اسلامی‌در زمینه‌های مختلف زنده‌گی از جمله حکومت‌داری و نحوهٔ برخورد با مردم، چنان انسانی و عادلانه بوده که نظیر آن در تاریخ ممتد بشر دیده نشده است. حکومت‌های اسلامی‌در دوره‌های طلاش هیچ‌گاه با اقلیت‌های غیر مسلمان در داخل دولت اسلامی‌به عنوان افراد یا انسان‌های درجه دوم برخورد نکرده؛ بلکه به تمام اتباع خویش به یک نظر نگاه کرده و با همه برخورد یک سویه داشته است. دولت اسلامی‌خود را مکلف می‌داند که برای آن عده از اتباع خود که توان کار ندارند و قادر به کسب نیستند. اعاشه نماید و در برابر هر ظالمی‌می‌ایستد و حقوق مظلومین را به آن‌ها مسترد می‌نماید و با نفی تسلط بلا قید و شرط حاکمان، آزادی و کرامت انسان را اعلان می‌دارد. اسلام آزادی بیان را نه تنها از حقوق انسان می‌داند؛ بلکه آن را نشانهٔ دینداری و واجب دینی می‌خواند. رسول الله ﷺ می‌فرماید: **دین همه نصیحت و خیر خواهی است.**

با ان که میان تعالیم اسلام و ارزش‌های دموکراسی شباهت‌های عارضی ای هم‌چون نظام شورایی و آزادی‌ها، به چشم می‌خورد؛ ولی در جوهر و ماهیت از همدیگر فرق دارند؛ زیرا دولت اسلامی‌نظام ربانی است و دموکراسی نظام ساختهٔ عقل بشر.

فعالیت: در میان تعالیم سیاسی اسلام و ارزش‌های دموکراسی شباهت‌هایی وجود دارد؟ و آن در کدام عرصه‌ها می‌تواند بود؟ و در چه زمینه‌هایی راه هر دو از همدیگر جدا می‌شود؟



مروری بر درس

•---
•---
•---
•---



پاسخ دهید

۱- دموکراسی با جرگه‌های ملی ما چه مشابهت دارد؟
۲-گام‌های نخستین دموکراسی چگونه در افغانستان گذاشته شد؟
۳- اولین دورهٔ فعالیت‌های دموکراسی در افغانستان چه وقت به وجود آمد؟
۴- توافقنامهٔ بن در احیا و توسعهٔ دموکراسی چه نقش داشت؟
۵- عمده‌ترین مبانی دموکراسی که در قانون اساسی کشور بازتاب یافته چیست؟



کارخانه‌گی

در مورد مزایا و نواقص دموکراسی چند سطر بنوسید.

خلاصه فصل پنجم

• کلمهٔ دموکراسی از لفظ یونانی گرفته شده و ترکیبی است از مردم و حکومت کردن، به این ترتیب دموکراسی از نظر لغت یعنی حکومت مردم به وسیلهٔ مردم.

• دموکراسی دارای اهداف کلان، اصول پایه‌ها و شرایطی است که مفاهیم آن را روشن می‌سازد.

• دموکراسی برای برآوردن دو هدف عمده تلاش می‌ورزد:

۱- ایجاد دموکراسی سیاسی(حکومت مردم) و دموکراسی اجتماعی(حکومت برای مردم).

۲-آماده نمودن حقوق و آزادی‌ها برای مردم.

در تاریخ کشور نمونه های بارزی از جرگه ها را می توان یافت؛ مانند: جرگه های زمان میرویس خان، جرگه مزار شیرسرخ؛ لویه جرگه های امیر شیرعلی خان و عبدالرحمن خان و غیره.

• اسلام به حیث آخرین دین خدا (جَلَّ جَلالُه) و یک نظام کامل و همه جانبهٔ زنده‌گی در مورد نظام سیاسی جامعه بر دو اصل عمده استوار است:

۱- حاکمیت مطلق و حق قانون‌گذاری از آن خدا است.

۲- خلافت از آن مردم است.

فصل ششم

رسانه‌ها

در این فصل درس‌های زیر را می‌خوانید:

- **با افکار عمومی‌و رسانه‌ها آشنا شوید؛**
- **انواع رسانه‌ها**
- **رسانه‌ها و دموکراسی**
- **اخلاق رسانه ای**

اهداف فصل

شما با خوندان این فصل به اهداف دانشی و مهارتی زیر دست می‌یابید:

- با مفهوم رسانه‌های عمومی‌آشنا می‌شوید.
- افکار عمومی‌را می‌فهمید.
- با انواع رسانه‌های عمومی‌آشنا می‌شوید.
- ویژه‌گی‌های هر یک از رسانه‌ها رامی‌دانید.
- نقش رسانه‌های عمومی‌در ساختن افکار عمومی‌را می‌دانید.
- نقش رسانه‌ها را می‌دانید.
- با اخلاق رسانه‌یی آشنا می‌شوید.
- با اصول و حدود آزادی بیان آشنا می‌شوید.
- مفهوم رسانه‌های عمومی‌را تشریح کرده می‌توانید.
- اصطلاح افکار عمومی‌را توضیح داده می‌توانید.
- انواع رسانه‌های عموی را فهرست کرده می‌توانید.
- ویژه‌گی هر یک از رسانه‌های عمومی را بیان‌کرده می‌توانید.
- نقش رسانه‌ها را در شکل دادن افکار عمومی‌توضیح می‌دهید.
- نقش رسانه و دموکراسی را تشریح کرده می‌توانید.
- اخلاق رسانه‌یی را توضیح کرده می‌توانید.
- درباره اصول و حدود آزادی بیان را توضیح داده می‌توانید.

با افکار عمومی و رسانه‌ها آشنا شوید

در درس گذشته با دید اسلام در مورد دموکراسی آشنا شدید و نقدهایی که از جهات مختلف به آن صورت گرفت آگاهی حاصل نمودید، هم اکنون نقش رسانه‌ها را در توجیه افکار عمومی‌مورد بحث قرار می‌دهیم.



مباحثه نمایید

تاریخ جوامع را می‌توان به مثابهٔ تاریخ رسانه‌ها دانست. انسان‌ها در آغاز، طی هزاران سال از زبان شفاهی به عنوان مؤثر ترین و کارآمد ترین وسیلهٔ تبادل افکار، پیمان‌ها و برقراری روابط استفاده کرده اند.

در این بخش پرسش‌های به میان می‌آید که:

انسان‌ها ی اولیه چگونه پیام شان را به دیگران انتقال می‌دادند؟ با مرور زمان انسان‌ها از چه وسایلی برای انتقال پیام خود کار می‌گرفتند؟ امروز انسان‌ها، برای انتقال تجربه‌ها، احساسات و عقاید خود از چه امکانات و وسایلی استفاده می‌کنند؟ در صورتی که از این امکانات و وسایل استفاده نکنیم، آیا می‌توانیم نیازهای خود را به موقع مرفوع سازیم؟ در این حالت، جامعه به چه مشکلات روبه رو خواهد شد؟ پیش از این که در مورد رسانه‌ها آگاهی حاصل نمایید، لازم است با افکار عمومی‌آشنا شوید.

افکار عمومی‌چیست؟

مجموعه‌یی از تصمیم‌های عام افراد یک گروه در مورد یک موضوع خاص را افکار عمومی‌می‌گویند یا به عبارت دیگر: افکار عمومی‌مجموعهٔ عقاید افراد جامعه است، نسبت به موضوعی که افراد در باره آن موضوع، دارای علایق و منافع مشترک اند.

اهمیت روز افزون افکار عمومی‌در دنیای امروز به خصوص جامعه صنعتی، حاکمان را واداشت تا برای جلب همکاری پیش از پیش به نظریات، اعتقادات و تمایلات آن‌ها توجه نمایند و به منظور تأمین خواسته‌ها

و نیازهای گروهی وسایل گونا گون افکار عمومی‌را با خود هم‌آهنگ سازند.

فعالیت: چرا دولت‌های صنعتی به بررسی افکار عمومی‌نیاز دارند؟

آیا می‌دانید رسانه چیست؟

رسانه وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل زیر می‌باشد:

رسانهٔ برقی مانند: رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی و انترنیت.

رسانهٔ چاپی: مانند: روزنامه، جریده، (هفته نامه نشریه پانزده روزه) ..... و غیره.

اهمیت رسانه‌ها

ظهور و رشد رسانه‌ها به صورت جدی، باعث تغییر شیوه و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر شده است، علاوه بر این، امروز رسانه‌ها می‌تواند تازه‌ترین خبرها، تحولات و نوآوری‌های علمی‌و فنی وقایع و حادثات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ورزشی جهان را به مخاطبان خود انتقال دهد. رسانه‌ها به عنوان مهمترین عامل تبلیغات از یک سو و مهمترین عامل تأثیرگذار بر افکار عمومی‌از سوی دیگر، در جهان امروز از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. به طور کلی نقش و اهمیت رسانه‌ها در بسیاری از جوامع و کشورها در بهبود و اصلاح و تأمین قانونیت نهفته است.

رسانه‌ها و مردم در ادارهٔ جامعه چه تأثیر دارند؟

رسانه‌ها، مردم را در جریان امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار داده و با عوامل و نتایج آن آشنا می‌سازد. شما همه روزه شاهد بررسی، تجزیه و تحلیل حوادث، وقایع و رویدادها در کشور و جهان توسط رسانه‌ها استید. رسانه‌ها در موارد مختلف از طریق همه پرسی‌ها، مباحثات سیاسی، میزهای مدور، خبر داغ...... برنامه‌ها، کارکردهای دولت را نظارت می‌نمایند و نظرات اصلاحی و انتقادی خود را به آن‌ها انتقال می‌دهند و مسؤولان دولتی نظرات انتقادی و اصلاحی مردم و کارشناسان را می‌شنوند و در اصلاح کارهای شان از آن استفاده می‌نمایند.

رسانه‌ها مردم را به حقوق و وظایف شان آشنا می‌سازد، مردم به وظایف و مکلفیت‌های شان آگاه می‌گردند. در نتیجه احساس مسؤولیت می‌کنند و نتیجه این می‌شود که وظایف و مکلفیت‌های خود را قبول کرده آن را به موقع انجام می‌دهند.

آیا می‌دانید رسانه‌ها دارای کدام نقش‌ها و وظایف‌اند؟

۱-نقش تفریحی

رسانه‌ها به طور معمول با زمان فراغت انسان‌ها برخورد می‌نماید؛ بنابراین جزیی از کارکرد و وسایل ارتباطی صرفاً تفریح و سرگرمی‌و آموزش انسان‌ها است تا از آن‌ها موجوداتی توانا و خلاق برای کار و فعالیت به بار آید. این نحوه گذران اوقات فراغت هم جنبه اخلاقی دارد و هم جنبه فرهنگی.

۲-نقش خبری

رسانه‌ها پخش خبر و اطلاع را به عهده دارند، رسالت آنان در انتقال سریع بی‌طرفانه و آگاهی پخش اخبار و و قایع دنیای ما است. از همین رو است که رسانه‌ها، کوچک شدن کُرۀزمین و همسایه‌گی ساکنان آن را موجب شده‌اند و هیچ حادثه در عصر ارتباطات جمعی صرف به یک منطقه جغرافیایی محدود نمانده، بلکه به تمام جهان مربوط می‌شود؛ به طور مثال: یک افغان به شهادت می‌رسد مربوط به کشور افغانستان نمی‌شود؛ بلکه تمامی‌جهان از آن متأثر و ملول می‌گردد.

۳-نقش یک‌سان سازی

رسانه‌ها نزدیکی سلیقه‌ها، خواسته‌ها و توقعات تمامی ساکنان یک جامعه را باعث می‌شود و خروج جوامع از عصر محدوده‌ها را فراهم می‌سازد.

٤- آگاه‌سازی

هر چند اطلاع رسانی با آموزش و از طرفی به خبررسانی نزدیک است. لیکن، وظیفۀ خاص و متمایز رسانه‌ها باید نه تنها به انتقال خبر و اطلاع باشد؛ بلکه باید به تحلیل درست اخبار و تشریح و تفسیر آنان نیز بپردازند، تحلیل حوادث خبری و آگاه‌سازی انسان‌ها یکی از عللی است که موجب تغییر مفکور ه‌ها در انسان می‌گردد؛ بنابراین گفته می‌توانیم که وظیفه رسانه‌ها تنها پخش خبر نیست؛ بلکه باید به تحلیل و قایع، تشریح آنان و آگاه‌سازی انسان‌ها بپردازد.

فعالیت: به نظر شما آیا وظیفه رسانه صرف پخش خبر را احتوا می‌کندیا موضوعات دیگر را نیز در بردارد؟ در زمینه معلومات دهید.

احساس رابطهٔ اجتماعی

رسانه‌ها همچون پلی بین افراد جامعه عمل می‌کنند و آنان را از تعلق شان به یک کل (جامعه) آگاه می‌سازند. رسانه‌ها می‌توانند، مخاطبان خویش را به سوی کمال و رستگاری و یا ابتذال و ضلالت بکشانند، رسانه‌ها می‌توانند تنویر افکار و یا زهرپاشی ذهنی نمایند. نقش رسانه‌ها در تقویت روحیه وحدت ملی و اتفاق و همدلی مردم و همین طور در کاشتن تخم نفاق ملی به جای وفاق، نقش عمده را بازی می‌کند. رسانه‌ها هم عامل و هم نشان دهنده تعلق اجتماعی انسان‌ها است. به طور فشرده می‌توان گفت: فعالیت رسانه‌ها در جهان ابعاد وسیع و پیچیده کسب کرده و درک و تفکیک اثرات مثبت و منفی رسانه بسیار دشوار گردیده است.

مروری بر درس

- --
- --
- --
- --
- --

پاسخ دهید

۱- افکار عمومی چیست؟

۲- افکار عمومی چه اهمیت دارد؟

۳- رسانه را تعریف نمایید.

۴- رسانه‌ها، در جامعه چه تأثیر دارند؟

۵- چهار وظیفه رسانه‌ها را مختصراً بیان دارید.

کارخانه‌گی

نظر خود را در پنج سطر در مورد اهمیت رسانه‌ها بنگارید.

انواع رسانه‌ها

در درس گذشته آموختید که رسانه وسیلهٔ انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل زیر می‌باشد:

رسانهٔ برقی: رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی و انترنیت؛

رسانهٔ چاپی: روزنامه و جریده؛ در این درس به انواع رسانه‌ها آشنا می‌شوید.

مباحثه نمایید





مطبوعات چیست و در اجتماع چه تأثیر دارد؟

اصطلاح مطبوعات به دو معنا آمده است: خاص و عام. مطبوعات به معنای خاص و اصطلاحی آن معمولاً به نشرات دوره‌یی از قبیل: روزنامه‌ها، مجلات اطلاق می‌شود؛ ولی مطبوعات به معنای عام آن علاوه بر مطبوعات دوره‌یی شامل کتاب، اعلان، فلم و نمایشنامه (سینماو تیاتر) نیز می‌باشد.

مطبوعات، مظهر تمدن و نشانهٔ رشد و بیداری یک ملت است، میزان توسعه و رشد مطبوعات هر ملتی بیانگر میزان رشد و آگاهی او می‌باشد، در باره هر ملتی از روی مطبوعاتی که دارد می‌توان قضاوت کرد.

مطبوعات یکی از وسایل مؤثر نظارت بر امور عمومی‌و دولت، در حکم چشم و گوش ملت محسوب می‌شود. به هیچ کس پوشیده نیست که امروز مطبوعات در زنده گی اجتماعی و سیاسی یک کشورنقش مهمی‌را ایفا می‌کند. از لحاظ اهمیتی که مطبوعات در روشن کردن افکار و عقاید و هدایت آن‌ها دارد، دولت و هیأت حاکمه هیچ کشوری، نمی‌تواند از نظارت در این امر مهم چشم بپوشد.

فعالیت: در مورد اهمیت مطبوعات با اعضای گروه مشوره نموده در زمینه معلومات ارائه دارید.

روزنامه چیست؟

روزنامه، نشریه‌یی را گویند که اساساً هر روز نشرمی‌شود و به صورت پیگیر اطلاعات تازه عمومی‌را پیرامون وقایع مهم روز در تمام ساحات زنده‌گی اجتماعی، داخلی و خارجی برای خواننده‌گان خود نشر می‌کند، روز نامه قدیم‌ترین سازمان ژورنالیستیک می‌باشد و حتا امروز به حیث مهمترین وسیلۀ پخش و نشر اطلاع در جوامع انسانی به کار می‌رود و از لحاظ مفاد همه‌گانی و فعالیت پیگیر و همه جانبه خود بی‌ماندمی‌باشد.

روز نامه‌ها اطلاعاتی را در بارۀ امور جاری، سرگرمی‌و آگهی در یک جا ارائه می‌کردند. در نخستین سال‌های قرن بیستم روزنامه‌های شهری یا منطقه‌یی پدیدار گردید. دو نمونه از نخستین روزنامه‌های معتبر در قرن بیستم نیویارک تایمز و تایمز لندن بودند که بیشتر روزنامه‌های متنفذ در کشورهای دیگر این دو روزنامه را به عنوان سرمشق خود انتخاب کردند.

فعالیت

ده روزنامه کشور را فهرست نموده یکی از اعضای گروه‌ها به شاگردان بیان دارد.

رادیو چیست و از آن برای کدام مقاصد استفاده به عمل می‌آید؟

رادیو، یکی از وسایل تخنیکی شنیدنی است که در خانه و خانواده‌ها راه دارد و مورد استفاده همۀ مردم قرارمی‌گیرد رادیو از وسایل ارتباطی‌یی است که می‌توان آن را عمدتاً رسانه ارتباطی یک جانبه نامید.

رادیو به عنوان رسانه آگاهی و خبری، در موارد زیاد تاثیرات قابل ملاحظۀ برجاگذاشته در مقایسه با سینما و وسایل ارتباطی تحریری نه تنها میدان عمل و سیعی در اختیار دارد و می‌تواند به گسترده‌گی افکار و اذهان تاثیر بگذارد؛ بلکه گذشته از وسعت میدان عمل می‌تواند باسرعت شکفت‌انگیزی این کار را انجام دهد. از طریق رادیو پخش برنامه‌های تعلیمی‌و تربیتی در همه کشورهای جهان معمول و مروج است. در تشکیل وزارت معارف ریاستی به نام رادیو تلویزیون تعلیمی‌وتربیتی وجود دارد که وظیفۀ آن پخش و نشر پروگرام‌های تعلیمی‌و تربیتی بوده در تقویت سطح دانش علمی‌و مسلکی معلمان و شاگردان با ارزش و سودمند می‌باشد.

فعالیت

با گروه خود بحث نموده، نام ده رادیوی کشور را تحریر دارید.

تلویزیون چیست؟

تلویزیون یکی از رسانه‌های شنیدنی و دیدنی است که تأثیر فزایندهٔ آن از مهم‌ترین تحولات در وسایل ارتباط جمعی درچهل سال اخیر به شمار می‌رود. امروز تلویزیون بخش جدا ناپذیر از زنده‌گی خانواده‌ها را تشکیل می‌دهد. تلویزیون به فراهم ساختن چارچوب‌های تجربه، نگرش‌های کلی فرهنگی که در بین افراد در جوامع امروزی اطلاعات را تفسیر کرده و سازمان می‌دهد، کمک می کند. تلویزیون در گسترش اشکال غیر مستقیم ارتباط در عصر حاضر به اندازهٔ کتاب و مجلات و روزنامه‌ها مهم است.تلویزیون شیوه‌هایی را که افراد زنده‌گی اجتماعی را تفسیر کرده و نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند، قالب‌ریزی می کند.

انترنت چیست؟

همه شما، در طی روز چندین مرتبه کلمهٔ انترنت را از طریق رسانه‌های جمعی نظیر روزنامه، رادیو و تلویزیون شنیده باشید؛ ولی ممکن است تا هنوز همهٔ‌تان تصور دقیقی از ماهیت انترنت و کار کرد آن را در دنیای امروز نداشته باشید.

انترنت یک شبکهٔ گستردهٔ جهانی با قدامت ۲۵ ساله است که در پنج سال اخیر گسترش زیادی پیدا کرده است. انترنت مجموعه‌یی از هزاران شبکهٔ گسترده کوچک و بزرگ در سراسر جهان است که شرکت‌ها، سازمان‌ها، مراکز علمی و تجارتی و استفاده کننده‌گان (آن‌هاکه باعث پیشرفت کار می‌شوند) اشخاص را به هم مرتبط می کند. انترنت نیز نظیر سایر پدیده‌ها، دارای منافع بی‌شمار می‌باشد. انترنت ارزان‌ترین وسیلهٔ ارتباط افراد با یکدیگر و همچنین آسان‌ترین طریقه دسترسی به آخرین اطلاعات در سراسر جهان می‌باشد و از طریق انترنت هرنوع اطلاعاتی اعم از متن، تصویر، صوت، و فلم قابل انتقال است. پوهنتون‌ها، مراکز تحقیقاتی کوچک و بزرگ دنیا به این شبکه متصل استند و گنجینهٔ علمی‌خویش را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. استادان و دانشمندان، آخرین دستاوردها و اختراعات خود را در معرض استفادهٔ

عموم قرار داده و افراد ناشناسی از آن استفاده می‌نمایند. استفاده از امکانات جدید، دانشمندان و صاحب‌نظران می‌توانند بدون مسافرت، در انترنت، گردهمایی از راه دور بر پاکنند، با یکدیگر مشورت کنند. اکنون بسیاری از امور تجارتی و خرید و فروش با استفاده از امکانات انترنت انجام می‌شود. امکانات انترنتی در افغانستان در سال ۱۳۸۱ هـ. ش. مهیا شده که در ۳۴ ولایت کشور و یک تعداد از ولسوالی‌ها حال امکانات دسترسی به آن وجود دارد.

شبکۀ کیبلی چیست؟

شبکۀ کیبلی از جمله رسانه‌های همه‌گانی سمعی و بصری است که برنامه‌های گوناگون تربیتی، فرهنگی و تفریحی ملی و بین‌المللی را برای مشترکین عرضه می‌کند.

مروری بر درس

- ---
- ---
- ---
- ---
- ---

پاسخ دهید

۱- مطبوعات چه تاثیری بر جامعه دارد؟

۲- محتویات روزنامه‌ها را کدام مطالب تشکیل می‌دهد؟

۳- رادیو و تلویزیون چه تأثیری بر افکار مردم دارند؟

۴- منافع انترنت را بیان کنید.

۵- شبکه کیبلی دارای کدام برنامه‌ها می‌باشد؟

کارخانه‌گی

رادیو را با تلویزیون مقایسه کنید.

رسانه‌ها و دموکراسی

در درس گذشته پیرامون انواع رسانه‌ها معلومات حاصل نمودید. در این درس ارتباط میان رسانه‌ها و دموکراسی را می‌آموزید.



بحث نمایید

رسانه‌ها جزیی از نهاد جامعه مدنی است. عده‌یی از علمای جامعه‌شناسی آن را رکن چهارم دولت می‌دانند. از رسانه‌ها در نظام‌های مختلف سیاسی، استفاده‌های متفاوتی صورت می گیرد: طور مثال: در نظام‌های دموکرات مردم جامعه نیز از آن به نفع خود استفاده می‌نمایند. در حالی که در نظام‌های استبدادی تحت کنترول قطعی دولت بوده و بیشتر به نفع آن‌ها کار می‌نماید. در این بخش پرسشی به میان می آید که:

آزادی رسانه‌ها در رژیم‌های دموکرات چه اهمیت دارد؟

آزادی رسانه‌ها لازمه آزادی فکر و بیان بوده، مهم‌ترین رکن دموکراسی به شمار می‌رود. آزادی رسانه‌ها در نظام مردمی، مظهر تمدن یک ملت و نشانهٔ رشد و بیداری آن است.آزادی رسانه‌ها یکی از وسایل مؤثر نظارت بر امور دولت، و ملت به شمار می‌رود. رسانه‌ها را می‌توان پایه و اساس مردم‌سالاری دانست و احترام زیادی به آن قایل شد؛ زیرا بدون دستیابی به اطلاعات و اخبار صحیح، قضاوت در باره امور و تصمیم گیری‌های عمومی‌و سیاسی امکان پذیر نمی‌باشد.

اهمیت رسانه‌ها

رسانه‌ها برای دولت مردمی‌نیروی بی‌نظیر است که دولت را قادر می‌سازد تا تماس را با مردم حفظ و انتقادها و پیشنهادها را برای بهبود امور عرضه دارند.

رسانه‌ها نه تنها شکایت‌های عمومی‌را تحلیل و تجزیه نموده؛ بلکه سعی و تلاش می‌نماید، تا احساسات و نظریه‌های مردم را آن طوری که است انعکاس دهند. به تجربه ثابت گردیده وقتی دریک کشور انتقاد وجود نداشته باشد، خطر، ظلم، بی‌عدالتی و تجاوز در جامعه بیشتر می‌باشد و ماموران دولت بدون ترس از اعتراض ومؤاخذه، از قدرت خود سوء استفاده می کنند، وقتی رسانه‌ها هست، انتقاد نیز وجود دارد، ماموران دولت و یا هر شخص دیگر از آن می‌ترسند و به حال مردم توجه می‌نمایند. این امر در نظام‌های مردمی‌برآورده می‌شود.

در کشورهای دارای نظام دموکراسی هر فرد حق دارد که از آزادی رسانه‌ها مستفید گردد. عقاید و نظرات خود را در مورد جامعه، دولت و سیاست و سایر امور به شکل کتاب، مقاله یا بیان شفاهی از طریق روزنامه‌ها مجلات و رادیو و وسایل اطلاعات جمعی به نشر رساند. دولت حق ندارد بر مکاتیب نشر شده یا قابل نشر شخص سانسور وضع نماید؛ مگر این‌که مخالف قانون اساسی کشور، قانون رسانه‌ها، توهین به عقاید و مقدسات دینی ... و غیره باشد.

فعالیت: با اعضای گروه خود در مورد اهمیت رسانه‌ها در نظام دموکراتیک بحث نموده خلاصۀ آن را به دیگران بیان کنید.

رسانه‌ها وانتخابات

نقش رسانه‌ها در نظام مردم‌سالاری در انتخابات برازنده است. یکی از وظایف رسانه‌ها دادن آگاهی‌های لازم جهت سهیم شدن مردم درانتخابات است، رسانه‌ها می‌توانند مردم خاموش جامعه را در جهت انتخاب کردن و انتخاب شدن سالم سوق دهند. انتخابات یکی از مصادیق سهم‌گیری سیاسی مردم در پروسۀ سیاسی است. مشارکت سیاسی نتیجه بازدهی است که بر مبنای دسترسی آزاد افراد و گروه‌ها در حوزه‌های رأی‌گیری صورت می‌گیرد. رسانه‌ها معلومات کافی را در باره کاندیدا، احزاب، پالیسی‌های آن‌ها و چگونه‌گی پروسه انتخابات فراهم می‌سازد و زمینه رأی دادن آگاهانه را برای رأی دهنده‌گان مهیا می‌سازد. رسانه‌ها معلومات کامل و دقیق را برای رأی دهنده‌گان آماده می‌نماید. هم چنان کاندیدا و احزاب مستحق آن از رسانه‌ها برای رساندن پیام



خود به مردم استفاده می‌کنند. رسانه در ترغیب مردم برای حضور حد اکثر به پای صندوق‌های رأی تلاش می‌کنند و با ارائه تحلیل‌های درست و بی‌طرفانه، برای تصمیم‌گیری صحیح مردم در جهت ارزیابی اصلاح نماینده‌گان کمک می‌کند. رسانه‌ها تمام جریان انتخابات و پیام سیاست مداران را ارزیابی و بررسی می‌نمایند. این موشکافی رسانه‌ها می‌تواند حراست کننده خوبی در برابر ملاحظات و فساد احتمالی در مدیریت انتخابات باشد. درنظام‌های استبدادی اصلاً رسانه‌های آزاد وجود ندارد. اگر رسانه‌یی باشد، تابع سیاست دولت استند و آنچه را که دولت دیکته می‌نماید رسانه‌ها نشر می‌نمایند و آزادی ندارند. خلاصه، رسانه‌ها در تعمیم و پخش دموکراسی و آزادی‌های مردمی‌انتخابات ریاست جُمهوری، پارلمانی، طرح توسعه دولت‌ها رویدادهای سیاست، نقش کلیدی ایفا می‌کند.

فعالیت: نقش رسانه‌ها را در انتخابات و شناسایی کاندیدا به همکاری اعضای گروه خود تحریر و به همصنفان تان بیان دارید.



مروری بر درس

• ---

• ---

• ---



پاسخ دهید

۱- چرا رسانه‌ها چشم گوش ملت استند؟

۲- در کشورهایی که آزادی رسانه‌ها وجود نداشته باشد، مردم آن در چه حالت قرار میداشته باشند؟

۳- رسانه‌ها در رژیم‌های دموکراسی و استبدادی از هم چه فرق دارند؟

۴- رسانه‌ها در کدام موضوعات نقش کلیدی دارند؟ بیان دارید.

۵- خلاصهٔ کارکرد رسانه‌ها را در رژیم دموکراسی بیان دارید.



کار خانه‌گی

در مورد نقش رسانه‌ها در رژیم دموکراسی چند سطر بنگارید.

آزادی بیان و اخلاق رسانه‌یی

در درس گذشته در مورد رسانه‌ها و مردم‌سالاری آگاهی حاصل نمودید و آموختیدکه رسانه‌ها مظهر تمدن یک ملت و نشانهٔ رشد و بیداری آن است. اندازهٔ رشد و توسعه رسانه‌های هر ملتی بیانگر اندازهٔ رشد و آگاهی آن می‌باشد؛ همچنان آموختید که آزادی رسانه‌ها در صورت موجودیت نظام مردمی‌امکان پذیر می‌باشد. در این درس در مورد آزادی بیان و اخلاق رسانه‌یی آشنا می‌شوید.

مباحثه نمایید

آزادی بیان با حفظ اخلاق رسانه‌یی در پیشرفت و بیداری جوامع بشری نقش بس مهم دارد.
به نظر شما:آزادی بیان تحت چی نوع شرایطی در یک جامعه عملی شده می‌تواند؟

آزادی بیان، یکی دیگر از انواع آزادی است که از اهمیت زیادی برخوردار است. آزادی بیان امروز از ضروریات زنده گی اجتماعی شمرده می‌شود و عبارت از آزادی افراد در بیان نظرات و ایراد نطق و خطابه، بدون ترس و واهمه از دخالت دولت می‌باشد. آزادی بیان یکی از حقوق و آزادی‌های فکری است. یعنی افرادی که در اجتماع زنده گی می کنند باید آن طور که می‌اندیشند بتوانند بیان کنند و یا از طریق کتاب و مطبوعات به دیگران منتقل سازند و آن‌ها را در جریان افکار و اطلاعات خود قرار دهند. بعضی علما و متفکران آزادی بیان را نقطهٔ اوج تمام آزادی‌های مدنی به شمار می‌آورند. منظور از آزادی بیان آن است که هر تبعه، حق اظهار نظر دارد و نیز حق دارد نظرات خود را مانند: دیگران به گوش مردم برساند. برای این منظور افراد حق جستجو و دستیابی به همه انواع اطلاعات و اندیشه‌ها ازطریق همهٔ رسانه‌ها را دارند. آزادی بیان منافع زیادی برای جامعه دارد. سلب آزادی بیان باعث کندی و رکود تکامل پیشرفت جامعه می گردد.

فعالیت: منظور از آزادی بیان چیست؟ با اعضای گروه خود بحث نموده، نتیجه را به دیگران بیان دارید.

آزادی بیان تا چه حد مجاز است؟

آزادی بیان به این مفهوم نیست که هر کس هر چه می‌خواهد درجامعه مطرح کند، بدون در نظرداشت این‌که به حال جامعه مفید یا مضر و یا سبب گمراهی و فساد اخلاقی، فتنه و آشوب شود؛ بلکه آزادی بیان تا حدودی جایز است که اعمال وی باعث زیان دیگران نشود. کرامت انسانی حقوق دیگران و عفت کلام را رعایت نماید.

مهمترین حدود آزادی بیان به ترتیب عبارت است از:

- آزادی بیان نباید به هیچ عنوان در برابر مقدسات دینی، مصالح و منافع ملی کشور قرارگیرد؛
- آزادی بیان نباید موجب بی‌اهمیت شدن قانون و ارزش‌های مورد قبول جامعه گردد؛
- آزادی بیان نباید موجب عقده‌گشایی و بهانه‌یی برای توهین و اهانت بدون موجب و دلیل نسبت به افراد حقیقی یا نهادهای حقوقی گردد؛

آزادی مطبوعات و اخلاق رسانه‌یی: به موجب این اصل افراد، حق نشر افکار خود را از طریق نوشته‌ها یا مطبوعات دارا می‌باشند، بدون این که نشر آن‌ها موکول به تحصیل اجازه یا محکوم به سانسور باشد. آزادی مطبوعات، شامل تأسیس مطبعه و نشر اعلان و فروش نشریه‌ها به وسیلهٔ گرداندن آن در گذرگاه‌ها است. نقد و بررسی و ارائه تحلیل واقع‌بینانه و روشن‌گرانه نسبت به مسایل و جریان‌های موجود کشور، نقد عملکردهای دولت، آگاهی دادن به مردم، ابلاغ افکار عمومی‌زمان امکان پذیر است که اطلاعات دقیق در دست باشد.

آیا می‌دانید مفهوم اخلاق رسانه‌یی چیست؟

مفهوم اخلاق رسانه‌یی در مکان‌ها و زمان‌های مختلف در کشورها، فرق می‌کند، عموماً اخلاق رسانه‌یی نوشته‌های تحریر شده نیستند. و بیشتر بر می‌گردد به قوانین و ارزش‌های اجتماعی دریک محدوده خاص زمانی و جغرافیایی. در اخلاق رسانه‌یی بحث از بایدها و نبایدها و توصیه و نهی در میان است. مسؤولیت پذیری یکی ازحقیقت‌های بزرگ در اخلاق رسانه‌یی می‌باشد. بررسی‌ها نشان داده است که رسانه‌ها مؤثریت چشم‌گیری در سمت دهی افکار، نظرها، تلقی‌ها و برداشت‌ها در جوامع دارد و این تأثرگذاری می‌تواند جنبه سازنده‌گی و دادن تعلیم و یا ممکن بُعد تخریبی نیز داشته باشد. بنابراین لازم است که نحوه تأثرگذاری رسانه‌ها طوری تنظیم گردد که اخلاق به نفع اجتماع و انسانیت باشد.

اخلاق رسانه‌یی متشکل از کدام موضوعات است؟

اخلاق رسانه‌یی مبحث وسیع از اخلاق حرفه‌یی است که متشکل از موضوعاتی؛ مانند: آزادی بیان، آزادی مطبوعات، قانون مطبوعات، مسایل و معاهده‌های بین‌المللی، حق چاپ سرقت ادبی، مسؤولیت روزنامه نگار، آگاهی نویسنده ومانند آن‌ها، که دارای متون تحریری و مدارک مشخص و قابل استفاده است. و همچنان موضوعات زیاد دیگری که نوشته و مشخص نیستند؛ اما هر روز نامه‌نگار درجامعه خود آن‌ها را می‌شناسند. اخلاق رسانه‌یی در جوامع مختلف، خصوصیت‌ها و ویژه‌گی‌های خود را دارد. اصول آزادی و فعالیت‌های رسانه‌یی را قانون رسانه‌های جمعی مشخص می‌نماید همچنان چارچوب اخلاقی مسلط بر آن جامعه را تکمیل می‌نماید. مسایل محوری در اخلاق رسانه‌یی که باید در نظر گرفته شود؛ عبارت از: صداقت، صحت، توازن، امانت و پرهیز از آنچه در ضدیت با منافع ملی واقع شود، می‌باشد. در مجموع اخلاق رسانه‌یی را می‌توان با درنظر گرفتن امانت داری، آگاهی همه‌گانی و مسؤولیتی بررسی نمود چون: نخستین اصالت خبرنگار اطلاع رسانی می‌باشد، از این رو خبرنگار باید کوشش نمایدکه اطلاعات مورد نیاز جامعه را فراهم نماید و آن را با دلایل مشخص و گرایش‌های خود پنهان نساخته تحریف نکند. خبرنگاران باید دارای معلومات کافی در مورد موضوع داشته باشند، هرگاه در مواردی که دارای معلومات کافی نیستند نباید معلومات ناقص را نشر کنند؛ زیرا نشر خبر ناقص و کاذب سبب القای آگاهی کاذب و ناقص‌گیرنده‌گان خبر می‌گردد. رسانه‌ها در قبال جامعه

و مردم خود از نظر اخلاقی مسؤول اند تا از نشر آن چه در قانون نامه‌ها و قواعد یک کشور ضد اخلاقی تلقی می‌شود، خودداری نمایند. رسانه‌ها به دو صورت ممکن است با استفاده از آزادی مطبوعات از قوانین مطبوعات تخطی کنند:

• به دلیل نوشتن افترا، توهین و پرداختن به مسایل خصوصی افراد. در صورت چنین تخطی‌ها به شکایت افراد رسیده‌گی شده و مجرمان تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

• به دلیل نوشتن مسایل خلاف قانون مطبوعات و استفاده غیر قانونی از آزادی مطبوعات؛ مانند: توهین به مقدسات، به خطر انداختن امنیت ملی و مشوش ساختن اذهان عمومی‌در اکثر کشورها برای رسیده‌گی به اتهامات یا قانون شکنی‌های رسانه‌یی، محکمهٔ رسانه‌یی به حضور هیأت منصفه مطبوعاتی به صورت علنی بر گزار می‌شود. ممکن گاهی نقد اعتراض فردی یا جمعی را در پی داشته باشد بنابراین نقد باید اخلاق رسانه‌یی را از بین نبرده از حقوق فردی و جمعی در برابر زیاده روی و انحراف رسانه‌ها جلوگیری کند.

فعالیت: به نظر شما، چرا رسانه‌ها از آزدای قانون رسانه‌ها تخطی می کند؟ با مشوره اعضای گروه دلایل را بیان نمایید.

در مورد اخلاق رسانه‌یی در افغانستان چه می‌دانید؟

امروزه رسانه‌ها در کشور، از رشد خوبی برخورداراند. قانون رسانه‌های افغانستان تا حدود زیادی آزادی‌هایی برای رسانه‌های جمعی قایل شده است. مشکلی که در رسانه‌های کشور وجود دارد این است که یک عده‌یی خبرنگاران غیر مسلکی و با عدم آگاهی از اخلاق رسانه‌یی وارد عرصه عمل گردیده‌اند، تمثیل‌های قومی، لسانی، و غیره ... بسیار زیاد انعکاس داده اند که باعث دشواری‌های زیادی در کشور شده اند. در شرایط کنونی کشور به صلح و امنیت ضرورت اشد دارد. بنابراین خبرنگاران و قلم به دستان اخبار و اطلاعات صلح را بر سایر اطلاعات اولویت دهند، رسانه‌ها در تقویت اعتماد ملی، ثبات و صلح کمک نمایند و نباید وسایلی باشند برای کمک رسانیدن اهداف ضد اجتماعی، ضد امنیتی و غیره.. و از نشر مطالبی که مخالف افکار همه‌گانی باشد باید پرهیز نمایند؛ مانند: آثار و مطالبی که مغایر با اصول و احکام دین مقدس اسلام باشد. آثار و مطالبی که موجب توهین به سایر ادیان و مذاهب گردد، همچنان آثار و مطالبی که مغایر قانون اساسی بوده و در قانون جزا و دیگر قوانین کشور ما جرم به شمار می‌رود؛ چون کشور ما یک دولت اسلامی‌است، تبلیغ و ترویج ادیان دیگر غیر از دین مقدس اسلام جواز ندارد.

فعالیت: به نظر شما، چرا اخلاق رسانه‌یی نظر به ممالك فرق می‌کند؟ در زمینه نظرخویش را ارائه دارید.



مروری بر درس



پاسخ دهید

۱- آزادی بیان چیست؟

۲- دو مورد از محدودیت آزادی بیان را بنگارید.

۳- خصوصیات مطبوعات را در رژیم مردم سالاری تحریر دارید.

۴- کدام موضوعات شامل اخلاق رسانه‌یی می‌شود؟ بنگارید.

۵- رسانه‌ها کدام موضوعات را نباید نشر کنند؟ درزمینه معلومات دهید.

کارخانه‌گی

کدام موضوع در قانون رسانه‌یی کشور جرم شناخته می‌شود؟ در زمینه معلومات ارائه دارید.

خلاصهٔ فصل ششم

•افکار عمومی‌مجموعهٔ از تصامیم افراد یک گروه عام را در مورد یک موضوع خاص می‌گویند.

•رسانه وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از این وسایل می‌باشد: رسانهٔ برقی، رسانهٔ چاپی.

• انواع رسانه عبارت‌اند‌از: مطبوعات، روزنامه، رادیو، تلویزیون، انترنیت و شبکه کیبلی.

• رسانه به عنوان نهاد جامعه مدنی که در واقع رکن چهارم حکومت یاد می‌شود نقش مهمی‌در ایجاد شرایط مناسب جهت توسعه فرهنگی و سیاسی جامعه ایفا می‌نماید.

• آزادی بیان عبارت از آزادی افراد در بیان عقیده با درنظرداشت ارزش‌های اسلامی و ایراد نطق و خطابه، بدون ترس و واهمه از دخالت دولت است. آزادی بیان یکی دیگر از انواع آزادی‌ها است که در جهان امروز از اهمیت زیادی برخوردار است.

• اخلاق رسانه‌یی مبحث گسترده از اخلاق حرفه‌یی است که متشکل از موضوعاتی؛ مانند: آزادی بیان، آزادی مطبوعات، قانون مطبوعات، میثاق‌ها و معاهده‌های بین‌المللی، حق چاپ، سرقت ادبی و غیره می‌باشد.